

متوان آموزشی طرح جبرت ۲۸۱

رهنمایی راه راهنمایی نور

ویره بوستان ناز

(نوجوانان)

تابستان ۱۳۸۰

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت آموزش

مرکز آموزش ملطفین (طرح جبرت)

بوستان ناز

اشارة دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۰

ره توشه راهیان نور: ویژه بوستان نماز (نوجوانان)، تابستان ۱۳۸۰ / تهیه دفتر
تبیینات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت آموزش [برای] مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت) .-
قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبیینات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۰ .
۲۴۸، ۸ ص. : جدول، نمودار.- (بوستان کتاب قم؛ ۱۰۱۸). متون آموزشی طرح
هجرت؛ ۳۸ (۰).

ISBN 964-424-960-7

۷/۵۰ ریال.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Rahtüshe-ye Räheäyane Nür

پشت جلد لاتینی شده:

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. اسلام-مسائل متفرقه. ۲. اسلام-راهنمای آموزشی. ۳. جوانان و اسلام.
۴. اخلاق اسلامی-به زبان ساده. الف. بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبیینات اسلامی حوزه علمیه قم). ب. دفتر تبیینات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت آموزش. مرکز آموزش مبلغین.
- ج. طرح هجرت، تابستان ۱۳۸۰

۲۹۷/۰۲

BP ۸/د ۹۶۷۴

□ شابک: ۷-۹۶۰-۴۲۴-۹۶۰-۷ / ۹۶۴-۴۲۴-۹۶۰-۷

ISBN: 964-424-960-7 / ۹۶۴-۴۲۴-۹۶۰-۷

بوستان کتاب

اشارة تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ره توشه راهیان نور (تابستان ۱۳۸۰)
ویژه بوستان نماز (نوجوانان)

تهیه، ویرایش، حروف نگاری، صفحه آرایی و نمونه خوانی:
معاونت آموزش دفتر تبیینات اسلامی حوزه علمیه قم،

مرکز آموزش مبلغین (طرح هجرت)

ناشر: بوستان کتاب قم

(انتشارات دفتر تبیینات اسلامی)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبیینات اسلامی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۰

شمارگان: ۸۰۰۰

بها: ۷۵۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، خیابان شهدا (صفاییه) بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبیینات اسلامی حوزه علمیه قم)،

ص ب ۹۱۷، تلفن: ۷-۷۷۴۲۱۵۵-۷، نمبر: ۷۷۴۲۱۵۴، پخش: ۷۷۴۳۴۲۶

نشانی الکترونیک: 1- http://www.hawzah.net/M/M.htm

2- http://www.balagh.org

E-mail: Bustan-e-Ketab@noornet.net

Printed in the Islamic Republic of Iran

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت امام خمینی ره :

فرهنگ مبدأ همه خوشنختی‌ها و
بدبختی‌های یک ملت است. خروج از
فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین
شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و
انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در
سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و
کوشش است که برای تحقق آن
سالیان دراز باید زحمت کشید.

صحیفه نور

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):

سال ۸۰ هم باید سال امیر المؤمنین علیه السلام به حساب بیاید و شناخته شود. در این سال تلاش کنیم رفتار و عملکردمان را به خصوص در حوزه مسائل اجتماعی، و به طور اخص در زمینه مسائل حکومتی به عملکرد آن بزرگوار نزدیک کنیم.

پیام نوروزی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	اعتقادی
۹	ناظم مهربان
۲۱	نیاز انسان به پیامبران الهی ﷺ
۳۱	یک راز...!
۴۱	کلید خوشبختی
۴۹	قرآن
۵۳	حضرت هود ﷺ
۶۱	حضرت موسی و حضرت علیہما السلام
۷۳	حضرت ابراهیم ﷺ
۸۰	حضرت سلیمان ﷺ
۹۹	حضرت نوح ﷺ
۱۱۱	حضرت داود ﷺ
۱۱۹	اخلاق
۱۲۳	دوستان و دشمنان خدا
۱۳۰	خطا پوشی

۱۴۳	احکام.....
۱۴۷	گفت و گو با دوست ..
۱۵۰	آینه‌ی اخلاص ..
۱۶۵	نماز قضا ..
۱۷۵	نماز آیات ..
۱۸۱	سیره و رفتار علوی ..
۱۸۵	اسوه بندگی ..
۱۹۵	جوانمـردی ..
۲۰۵	حضرت علی ؑ و فرصت‌ها ..
۲۱۵	حمایتگر ..
۲۲۵	جلوه‌های عدالت حضرت علی ؑ ..
۲۳۵	کار و تولید ..
۲۴۱	گلواژه‌های علوی ..

مقدمه

حمد و سپاس خدای عزوجل را که ما را قرین منت نمود و توفیق همراهی با خیل عظیم مبلغین معارف دین را در سالی که با عنوان «رفتار علوی علیه السلام» زینت گرفته ارزانی داشت. «رفتار علوی» از ابعاد گوناگون قابل تجزیه و تحلیل و الگوبرداری است، آما آنچه به رسالت مبلغان ربط پیدا می‌کند بعد «تبیغی - اجتماعی» این رفتار است که «طبیبانه بودن»، «عالمانه و آگاهانه بودن»، «جامع و حکیمانه بودن» و «دردمدانه و دلسوزانه» از جمله ویژگی‌های رفتار تبلیغی - اجتماعی آن مولا و مقتدای همه بشریت و همه مبلغان در طول تاریخ می‌باشد. به نظر تلاش نهادهای مقدس تبلیغ همچون «سازمان تبلیغات اسلامی» و «دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم» در بستر سازی تبلیغ کار آمد در سال‌های پس از انقلاب و به خصوص در مقطع حساس کنونی که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران وارد ده سوم خود شده است، باید برنامه ریزی خود را بر اساس این اصول قرار دهد تا زمینه تبلیغ صحیح، متناسب با نیازها و مشکلات روز جامعه به خصوص نسل جوان، همراه با نوآوری و ابتکار، را فراهم سازد.

اوقات فراغت تابستانی از جمله مهم‌ترین فرصت‌های تبلیغی به خصوص برای نسل نوجوان و جوان است که سال هاست هجرت راهیان نور برای تبیین معارف

قرآن و عترت با امر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در این مقطع صورت می‌پذیرد و مرکز آموزش مبلغین با هماهنگی دونهاد مذکور و با بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادات کارشناسان مربوطه به خصوص شورای محترم برنامه ریزی و ارزیابی و اعزام مبلغ امر آموزش و تهیه متون آموزشی - تبلیغی را به عهده داشته است.

ره توشه راهیان نور برای مریان مقطع ابتدایی و نوجوانان و جوانان با همت محققان مرکز تربیت مریان کودکان و نوجوانان و کارشناسان مباحث جوانان در محورهای اعتقادات، قرآن، اخلاق، احکام، تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام با توجه به نیازهای متنوع نسل نوجوان و جوان و با عنایت به مناسبات مختلف مقطع تابستان و با تأکید بر بهره‌گیری از سیره‌ی عملی مولی الموحدین امیرالمؤمنین علیهم السلام تدوین شده است ضمن اینکه عنایت خاصی به روحیه پرسش‌گری نوجوان و جوان دارد. لذا در مضمیمه مباحث، به طرح سوالات و پاسخ‌ها پرداخته است. ویژگی این ره توشه، تنوع مطالب و برنامه‌های تبلیغی، عنایت به پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تأکید بر سیره و رفتار علوی علیهم السلام، پرداختن به الگوهای توشه به روحیه الگوپذیری نسل نوجوان و جوان می‌باشد.

ما خود اذعان داریم که تهیه متون مناسب بخشی از کارتیلیگ کارآمد است که سعی در رسیدن به آن داشته باشیم و داریم ولی شناخت زمان و مکان و اقتضاءات آن، مخاطب و نیازها، مشکلات و روحیات متنوع آنان، ابزارها و شیوه‌های مختلف تأثیرگذاری، آسیب‌ها و خطرات آشکار و پنهان در مسیر تبلیغ از عوامل مؤثر در کارآمدی و ناکارآمدی تبلیغ محسوب می‌شود که این مهم با اهتمام مبلغین و سفیران هدایت به امر آموزش حاصل خواهد شد، که مختصراً از نکات آموزشی در فصلی جداگانه تدوین شده و راهیان نور را توصیه به مطالعه دقیق این فصل می‌نماییم.

در اینجا لازم می‌دانیم از عنایت ویژه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نسبت به هجرت طلاب در مقطع تبلیغی و به صورت یک و یا دو ساله و مساعدت‌های حوزه مقدسه علمیه قم، سازمان تبلیغات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی در بستر سازی نسبت به هجرت مبلغان و همه عزیزانی که در تهیه این ره توشه ما را یاری نموده‌اند و به ویژه مدیر مرکز تربیت مریض کودکان و نوجوانان حجۃ‌الاسلام آقای محمد حسن راستگو و همکاران ایشان حجج اسلام علی شهیدی، حسین حقیقت، محمد هادی شهیدی که کار تدوین دو جلد ره توشه راهیان نور ویژه مقطع دانش آموزان ابتدایی و نوجوان را بر عهده داشته و حجج اسلام آقایان محمد باقر پور امینی، سید محمد جواد نجفی، سید حسن میر حسینی، سید محمد جواد فاضلیان، سعید عطاریان، محمد مهدی ماندگار و دیگر عزیزانی که در تدوین ره توشه ویژه جوانان، همکاری جدی داشتند، کمال تشکر را داشته باشیم.

آن چه بر توفیق این مجموع می‌افزاید راهنمایی‌ها، پیشنهادات، انتقادات و طرح ایده‌های نو از جانب همه دلسوزان امر مقدس تبلیغ به خصوص در مورد تبلیغ نوجوانان و جوانان می‌باشد که دست نیاز به سوی هر همکاری خالصانه دراز می‌کنیم و خود را مصون از اشتباه و خطأ نمی‌دانیم.

مرکز آموزش مبلغین

(طرح هجرت)

اعتقادي

نام درس

ناظم مهریان

موضوع

عقاید

هدف کلی

در این درس دانشآموزان با اثبات وجود خداوند از راه برهان نظم آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱- وجود نظم در تعجم مرغ به عنوان نمونه‌ای از پدیده‌های جهان.

۲- در تمام پدیده‌های این جهان نظم پرپا می‌باشد.

۳- نظم به نظم نیاز دارد.

۴- هر چه نظم دقیق تر پاشد نظم پاید حکیم تر و عالم تر پاشد.

۴- در این جهان نظم دقیقی حاکم است معلوم می‌شود آفریننده‌ای حکیم و عالم دارد.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود که در پایان این درس با استدلال از راه برهان نظم بر وجود خداوند آشنا شده باشند و بتوانند از این راه بر وجود خداوند استدلال نمایند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی - ۲. فعال (پرسش و پاسخ، داستان، شعر، کارت پازی)

رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه

ناظم مهریان

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام! حال همه‌ی دوستان من خوب است، خوب خوب؟ حواس‌ها چی، جمع
جمع؟ حالاً بینم واقعاً جمع است یا تفرق؟

روزی یک نفر که یک تخم مرغ در کیسه‌ای گذاشته بود، به دوستش گفت: اگر
گفتی در این کیسه چیست، تخم مرغی را که داخل آن است، به تو می‌دهم. دوستش
کمی فکر کرد و گفت: لطفاً یک کمی راهنمایی کنید، چون خیلی مشکله!
دوستش گفت: فقط یک راهنمایی می‌کنم، این که چیز زرد رنگی است که داخل
جسمی سفید رنگ قرار داده شده است؟

دوستش کمی فکر کرد و گفت: آهان! فهمیدم، تو شلغم را سوراخ کرده‌ای و
داخل آن هویج گذاشته‌ای؟!!

خوب بچه‌ها! اگر شما گفتید داخل این کیف من چیست؟^(۱) راهنمایی می‌کنم؟
بله! یک عدد تخم مرغ.
چیز سفیدی که وسطش زرد است!
از مرغ
تخم مرغ از چه به وجود می‌آید?
کدام پرنده بزرگ‌ترین تخم را می‌گذارد؟
شتر مرغ.

۱- مردی از قبل یک تخم مرغ آب پز آماده کند و داخل کیف خود بگذارد.

زیرا تخم شتر منغ شش تا هفت اینچ^(۱) قطر دارد و می‌توان ۱۲ تا ۱۸ تخم منغ معمولی را در آن جای داد!^(۲)

چقدر در باره‌ی تخم مرغ فکر کرده‌اید، آیا به شکل آن دقت کرده‌اید؟
 بچه‌ها! چون مرغ مادر می‌خواهد روی تخم‌ها بخوابد تا جوجه شوند، باید تخم‌ها قوی باشند تا بتوانند وزن مرغ مادر را تحمل کنند و شکل تخم‌ها این چنین استحکامی را به آن‌ها می‌دهد به گونه‌ای که تا تخم‌ها به جوجه تبدیل شوند، سالم می‌مانند و جوجه‌ها خود با نوک زدن به پوسته‌ی تخم از داخل آن، بیرون می‌آیند.
 بیشتر تخم‌ها یک سر پهن و یک سر باریک دارند در نتیجه اگر غلت بخورند اطراف سر خود می‌چرخند و به پایین لانه سقوط نمی‌کنند.
 اکثر پرنده‌گان لانه‌هایشان را به صورت فنجان می‌سازند که مانع از غلtíden تخم‌ها می‌شود، در لانه سر باریک تخم‌ها به طرف داخل است که باعث می‌شود تخم‌ها حداقل فضای اشغال کنند و پرنده‌ی مادر راحت‌تر روی تخم‌ها بنشیند و آن‌ها را بپوشاند.^(۳)

یک سؤال! اوّل تخم مرغ به وجود آمده است یا مرغ؟!
 آن‌هایی که می‌گویند مرغ، دستشان را بلند کنند و بگویند به چه دلیل؟ آن‌ها هم که می‌گویند تخم مرغ، دستشان را بلند کنند دلیل خود را بیان کنند.^(۴)

۱- هر اینچ معادل ۲/۵۴ سانتیمتر است.

۲- عبدالحسین سعیدیان: «دانیر المعرف نو»، انتشارات محمد علی علمی، ج ۷، ۲، ص ۱۳۶۰.

۳- بیتو ساگال، «آیا می‌دانید»، ترجمه نادر محمد زاده، انتشارات طلایه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۶.

۴- مربی اجازه دهد هر کدام از دو گروه برای نظر خود استدلال کنند.

بله! هیچ کس نمی‌تواند به این سؤال جواب بدهد، مگر این که بگوییم اول آفریدگار تواناییکی از این‌ها را آفرید و بعد دیگری از آن به وجود آمد! یک صلوuat بفرستید تا یک داستان شیرین برایتان بگوییم.

عبدالله دیصانی که به خداوند ایمان نداشت، خیلی اهل سؤال کردن بود و معمولاً سؤالات مشکلی مطرح می‌کرد که کسی نتواند جواب بدهد. روزی از هشام بن حکم که یکی از یاران و شاگردان باهوش امام صادق علیه السلام بود، پرسید: آیا تو به خدا ایمان داری؟

هشام گفت: بله!

- آیا خدای تو قدرت دارد؟

- بله! خداوند قادر و قاهر است!

- آیا خدا قدرت دارد که تمام دنیا را در تخم مرغی داخل کند، به صورتی که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک شود؟!

هشام که دیگر نمی‌توانست به او جوابی بدهد، گفت: مهلت بده تا در این باره فکر کنم. دیصانی نیز یک سال به او مهلت داد.

هشام به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و سؤال دیصانی را مطرح کرد و از امام علیه السلام کمک خواست. حضرت فرمود: ای هشام! حواس تو چند تاست؟

هشام: پنج تا (بويایي، شنوايي،....)

- کدام یک از اين حواس کوچک تر است؟

- چشم (بينایي)

- اندازه‌اش چقدر است؟

- به اندازه‌ی یک عدس یا کمتر

- ای هشام! به رو به رو و بالای سر خود نگاه کن و آنچه می‌بینی به من بگو!

- آسمان، زمین، خانه‌ها، قصرها و صحراءها و کوهها و رودها را می‌بینم!

- آن کسی که قدرت دارد آنچه را تو می‌بینی در یک عدس یا کمتر از آن داخل کند، قدرت دارد که جهان را در یک تخم مرغ جای دهد، به صورتی که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک شود.

هشام که خیلی خوشحال شده بود دست و صورت امام علیه السلام را بوسید، از امام علیه السلام تشکر کرد و به منزل خود برگشت.

روز بعد دیصانی پیش او آمد و گفت: آمده‌ام سلامی عرض کنم، نیامدم که جواب سؤال دیروز را بگیرم!

هشام گفت: اگر آمده بودی جواب بگیری، جواب سؤال آماده بود، سپس هشام همان طور که امام علیه السلام فرموده بود، جواب را بیان کرد.

وقتی که دیصانی متوجه شد هشام این جواب محکم را از امام جعفر صادق علیه السلام آموخته است، تصمیم گرفت خود به حضور حضرت شرفیاب شود و سؤالاتی از آن حضرت بپرسد!

به همین خاطر عبدالله دیصانی به در خانه‌ی امام صادق علیه السلام آمد و بعد از اجازه داخل شد. وقتی نشست به آن حضرت عرض کرد: ای جعفر بن محمد! مرا به پروردگارم راهنمایی کن.

حضرت از او پرسید: اسمت چیست؟

دیصانی بدون این که اسم خود را بگوید از مجلس خارج شد.

اصحاب او گفتند چرا اسمت را نگفتی؟

گفت: اگر می گفتم عبد الله، ممکن بود بپرسد بنده کدام الله؟

یارانش به او گفتند: به سوی او برگرد و بگو مرا به پروردگارم راهنمایی کن ولی از

اسم نپرس!

دیصانی هم برگشت و عرض کرد: ای جعفر بن محمد! مرا به پروردگارم راهنمایی کن اما از اسم من سؤال نکن!

حضرت فرمود: بنشین! در همین موقع پسر بچه‌ی کوچک آن حضرت که تخم مرغی در دست داشت و با آن بازی می‌کرد، وارد شد، حضرت فرمود پسرجان این تخم مرغ را به من بده، پسر بچه تخم مرغ را به حضرت داد.

حضرت فرمود: ای دیصانی! این تخم مرغ قلعه‌ای است که پوست محکمی دارد و وزیر این پوست محکم، پوست نازکی قرار گرفته است و وزیر آن هم طلای مایع و نقره‌ای ذوب شده‌ای وجود دارد^(۱) که طلای مایع با آن نقره‌ی مذاب مخلوط نمی‌شود. تخم مرغ به همین صورت باقی است و کسی از داخل آن خارج نشده است که از سلامت آن خبر بدهد و معلوم نیست که برای تولید جوجه‌ی نر آفریده شده است یا برای تولید جوجه‌ی ماده؟ از این تخم مرغ رنگ‌های زیبایی مثل رنگ بال‌های طاووس بیرون می‌آید! آیا برای این تخم مرغ مددبر و آفریننده‌ای لازم

۱- امام زرده‌ی تخم مرغ را به طلا و سفیده‌ی آن را به نقره تشبيه کرد.

نیست؟

دیصانی برای مدتی چشمانش را بست و به فکر فرو رفت، سپس گفت: آشَهْدُ أَنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّكَ إِمامٌ وَحَجَّةٌ مِنَ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ وَأَنَا تَائِبٌ مِمَّا كُنْتُ فِيهِ.^(۱)

چه کسی می‌تواند ترجمه‌ی این جملات را بگوید؟

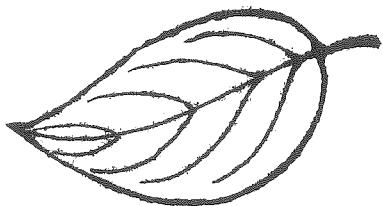
جالب بود، خوشتان آمد؟ آیا تا حالا می‌دانستید که این تخم مرغ که ما همیشه با
آن سرو کار داریم، این قدر منظم و شگفت‌انگیر است؟! همه‌ی موجودات همین
طور هستند! آیا می‌توانید یک موجودی را نام ببرید که در ساختمان بدنش نظم
وجود نداشته باشد؟ هر کس بتواند چنین موجودی را پیداکند، جایزه دارد!... تا
جلسه‌ی آینده من به شما فرصت می‌دهم که بروید فکر کنید و از دیگران بپرسید!
ولی مطمئن باشید که نمی‌توانید چنین جایزه‌ای از من بگیرید چون هرگز چنین
موجودی را نخواهید یافت.

حتی ساده‌ترین و معمولی‌ترین چیزها از نظمی عجیب برخوردارند! یکی از
چیزهایی که ما خیلی با آن سروکار داریم و اصلاً به آن توجه نمی‌کنیم این شکل
است، اگر گفتید که: شکل چیست؟^(۲)

۱- مریبی از دانش آموزان سؤال کند و اگر ناقص گفته شود که آن‌ها کمک کند تا به این صورت ترجمه را تکمیل کنند: شهادت می‌دهم خدابی جز الله نیست که تنهاست و شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست و شهادت می‌دهم که تو (امام صادق طیلله) امام و حجت خدا بر مردمی و من هم از آن عقیده‌ای که داشتم توبه می‌کنم.

به نقل از کلینی، «اصول کافی»، چاپ دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق، ج ۱، کتاب التوحید، ص ۸۰، ح ۴.

۲- مریبی می‌تواند به تدریج شکل برگ را کامل کند تا جذابیت لازم ایجاد شود.



برگ درخت، ما چه مقدار از این برگ‌ها را زیر پای خود له کرده‌ایم؟
اما همین برگ ساختمان بسیار پیچیده‌ای دارد و کارهای زیادی برای گیاهان
انجام می‌دهد آیا می‌دانید کار برگ چیست؟

(۱- تنفس گیاه.)

(۲- گرفتن ویتا مینهای نور مُحْرَشید.)

(۳- ساختن کلروفیل.)

(۴- پس دادن گاز اکسیژن و پاک سازی هوا.)

برگ با این که نازک است، ساختمانی هفت طبقه دارد که هر طبقه اش ساختی مخصوص و برنامه‌ای ویژه دارد. پوشش نازک برگ مانند پوست تن انسان سوراخ‌های بسیار ریزی دارد و هر سوراخ سلول نگهبانی دارد که باز و بسته شدن آن را تنظیم می‌کند.

اگر یک برگ را در مقابل آفتاب بگیریم، رشته‌های بسیار نازکی در سراسر آن خواهیم دید که به صورت منظمی گسترده شده‌اند. و کار آن رسانیدن غذا و آب به تمام سلول‌های است و این رشته‌ها لوله کشی منظم آن شهر را از شاه لوله‌های بزرگ تا کوچک‌ترین انشعابات نشان می‌دهند.^(۱)

۱- مکارم شیرازی: «تفسیر بیام قرآن»، مؤسسه امیرالمؤمنین، ج ۴، ج ۲، ص ۳۲۰.

پس شاعر درست گفته، چه گفته؟

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

آیا انسان می‌تواند یک برگ با این شبکه‌های خیلی دقیق بسازد و اگر بتواند چه مقدار زمان لازم دارد، چه وسایل پیچیده‌ای و چقدر هزینه می‌خواهد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: یک انسان در یک سال هم نمی‌تواند چنین شبکه‌ای را ایجاد کند.^(۱) اما خدای بزرگ در فصل بهار تمام درختان را پر از برگ سبز می‌کند و در تمام برگ‌ها چنین شبکه‌ای ایجاد می‌کند.

برای این که خستگی تان برطرف شود با هم یک کارت بازی داریم، آماده‌اید؟

پشت کارت

توضیح

روی کارت

بیش از یک هفته

دوچرخه

اگر نظم بین چرخ‌ها و رکاب بدنه و چرخ دنه‌ها و زنجیر نباشد

دوچرخه حرکت نمی‌کند، برای ساخت قطعات و وصل آنها به هم

بیش از یک هفته

ساعت

نظم بین فنرها، چرخ دنده‌ها نباشد، زمان دقیق را نشان

نمی‌دهد برای ساخت قطعات و وصل آنها

بیش از یک ماه

ماشین حساب

وصل آنها

اگر قطعات آن درست به هم وصل نشده باشد، برای ساخت و

بیش از شش ماه

کامپیوتر

وصل آنها

اگر قطعات آن به هم درست وصل نشود برای ساخت قطعات

بیش از ده سال**اگر قسمت‌های مختلف دقیق نباشد کار نمی‌کند برای ساخت****پالایشگاه****قسمت‌های مختلف****کمتر از یک لحظه**

کار یک پالایشگاه را انجام می‌دهد، زیرا مواد لازم را از خاک می‌گیرد و یک میوه به این زیبایی، خوشبوی و خوشمزگی به ما می‌دهد. خداوند آن را در چه مدت

شاخه‌ی**درخت سیب**

می‌تواند ایجاد کند.
پس باید بگوییم تمام ذرات منظم این جهان، ناظمی، دقیق - باقدرت - باعلم و.. دارد حالا از دوست عزیزمان می‌خواهیم که شعر زیبایی را که آماده کرده‌اند برایمان بخواند. (۱)

دلزهسته‌ها

آن چیست؟ انگور

این؟ هندوانه

آن خوشه خوشه

این دانه دانه

این هندوانه

ُرد است و شیرین

آن خوشه انگور

پر آب و شیرین

۱- مریم از قبل شعری را به یکی از دانش‌آموزان بددهد تا به صورت زیبایی در کلاس بخواند.

۲- حداد حسین: «من و پروانه»، ص ۹۳

صد حبه دارد
یک خوشه انگور
هر حبه یک رنگ
هر حبه یک جور

هر حبه در خود
یک هسته دارد
هر هسته رازی
سریسته دارد

در هندوانه
صد تخمه خفتة
هر تخمه دارد
رازی نهفته

این رازها را
بنشین و بنگر
فریاد بردار
الله اکبر
«مصطفی رحماندوست»

نام درس

محبی ایرانی

نیاز انسان به پیامبران الهی

موضوع

عقاید

هدف کلی

دانش آموزان در این درس بایکی از علتهای «نیاز به پیامبران» آشنا خواهند شد.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

- وجود قوانین و قواعد در هر اختراع پشتری.
- آگاهی قانون کدار نسبت به آن چه پدایش قانون تصویب می کند.
- شناخت مطمئن ترین افراد برای رساندن پیام الهی.

هدف رفتاری

انتظار می رود دانش آموزان بتوانند به قانون به عنوان یک هدیه الهی، احترام بگذارند و به آن عمل کنند.

روش های مناسب تدریس

- ۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، گردش علمی و...)

رسانه های آموزشی

کارت

نیاز انسان به پذام زان الهی

به نام خداوند رنگین کمان خدای من و تو، خدای جهان
سلام بر گردشگران علمی، دانش آموزان عزیز و مهربان!

درس ما راجع به گنج و گنج یابی است. اگر درست به حرف‌های من گوش کنید و گنج‌هایی را که به کمک دوستانتان پنهان کرده‌ایم پیدا کنید می‌توانید نام درس را حدس بزنید.^(۱)

ابتدا فکر می‌کنم باید کمی در مورد مسابقه برای دوستان توضیح بدhem و بعد وارد مسابقه و درس شویم، حاضرید؟..

ما سه گروه می‌خواهیم تا «نه» گنج را برای ما پیدا کنند (هر گروه سه گنج) دقت داشته باشید که هر گنجی که پیدا کردید هم مطلب را به دقت بخوانید و هم آدرس گنج را که در پشت آن نوشته شده است، بخوانید. (در این کار سرعت و دقت شرط لازم است) همان گنج را hem با خود همراه بیاورید.

۱- مریب برای اجرای درس چند روش می‌تواند در نظر بگیرد:

الف: مسابقه را جدا جدا اجرا کند، یعنی اول گروه یک را بفرستد تا گنج‌هایی را که از قبل پنهان کرده است، (این گنج‌ها، به صورت برگه‌هایی است که مطالعی در آن‌ها آمده است.) پیدا کنند و بیاورند و ضمن قرائت گنج‌ها مریب توضیحات لازم را بدهد. بعد به سراغ گنج دوم و سپس سوم برود.

ب: مریب هر سه گروه را به دنبال گنج‌هایی که از قبل پنهان کرده است، بفرستد و بعد از آوردن گنج‌ها توضیحات لازم را بدهد. و در هر دو صورت برای بجهه‌ها (به تناسب پاسخ کامل با ناقص) جایزه‌ای در نظر بگیرد.

در پایان که همه موفق شدید باید آنچه را که پیدا کرده‌اید به ترتیب برای ما بخوانید.

حالا اگر حاضرید، با ذکر یک صلوuat برویم به استقبال درس و مسابقه‌ی: «گنج یابی».^(۱)

گروه اول:

گنج اول:

آیا می‌توانید چند اختراع برای مانام ببرید و نام مخترع آن‌ها را هم بگویید؟^(۲)

مانام	اختلاف
روپر (آمریکایی)	اتومبیل بخار
ادیسون	پرق
انشتنین (آلمان)	پمپ اتم
گراهام پلن (آمریکایی)	تلعن
گالیله (ایتالیایی)	تلسکوپ
یوهان کوتمندگ (آلمانی)	چاپ
پُرد (اسکاتلندی)	تلویزیون
رازی (ایرانی)	الکل

۱- مریم می‌تواند به تعداد افرادی که در نظر گرفته، شیرینی، شکلات و یا چیزهای دیگر همراه گنج‌ها پنهان کند تا هم تنوعی باشد و هم هیجان بیشتری ایجاد کند. در ضمن این برنامه باید در روزهای وسط یا آخر طرح که بچه‌ها با محیط آشنا شده‌اند اجرا شود.

۲- جهت آشنایی مریم، این سؤال از دانش‌آموزان کلاس باید پرسیده شود. در صورت جواب ندادن دانش‌آموزان، خود مریم از دانش‌آموزی که در مسابقه شرکت کرده است می‌خواهد که جواب را بلند بگوید.

خوب، بچه‌ها! من توضیحی راجع به این اختراعات بیان می‌کنم، هر چند ممکن است کسانی قبل از این افراد برای اختراع این وسایل تلاش‌هایی کرده و به نتیجه هم رسیده‌اند؛ اما در هر صورت این اختراع‌ها به اسم اشخاصی که گفتم ثبت شده است. مثلاً صنعت چاپ در مصر قدیم با پاپیروس^(۱) شروع شد و سپس در چین و عربستان ادامه یافت اما متأسفانه به اسم یک آلمانی ثبت شده است.

گلچین ۵۹۰:

هر اختراعی دستورالعملی دارد^(۲)، مثلاً در مورد اتومبیل، آیا می‌دانید اتومبیل برای خودش قاعده و قانونی دارد و به عنوان مثال نباید بدون تهیه‌ی بنزین انتظار داشته باشیم اتومبیل راه برود و یا بدون عوض کردن دندنه بخواهیم با سرعت مناسب برود و...

حالا شما در مورد دستورالعمل‌های اختراعات دیگر (برق، تلفن، تلسکوپ،

۱- پاپیروس یا کاغذ مصری گیاهی است از نوع «نی» که مصریان قدیم از آن کاغذ مانندی می‌ساختند و بر آن چیز می‌نوشتند. محمد معین، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، ج ۱۱، ۱۳۷۶.

۲- مری بپرسد: آیا می‌توانید دستورالعمل این دو مورد اختراعاتی که ذکر کردیم بگویید؟ آدرس گنج دوم در پشت کارت یادآوری شود. سال‌های اختراع به ترتیب عبارت است از:

۱۸۸۹ میلادی	اتومبیل
۱۸۸۲ میلادی	برق
۱۹۴۲ میلادی	بمب اتم
۱۸۷۶ میلادی	تلفن
۱۶۰۹ میلادی	تلسکوپ
۴۵۰ میلادی	چاپ
۱۹۲۶ میلادی	تلوزیون
۲۷۱۱-۳۱۱ ق هجری قمری	الكل

عنایت الله شکیبا پور: «دائرة المعارف اجتماعی»، اشرافی، تهران، ص ۱۶۱.

تلوزیون،) توضیح دهید.

کنچ سوم:

آیا برای اختراعات فوق ما می‌توانیم قانون بهتری وضع کنیم یا سازندگان آن‌ها؟^(۱)

مثلاً آیا ما بهتر می‌دانیم که وسائل مورد نیاز برای یک تلویزیون، ماشین و... چیست و دستورالعمل‌های آن‌ها کدام است یا سازندگان آن..؟

گروه دوم:

کنچ اول: چند نمونه از مخلوقات خدا را نام ببرید.

... بله! علاوه بر آن موارد انسان هم یکی از مخلوقات خداست.

کنچ دوم: انسان نیز نیاز به دستورالعمل‌هایی دارد که به آن قانون می‌گویند.^(۲)

کنچ سوم: آیا سزاوار است خداوند که آفریننده‌ی آسمان و زمین است و برای هر چیزی قوانینی وضع کرده است، برای انسان قانون وضع نکرده باشد؟!^(۳)

گروه سوم:

کنچ اول: قانون باید ابلاغ شود.^(۴)

۱- همان سؤال در کارت نوشته شود و مریبی ضمن این که از دانش آموزان توضیح می‌خواهد خود نیز مثل موارد فوق مطالبی ذکر کند.

۲- مریبی توضیحاتی که به نظرش لازم می‌آید بیان کند.

۳- مریبی محترم به غریزه‌ای که خداوند در نهاد حیوانات به امانت گذشته است، اشاره کند، مثلاً مورچگان چگونه زندگی دارند یا پرنده‌گان چگونه بعد از مدت‌ها بدون هیچ راهنمایی ظاهری به خانه‌هایشان بر می‌گردند؟

۴- مریبی به دستورالعمل‌هایی که وسائل برقی مثل تلویزیون، جارو برقی، ضبط، ویدئو که همراه با آن‌ها به مشتری می‌دهند (دفترچه‌ی راهنمای) اشاره کند.

خوب! حالا اگر از شما بخواهم راجع به این مطلب توضیح دهید، چه
می‌گویید؟

بله!... من توضیحات دوستان شما را تکمیل می‌کنم.
اگر در مجلس کشوری قانونی وضع شود و کسی به آن عمل نکرد با این که
قانون‌گذاران نمایندگان مردم در مجلس هستند این قانون چه فایده‌ای دارد؟
سازنده‌ی تلویزیون یک دستورالعمل و قاعده‌ای در مورد استفاده از تلویزیون در
نظر داشته باشد، اما آن را با تلویزیون به خریداران ندهد، چنین قاعده‌ای چه
فایده‌ای دارد؟

پس هم قانون مجلس هم قانون تلویزیون و همین طور قانونی که خدابرای انسان
وضع می‌کند باید چه شود؟... بله! به انسان‌ها ابلاغ شود تا به کار آید و از آن استفاده
شود.

کنچ ۵۹: همه‌ی مردم برای دریافت قانون خدا شایستگی ندارند.
حال از شما می‌پرسم پس خداوند چگونه قانون‌های مورد نظرش را به انسان‌ها
ابلاغ کند؟..

بله! خداوند برای ابلاغ قانون به افرادی نیاز دارد که:
الف: هم مردم و هم خدا به آن‌ها اطمینان داشته باشند تا قانون را اشتباه نفهمند
یا اشتباه به انسان‌ها نگویند.

ب: در برابر امتحان خدا سربلند باشند. (۱)

۱- مری می‌تواند به امتحان‌هایی که خداوند برای حضرت ابراهیم ﷺ و سختی‌هایی که برای پیامبر

بنابراین خداوند کسانی را انتخاب می‌کند که شایستگی دریافت و حی و قانون را داشته باشند.

کنج سوم؛ خدا انسان‌های شایسته‌ای را برای رساندن قانون به مردم انتخاب کرده است.

پیامبران ﷺ

این‌ها چه کسانی هستند؟

خوب! گفتم چرا قانون را به همهٔ مردم ابلاغ نمی‌کند؟ چون هر کس شایستگی آن را ندارد.

حالا همه گوش کنید، آیا صدایی را می‌شنوید؟

بله! صدای چه؟ صدای....

اما صدای ای نیز وجود دارد که گوش ما قادر به شنیدن آن نیست با این حال وجود دارند. (۱)

بله! دوستان همه‌ی ما با این که گوش و عقل و شعور داریم، اما نتوانستیم این صدای را بشنویم، چرا؟ چون هر چیزی رابطه‌ی مخصوصی می‌خواهد.

خوب! رابط بین انسان‌ها و خداوند چه کسانی هستند؟ ... آفرین! پیامبران

در پایان برخی دیگر از دلایل لزوم بعثت پیامبران را در این کارت‌ها نوشتند

خوب توجه کنید. (۲)

اکرم ﷺ پیش آورد، اشاره کند.

۱- مریب پیچ رادیو را روشن کند و به دانش آموزان نشان دهد.

۲- مریب کارت‌هایی با ابعاد ۱۵×۲۰ انتخاب کند و مطالب را با خط خوانا و قشنگ بنویسد و هر کدام را به یکی از شرکت‌کنندگان در مسابقه‌ی خواندن عبارات بدهد تا بدون غلط (مقداری از آن را بدون نقطه بنویسد) بخوانند.

سه نفر از شما که صدای بلند رسا دارند و بدون غلط می‌توانند بخوانند، تشریف
بیاورند و در مسابقه‌ی ما شرکت کنند تا با این دلایل هم آشنا شویم.^(۱)

۱- شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: لزوم بعثت و صحبت نبوت پیامبران را
چگونه ثابت می‌کنی؟

حضرت فرمود: وقتی ثابت کردیم که ما آفریدگاری داریم منزه از (صفات)
همه‌ی آفریدگان، حکیم و الاتراز (صفات) آفریدگان و مردم نمی‌توانند آن را بینند
یا لمس کنند یا با او به بحث و گفت و گو بپردازنند، ثابت می‌شود که باید در میان
مردم سفیران و نمایندگانی داشته باشد تا میان او و بندگانش واسطه باشند و ایشان
را به آن چه سود و صلاح است و بقا یا فنا ایشان به انجام دادن یا ندادن آن بستگی
دارد، راهنمایی کنند.^(۲)

۲- ابوعلی سینا در شفا می‌نویسد^(۳): «نیاز به بعثت پیامبران در بقای انسان و به
دست آوردن کمال‌های وجودی مسلمًا از رویدن موهای مژگان و ابرو و فرو رفتگی
کف پاها بیشتر است.»

۳- قرآن می‌فرماید:

«... خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهن و کتاب آسمانی
که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل کرد تا در میان مردم، در آن چه اختلاف

۱- مرتبی در صورت مناسب بودن وقت و موقعیت این دو مطلب را بدون نقطه بنویسد و در اختیار
دانش آموزان قرار دهد تا هر کسی زودتر و بدون غلط خواند جایزه‌ای دریافت کند و گرنه به صورت معمولی
خوانده شود (کارت‌ها به اندازه‌ی مناسب از قبل تهیه شود).

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳- کارت دوم.

داشتند، داوری کنند.^(۱)

«...فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحُكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
وَالسَّلَامُ فِيمَا أَخْتَلَفُوا فِيهِ...»^(۲)

۱- کارت سوم. مریبی آیه را در پشت کارت بنویسد و در پایان خودش یا یکی از دانشآموزان با صوت زیبا بخواند.

۲- بقره ۲۱۳، در پایان با خواندن دعای فرج می تران حالتی روحانی به جلسه و اردو داد.

نام درس

یک راز...

موضوع

عقاید

هدف کلی

ابراهیم اخوی

در این درس با امام عصر (عج) و امکان عقلی عمر طولانی حضرت آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

(۱) امکان عمر طولانی برای افراد.

(۲) فراگیری دلایل یقین آور در پاسخ به شیوه‌ی عمر طولانی امام زمان (عج).

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس با آن حضرت ارتباط قلبی پیدا کنند و چند دعا بخوانند.

روش های مناسب تدریس

(۱) توضیحی ل. فعال (بازی با کلمات، راز دایره‌ها، شعر و کارت)

رسانه های آموزشی

تخمه سیاه و گچ،

بَكْ دَازِي!

به نام خداوند بخشندۀ مهریان

نوجوانان عزیز! سلام، امیدوارم حال شما خوب باشد، اگر موافق هستید با یک بازی با کلمه به یک چیزی پی ببریم که نام درس ما را تشکیل می‌دهد.

دوازدهمین حرف القبای فارسی:

ر

پوته‌ی انگوره تاک:

رز

نهر قدرآئی^(۱):

روز

عکس سوره‌ی زمر:

رمز

درشت نیست:

ریز

حرف مهم و سرتی:

راز

بله! آن چیز، یک راز...! بود و ما می‌خواهیم برای شما از یک راز صحبت کنیم؛

اما این راز با همه‌ی رازهای دنیا فرق دارد، چون این را می‌توانیم بگوییم و افشا کنیم.

راز ما خیلی مهم است و شما می‌دانید که برای رسیدن به چیزهای مهم باید

خیلی تلاش کرد، پس خوب گوش کنید و تمام حواستان را جمع کنید تا با کمک هم

به این راز بزرگ دست یابیم.

حالا این راز به چه چیزی مربوط می‌شود؟

۱- نباء، ۱۱، (وجعلنا النهار معاشاً).

برای پی بردن به این موضوع باید به چند سؤال پاسخ دهید، البته چند سؤال ساده.

تنهای اصل از اصول پنج گانه‌ی دین که با حرف الف شروع می‌شود:

امامت ۱۲ شمار امامان شیعه:

امام مهدی (عج) نام امام دوازدهم:

سالی که امام زمان (عج) به دنیا آمد:

سال قمری که در آن قرار داریم:

با یک حساب ساده سن امام زمان (عج) می‌شود:

خوب! موضوع درس هم این است که چگونه می‌شود یک انسان این همه عمر

کند. اگر از شما بپرسند چه جواب می‌دهید؟^(۱)

در این رابطه اگر موافق باشد، با هم یک بحث علمی - تفريحي را شروع می‌کنیم تا هم به اطلاعات خود بيفزاريم و هم به پاسخ اين سؤال برسیم. موافقید؟^(۲) بله! ما چهار جواب برای این سؤال داریم من عنوان آنها را روی کارت نوشته‌ام.

عقیدتی

تاریخي

روایی

قرآنی

۱- طول عمر در قرآن:

خداؤند درآیه‌ی چهاردهم سوره‌ی عنکبوت می‌فرماید: حضرت نوح ﷺ فقط

۱- مریبی اندکی تأمل کند و جواب‌های دانش‌آموزان را بشنو.

۲- مریبی چهار کارتی را که عناوین جواب‌ها بر روی آنها نوشته شده است روبه روی دانش‌آموزان قرار دهد ضمناً پشت همین کارت (متناسب) خلاصه‌ی جواب‌ها نوشته شده است.

۹۵۰ سال به ارشاد و هدایت مردم پرداخت.^(۱) پس معلوم می شود یک انسان می تواند عمر زیادی داشته باشد.

۲- جواب‌های صادق ﷺ

امام صادق ﷺ در پاسخ به این سؤال فرمود:

«... چون خداوند می خواست به قائم ما (حضرت مهدی (عج)) عمر طولانی بدهد و می دانست که بندگانش بر طول عمر او اشکال خواهند کرد. به همین جهت عمر بنده‌ی صالح خویش «حضرر» را طولانی ساخت که به آن استدلال شود و عمر قائم (عج) به آن تشبیه شود....»^(۲)

۳- جواب تاریخی:

راستی بچه‌ها! شما اطلاعات تاریخی‌تان در چه حدی است؟ می توانید به خودتان نمره بدھید! من چند نفر از کسانی را که عمر طولانی داشته‌اند و نام آن‌ها در تاریخ آمده است ذکر می کنم شما بگویید چند سال عمر کرده‌اند؟^(۳)

۲۳۰۰

- حضرت نوح ﷺ:

۹۳۰

- حضرت آدم و حضرت سلیمان ﷺ:

۷۰۰

- عزیز مصدر که از آن در سوره‌ی یوسف نام پرده شده است:

(۴) ۳۰۰

- مردم در زمان حضرت نوح ﷺ چند سال می زیستند؟

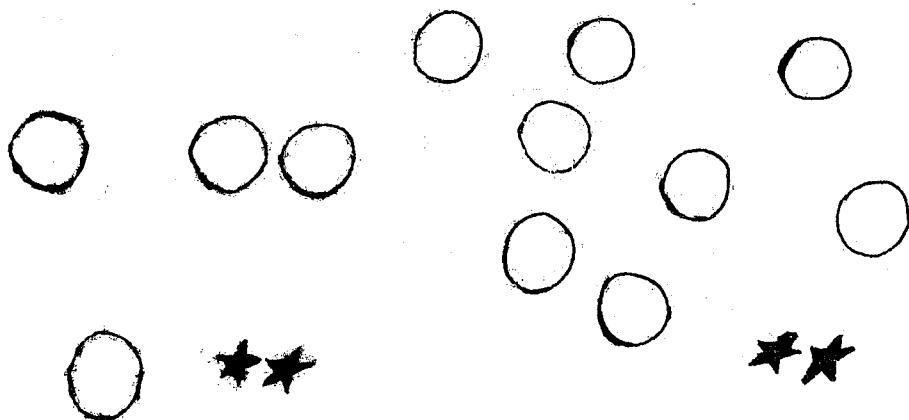
۱- «... فلبت فيهم الف سنة الا خمسين عاماً...».

۲- سید محمد کاظم قزوینی: «امام مهدی (عج) از ولادت تا ظهور»، علی کرمی، سید محمد حسینی، الہادی، قم، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۴۵.

۳- مریب پاسخ هر سؤال را روی تخته بنویسد.

۴- سید محمد کاظم قزوینی: پیشین، ص ۲۰۷.

چند تا جواب دیگر باقی مانده است؟ بله! فقط یک جواب و آن هم جواب اعتقادی است، اتفاقاً قسمت جذاب و شیرین درس ما هم اینجا است؛ جایی که آن راز بزرگ فاش می‌شود و علاوه بر آن شما هم می‌توانید حسابی امتیاز جمع کنید.^(۱)



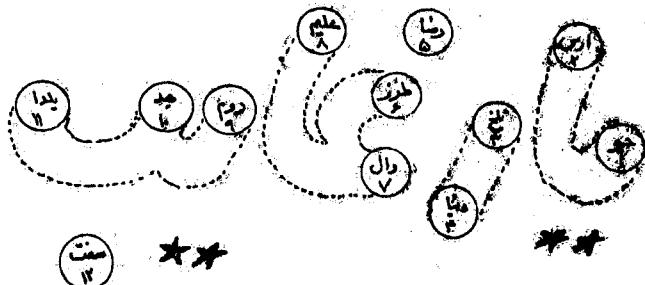
۱- مربی ۱۲ دایره رسم کند و ۱۲ کلمه (هر کلمه پاسخ یک سؤال) درون آنها بنویسد و باکنار هم گذاشتن حروف اول و آخر هر کلمه به ترتیب از دایره‌ی اول تا دوازدهم، پیام بازی، استخراج می‌شود. تعداد سؤالات را باید بین گروه‌ها تقسیم کرد و به ازای هر پاسخ یک امتیازی در نظر گرفت. ضمناً علاوه بر سؤال و به دست آوردن پیام کلمه‌ی مورد نظر که مرتبط به درس می‌باشد نیز از امتیاز برخوردار است. مربی به دلخواه خود می‌تواند برای هر قسمت امتیاز ویژه‌ای در نظر گفته و به دانش آموزان اعلام کند. (مثلاً برای پاسخ به هر سؤال ۵ امتیاز، حدس پیام مسابقه ۱۰ امتیاز و حدس کلمه‌ی مورد نظر ۱۵ امتیاز) توجه شود که کلمه‌ی ششم به خاطر دقت و توجه بیشتر دانش آموزان، بر عکس استفاده می‌شود یعنی به جای ترکیب اول و آخر، ترکیب آخر و اول آن مراد است، از این رو روی ششم علامت فلش بر عکس (از چپ به راست) جهت توجه نصب می‌گردد.

- (۱)- به معنای **طبق و عادت**: خو
- (۲)- رودخانه‌ی مرزی ایران با یک کشور آسیای میانه: ارس
- (۳)- مزه‌ای که توسط قسمت انتهای زبان احساس می‌شود: تلخ
- (۴)- چهاری که در آن زندگی می‌کنیم، گیتی: دنیا
- (۵)- لقب امام هشتم، به معنای راضی: رضا
- (۶)- نحوه شیوه و روش: طرز
- (۷)- پدرگ ترین چانور دریایی: وال
- (۸)- یکی از صفات خدا به معنای پسیار دان: علیم
- (۹)- یکی از امپراتوری‌های قدیم که در قرآن سوره‌ای به نام آن آمده است: روم
- (۱۰)- صدیقه سد در فوتیان: هد
- (۱۱)- پلند ترین شب سال: بلدا
- (۱۲)- محکم و سخت: سفت

پیام مسابقه‌ی ما، همان طور که آن را پیدا کردید عبارت است از:

«خواست خداراز طول عهر ههدی (عج) لست»

حالا من از این دایره‌ها یک کلمه می‌سازم، چه کلمه‌ای شد؟



کدام یک از شما می‌تواند پیام مسابقه را توضیح دهد، یعنی چگونه می‌شود که خواست خدا دلیل طول عمر یک انسان شود؟^(۱)

خوب بچه‌ها! تا حالا جواب‌های این سؤال مهم را به خوبی فراگرفتید و این همه رحمت کشیدید تا به جواب‌ها برسید. لذا اگر کسی از شما سؤال کرد و این اشکال را وارد کرد، خواهید توانست پاسخ‌های محکم و مستدلی را برای او بیاورید.

اما آن من یک سؤال اساسی دیگر دارم، آیا شما دوست دارید که آقا امام زمان علیه السلام زودتر تشریف بیاورند؟ آقایی که از وصف او گفته شده است:

مثل آبی؛ نه!	مثل خورشیدی
نه! از آن بهتری، تو امیدی	
نور هستی برای شب زدگان	آب هستی برای نشنیه لبنان
داروی دل شکسته‌ها هستی	نور امید خسته‌ها هستی
تا که درهای بسته بگشایی	روزی از راه کعبه می‌آیی

۱- مری بعده از شنیدن جواب‌ها در جمع بندی آن‌ها بگردید: «چون خداوند آفریننده‌ی طبیعت است، لذا خواست و اراده‌ی او از طبیعت و قوانین حاکم بر آن فراتر است و می‌تواند در آن هر گونه که بخواهد تصرف کند (مثلاً کوزه‌گری که می‌تواند کوزه را به هر شکلی در آورد، و تا هر وقت که بخواهد آن را نگه دارد). چون اوست که خواص و ویژگی‌های پدیده‌ها را به آن‌ها ارزانی داشته پس می‌تواند هر که را اراده کند و تا هر وقت که بخواهد زنده بدارد». سید محمد کاظم قزوینی: پیشین، ص ۴۵۰

بهره از حرف این و آن هستی^(۱) مهدی صاحب الزمان هستی

راستی آیا می دانید دو حرف (عج) که بعد از نام مبارک امام زمان طیلّا می نویسند، نشانه اختصاری چه کلمه‌ای است و به چه معناست؟

بله! اختصار «عجل الله تعالى فرجه الشریف» است، یعنی: خداوند بزرگ ظهور ایشان را نزدیک فرماید.

سؤال: ما چگونه می توانیم در نزدیک شدن ظهور ایشان نقش داشته باشیم و چه کار می توانیم بکنیم که خداوند ایشان را زودتر به ما برساند تا مسلمانان را نجات دهد.

بله! یکی از کارهای بزرگی که ما می توانیم در این زمینه انجام دهیم. دعا کردن و خواستن از خداوند است، مثل چه دعایی؟

یکی مثل همان دعایی که الآن گفته شد، دیگر چه دعایی بلدید؟ یک دعای کوتاه هست که بعد از صلوات آن دعا را می خوانند، چه کسی بلد است؟ بله!

(وعجل فرجهم)^(۲)

یک دعای بلد هم داریم که صحیح‌های جمعه، آن را می خوانند؟ دعا ندبه^(۳)

دعای دیگر هم داریم که معمولاً بعد از نماز آن را می خوانند چه کسی بلد است؟

بله! دعای (الله عظم البلاء و...)^(۴)

۱- (شعر از مصطفی رحماندوست) محمود پوروهاب، مجید ملا محمدی: «آیه‌های آنتاب»، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲- شیخ عباس قمی: «مفاتیح الجنان»، موسوی دامغانی، صبا، تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۱.

۳- همان، ص ۸۷۹.

۴- همان، ص ۷۴ و ۸۷۸، می توان از دانش آموزان خواست که ترجمه‌ی این دعا را به عنوان کار در

و دعای معروف دیگر که ما می خواهیم جلسه ای امروزمان را با آن تمام کنیم دعای (اللهم کن لولیک الحجۃ بن الحسن...)^(۱) است. دست ها را بالا ببرید تا با هم بخوانیم.

→ منزل انجام داده و بیاورند.
۱- همان، ص ۳۷۹

نام درس

منصور رجبیان

کلید خوشبختی

موضوع

عقاید

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با برخی از صفات «بهشت» و «جهنم» آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

(۱- پرخی از احلاق مسابقه.

۲- ملاک گروه پرگزیده و پازنده در مسابقه.

۳- صفات پهشت و چهنم.

۴- ملاحظه‌ی ترتیبی اعمال در پهشت و چهنم.

هدف رفتاری

دانشآموزان باید پس از این درس بتوانند به موارد زیر پی ببرند:

(۱- اگر در مسابقه احلاق منفی داشته باشند، غالباً شکست می‌خورند.

۲- پهنتگی دوستان خود اهمیت پذیرند.

۳- هر چه تلاش خود را در زندگی پیشتر بکنند، موقعیت مُواهند پود.

روش‌های مناسب تدریس

توضیحی - فعال (پرسش و پاسخ و...)

رسانه‌های آموزشی

تخمه سیاه - کارت: (قرمز - آبی - زرد)

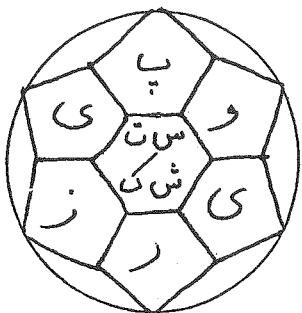
کلید خوشبختی

با عرض سلام خدمت دانش آموزان با نشاط و پُر تلاش! ان شاء الله که حالتان خوب است. آن گونه که من می بینم اکثر شما ورزشکار هستید. هر کدام از شما که ورزشکار است، سریع دستش را بلند نکند! (۱)

(۲) را می توانید تشخیص بد هید؟



آیا این شکل (



کندوی زنبور عسل، حالا اگر اطراف آن یک دایره بکشیم چه می شود؟
(توب).. که به انگلیسی چه می شود؟
یا پَر (Ball)؟ (۳)

چند ورزش نام ببرید که (Ball) دارند؟
بسکتبال، فوتبال، هندبال، والیبال
افراد و بازیکنان در این ورزش‌ها دو گروه می‌شوند و با هم مسابقه می‌دهند. حالا با دقت بگویید که با حروف داخل خانه‌های یک حرفی چه می‌نویسم؟ اول آن

-
- ۱- مریب برای جذابیت اجرا دست خودش را بلند کند تا دانش آموزان اشتباهًا تقليد کنند.
 - ۲- مریب یک شش ضلعی در وسط تخته و شش عدد شش ضلعی در اطراف آن بکشد و در انتهای یک دایره دورش قرار دهد.
 - ۳- پر را به عنوان شوخي گفته می‌شود.

حرف «پ» است. (۱)

(پیروزی). در خانه‌ی وسط، مقابل پیروزی می‌خواهم چه بنویسم؟ (۲) شکست. نتیجه‌ی هر مسابقه‌ای می‌تواند شکست، پیروزی یا شادی باشد. آیا می‌توانید چند هدف از اهداف مسابقه را بگویید؟ اتحاد و دوستی و همکاری... حالا آماده باشید مسابقه‌ی کارت‌ها را شروع کنیم. من این کارت‌ها را به شما نشان می‌دهم. شما فقط تند و سریع بگویید «باید، باید»، یا «نباشد، نباشد» (۳).

تو بازی	دفعه	نباشد	باید	باید	تو بازی	خلاف	نوب	باید	باید
تو بازی	نیز	نگ	نباشد	باید	تو بازی	اتهاد		باید	باید
تو بازی	حرف	رثت	نباشد	باید	تو بازی	استقامت	باید	باید	باید
تو بازی	داد	و بیداد	نباشد	باید	تو بازی	تلاش		باید	باید
تو بازی	دشمنی	نیز	نباشد	باید	تو بازی	دوستی	باید	باید	باید

تیم‌هایی که برنده می‌شوند چه صفاتی دارند؟ (۴)

بله! صفاتی را که شما با کلمه‌ی «باید» انتخاب کردید. وقتی آن‌ها پیروز می‌شوند، مورد تشویق قرار می‌گیرند و هدایایی دریافت می‌کنند و شاید به آن‌ها

۱- مریب محترم به عنوان راهنمایی می‌گوید...

۲- احتمالاً بچه‌ها بگویند استقلال، ولی مریب حروف کلمه‌ی شکست را به طور پراکنده در خانه‌ی وسط توب بنویسد.

۳- هر کلمه داخل کارتی نوشته شود. مریب با حالت شعر بخواند و بچه‌ها دوبار «باید» یا «نباشد» بگویند. آن‌گاه کارت‌ها را با سرعت و به صورت درهم نشان دهد، به گونه‌ای که بچه‌ها دچار اشتباه شوند و باید و نباشد را جایه جا بگویند.

۴- بچه‌ها نظرات خودشان را می‌دهند.

کاپ اخلاق هم داده شود و به عنوان بهترین بازی کن انتخاب شوند، خوب! حالا بفرمایید تیم‌های شکست خورده‌ی (ظاهری یا واقعی و اخلاقی) چه صفاتی دارند؟ صفاتی را که شما با کلمه‌ی «ناید» انتخاب کردید. چنین افرادی با خودبینی و تک روی فقط می‌خواهند خودشان را مطرح کنند. برای همین در بازی به یکدیگر احترام نمی‌گذارند و بعد از بازی به علت اعمالی که انجام داده‌اند نسبت به هم شرم‌نده و خجالت زده می‌شوند و این شکستِ واقعی و اخلاقی است.

اگر این گروه در بازی خطأ انجام دهنند داور به آن‌ها چه کارتی نشان می‌دهد؟... کارت «قرمز» و «زرد» که با کارت زرد به آن‌ها «اخطار» می‌دهد و با کارت قرمز آن‌ها را از بازی «اخراج» می‌کند.

حالا بادقت به این سؤال جواب دهید، در دنیا هم انسان‌ها در مسابقه‌ای شرکت می‌کنند که بدون وسیله‌ی ورزشی انجام می‌شود، آن چه مسابقه‌ای است؟ برای پی بردن به جواب، این آیه را معنی کنید: فَاسْتَبِقُوا الْحَيَّاتِ؛^(۱)... یعنی: «در کارهای خوب سبقت بگیرید.»

نتیجه‌ی این مسابقه در کجا مشخص می‌شود؟ در جهان آخرت.
اگر شخص در این مسابقه پیروز شود کارنامه‌ی اعمالش را په کدام دستش می‌دهند؟ دست راست

۱- وقتی بچه‌ها نظرات خودشان را گفتند، مربی آیه‌ی ۱۴۸ سوره‌ی بقره را بر تخته بنویسد و ترجمه‌ی آیه را برای آن‌ها بگوید.

آنها با خوشحالی وارد بهشت می‌شوند و ملائکه و پیامبران و مردم نیکوکار به استقبال آنها می‌آیند و شخص بهشتی مثل کسی که مدتی طولانی از خانواده‌ی خود دور بوده و حالا برگشته است، با نشاطی فراوان با اهل بهشت دیدار می‌کند. ملائکه هم به آنها احترام می‌گذارند و آنها از نعمت‌های بی‌پایان بهشت استفاده می‌کنند.

کسی که در این مسابقه شکست بخورد کارنامه‌ی اعمالش را به کدام دست او می‌دهند؟

دست چپ

بله! چنین شخصی با کمال شرمندگی به سمت جهنم حرکت می‌کند، مثل کسی که جرمی مرتکب شده و فرار کرده است و حالا او را دستگیر کرده‌اند تا به جزای جرم خود برسد. به نظر شما چنین شخصی چه حالی دارد؟... بله! شخص جهنمی هم همین حال را دارد.

بچه‌ها! آماده‌اید یک خبر بسیار مهم و خوشحال کننده بشنوید، آماده‌اید، پس یک صلوات بلند بفرستید.

خبر این که ییچ کدام از شماها به جهنم نمی‌روید!
خوشحال شدید، نه! درست است و حق دارید خوشحال باشید چون ملائکه‌ی عذاب اشخاصی را که جهنمی باشند به زور به سمت جهنم می‌برند و آنها را عذاب می‌دهند.

حالا در باره‌ی بهشت و جهنم این شعر^(۱) را یکی از دانش‌آموزان بخواند.

۱- مربی شعر را بدون نقطه تهیه کند و در اختیار یکی از دانش‌آموزان قرار دهد تا بخواند. البته دو بیت اول

نامه‌ی اعمال اصحاب یعنی اهل تقوا، اهل ایمان و یقین روز محشر باشد اندر دست راست صاحب این نامه از غم‌ها رهاست این جواز ره گشای جنت است این برات جاودانه رحمت است نامه‌ی اعمال اصحاب شمال آن تبه کاران بس افسرده حال باشد اندر دست چپ روز شمار رمز محاکومیت اصحاب نار نامه‌ی شرمذگی و حسرت است حکم بدکاران دوراز رحمت است در مسابقه‌ی دنیا، همه‌ی کارهایی که انجام می‌دهیم، به دقت مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

برای فهم این مطلب، جاهای خالی آیاتی را که در تابلو می‌نویسم با دقت پر کنید.

فَمَنْ..... مِثْقَالَ ذَرَّةٍ..... يَرَهُ (یعمل - خیراً) (۱)

فَمَنْ يَعْمَلْ..... ذَرَّةٌ شَرًّا..... (مثقال - یره)

آفرین! آیه تکمیل شد. اما مضمون ترجمه آن: «کم‌ترین کار خیر و بد در در قیامت محاسبه می‌شود». حالا، دو گروه شوید و تکرار کنید.

گروه اول: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَه

گروه دوم: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَه

بله! کسانی که بهشتی یا جهنمی می‌شوند خداوند بهترین و یا بدترین جایگاه را

آن را بدون حذف نقطه بنویسد. شعر از حبیب چایچیان (حسان) تعلیمات دینی دوم راهنمایی، سال ۱۳۷۸، ص ۲۱.
۱- زلزله / ۸۷

برای آنان در نظر گرفته است. جایگاهی که توصیف حقیقی آن ممکن نیست^(۱) و مثل این است بخواهیم برای بچه‌ای که در شکم مادر هست، آسمان و زمین، خورشید، ستاره و کوه را توضیح دهیم. البته او حقیقت آن‌ها را نخواهد فهمید. با این حال آیات قرآن گوشه‌ای از آن‌ها را برای ما بیان کرده است. به این کارت توجه کنید، داخل آن چه نوشته شده؟^(۲) شما از حروف به هم ریخته در کارت کلمه مناسب بسازید.

ت ن **ج** کلمه‌ی جنت که به معنی باغ‌های خرم سرسبزی است که درختانش میوه‌های رنگارنگ و خوشمزه‌ای دارند و هیچ وقت این میوه‌ها تمام نمی‌شود و آب زلال و خنکی هم زیر آن‌ها جاری است.

حالا به این کارت دقت کنید **[ان رو هن بله! کلمه‌ی سوزان]** است این واژه، صفت بهشت است یا جهنم؟

شعله‌های آتشین و سوزان جهنم همه‌ی وجود جهنمیان را فرا می‌گیرد و لباس‌های آتشین بر تن آن‌ها می‌کنند که هرگز سرد نمی‌شوند.

به این کارت توجه کنید **[رق ۹ ۵۰] کلمه‌ی رقوم** است، آیا می‌دانید زقوم چیست؟ زقوم میوه‌ی درختی، در جهنم است که موقع گرسنگی به جهنمی‌ها داده می‌شود و با خوردن آن‌ها می‌سوزد و گرسنه‌تر می‌شوند و این غذا آن قدر

۱- تعلیمات دینی سال سوم راهنمایی سال ۱۳۷۹، ص ۱۸ و ۱۹

۲- یک طرف کارت‌ها حرف‌های درهم ریخته و طرف دیگر آن کلمه‌ی صحیح را بنویسیم. برای جذابیت کار مربی اول طرف کلمات درهم ریخته و بعد کلمه‌ی صحیح را نشان دهد اگر بچه‌ها تشخیص ندادند، می‌توان حرف اول کلمه را گفت.

بوی گند می‌دهد که اگر یک قطره‌ی آن در تمام آب‌های زمین ریخته شود همه‌ی آب‌ها را گندیده و تلخ می‌کند.

به این کلمه توجه کنید و **د ل ل ت بله! کلمه‌ی دوستی** است که یکی از صفت بهشتی‌ها است. آن‌ها با صفا و صمیمیت کنار هم زندگی می‌کنند و دشمنی و کینه و حسادت بین آن‌ها نیست. این عده همنشین پیامبران و امامانند. ملائکه‌ی خدا به آن‌ها خدمت می‌کنند.

به این کلمه توجه کنید! **م ن ی ش د بله! کلمه‌ی دشمنی** است. اهل جهنم همدیگر را نفرین و لعنت می‌کنند و تقصیر گناهشان را به دیگری نسبت می‌دهند. اهل جهنم از خدا می‌خواهند که آن‌ها را از دوزخ خارج کند، ولی تقاضایشان قبول نمی‌شود برای همین از بهشتیان می‌خواهند که کمک کنند ولی جواب منفی می‌شنوند، سپس می‌گویند: «کمی نعمت بهشتی به ما بدهید.» می‌گویند: «خداؤند نعمت‌های بهشتی را برای کافران حرام کرده است.» به این ترتیب آن‌ها ناله و فریاد می‌کشند و می‌گویند: ای کاش! با فلاٹی دوست نبودیم تا به این وضع دچار نمی‌شدیم.^(۱)

به این حرف‌ها دقต کنید:

ب ن م ر ا ر غ ی **م رغ ب ریان** که در کجاست؟ بهشت.

این نعمت را هر وقت که بهشتیان بخواهند در اختیارشان می‌گذارند. در آن جا

۱- لِيَ وَيَأْتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتُّخُذْ فُلَاتًا خَلِيلًا، (۲۸، فرقان)
«وَإِنِّي بِرِّ مَنْ كَاشَ مِنْ فَلَاتٍ رَا دُوْسْتَ نَمِيْ گَرْفَتَمْ»

نهرهایی از شیر، آب و عسل جاری است که بهشتی ها هر قدر بخواهند می خورند و لذت می برند.

به این کلمه دقت کنید [ی] شل د [ا] ب [بله!] از صفات کدام گروه بهشتیان است؟

این عده در قصرهایی بزرگ که از طلا و نقره ساخته شده است بهشتیان با نشاط قدم می زند و در حالی که لباس هایی زیبا از ابریشم با رنگ های مختلف بر تن دارند. بر تخت هایی تکیه داده اند و همه جوان و شاداب شده اند.^(۱)

با یک لطیفه چطورید؟ روزی پیامبر ﷺ به پیرزنی گفت: آیا می دانی که پیرزنها وارد بهشت نمی شوند! پیرزن خیلی ناراحت شد حضرت پیامبر ﷺ افزود: در بهشت همه اول جوان و شاداب می شوند و بعد به بهشت داخل می شوند. کسانی که می خواهند به بهشت بروند باید از در بهشت داخل شوند. به نظر شما درب بهشت در کدام یک از سوره های قرآن معرفی شده است؟ یک راهنمایی می کنم: این سوره سه آیه دارد و راه خوبی خوبی را به ما می آموزد!

آفرین! سوره هی والعصر

بچه ها با هم سوره هی والعصر را می خوانیم: بسم الله

۱- سید عبدالحسین دستغیب شیرازی: «معداد»، ص ۱۴۱.

قرآن

نام درس

علی رضا علی محمدی

حضرت هود علیه السلام

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با قاعده‌ی حروف «والی» و «تنوین» آشنایی شوندو در کتاب فراگرفتن یک‌آیه‌ی قرآنی و ترجمه‌ی آن، بادستان حضرت هود علیه السلام نیز آشنایی شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. قاعده‌ی حروف والی.

۲. قاعده‌ی تنوین.

۳. یک آیه‌ی قرآنی و ترجمه‌ی آن (در رابطه پا حضورت هود علیه السلام).

۴. داستان رُندگی حضورت هود علیه السلام.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود پس از تمام شدن درس بتوانند:

۱. قاعده‌ی حروف والی را تعریف کنند و حروف والی را در کلمات عربی بیابند.

۲. تنوین را بشناسند و تلفظ کنند.

۳. داستان حضرت هود علیه السلام را برای یکدیگر بازگو کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(- توضیعی ۲ - فعال (پرسش و پاسخ)

رسانه‌های آموزشی

تخمه سیاه و گچ و کارت

حصہت هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آن که در جان و روان است توانایی ده هر ناتوان است
سلام! برای شروع درس به این سوال‌ها جواب دهید.

ا

(ولیین حرف القباء):

ال

حرف تعریف در عربی:

وال

یک نوع از پذیرگ ترین ماهی‌ها:

والی

فرمانده و حاکم:

فرعون^(۱)

والی ستمگری که مخدوں در قرآن از او نام پرده است:

والی دیگری که او هم در قرآن آمده است، آیا می‌دانید چیست؟ بله! حروف والی

این حروف چه ویژگی دارند؟

بله! حروف والی چنانچه صدا و علامت سکون نداشته باشند، خوانده

نمی‌شوند.^(۲)

حالا کلماتی را که روی تخته می‌نویسم با هم بخوانید و حروف والی آن را مشخص کنید.

۱- معمولاً پادشاهان مصر را به این عنوان می‌نامیدند. نام پادشاه مورد نظر (منفلی) دوم پسر رامسس سیزدهم است.

۲- «آموزش قرآن مجید»، سال اول، دوره‌ی راهنمایی، ۱۳۷۹ ص ۱۰.

فی الصلوٰة

کُلُوا وَ اشْرُبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا^(۱)

بحورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.

چه غذایی است که اکثُر مردم دنیا از آن په عنوان غذای اصلی استقاده می‌کنند؟ نان

آن نونی که یک انسان خورد چه بود؟!

بله! ماهی بزرگی به نام «نون» به امر خداوند حضرت یونس ﷺ را بلعید و در

قرآن از آن یاد شده است.^(۲)

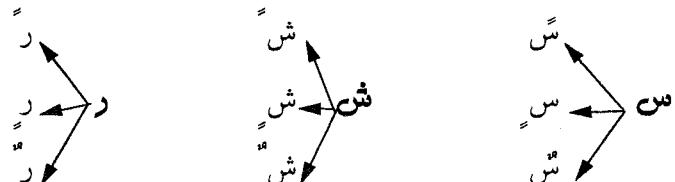
اما آن نونی که خوردده و نوشته نمی‌شود کدام است؟

آفرین! تنوین؛ نون ساکنی که در آخر بعضی کلمه‌ها می‌آید، نوشته نمی‌شود، اما

خوانده می‌شود.^(۳)

چند نوع تنوین داریم؟ سه نوع

هریک از حروف را که زیر آن دست می‌گذارم بخوانید.^(۴)



حالا به یک لطیفه گوش کنید!

۱- اعراف، ۳۱.

۲- خرمشاھی، بھاءالدین: «ترجمه قرآن»، ذیل آیه ۸۷ سوره‌ی انبیاء.

۳- کتاب آموزش قرآن، سال اول راهنمایی، ص ۱۲.

۴- مربی به سرعت و به صورت‌های مختلف دستش را روی علامات می‌گذارد و بجهه‌ها با صدای بلند آن را بخوانند.

از شخصی پرسیدند چند نفر پیامبر در طول تاریخ آمده‌اند؟

گفت: ۱۲۴ هزار نفر

از او خواستند ۲۴ نفرشان را نام ببرد. گفت: هود - صالح - ابراهیم - یوسف -

موسی - عیسی - سلیمان - یونس - نمرود - فرعون

بله! همین طور داشت اسمی پادشاه و حکمرانان ظالم را نیز می‌شمرد.

به او گفتند: این‌ها که پیامبر نیستند!

گفت: عجب! این‌ها خود را خدا می‌دانستند، شما به پیامبری قبول ندارید.^(۱)

از میان این اسمی کدام شماره به کدام شماره مربوط است.

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

هود	صالح	ابراهیم	یوسف	موسی	عیسی	سلیمان	یوسن	نصارا	هدهد	شتر	ماهی	نصر	یهود	نمرود	عاد
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶								

(۱) (۹۰)، (۱۰۲)، (۱۰۳)، (۱۲۴)، (۱۰۵)، (۱۱۵)، (۱۶)، (۱۵)، (۱۷)، (۱۳)، (۸۱)

۷ = حضرت سلیمان علیه السلام نامه‌ای به هدید داد تا برای ملکه‌ی سیا (بلقیس)

ببرد. حضرت در آن نامه او را به خدا پرستی دعوت کرده بود.

۸ = معجزه‌ی حضرت صالح علیه السلام شتری بود که از دل کوه بیرون آمد.

۹ = پادشاه ستمگر زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نمرود بود.

۱۰ = حضرت یوسف علیه السلام را به مصر بردن و به عنوان برده فروختند.

۱- مربی وقتی اسمی را می‌گوید آن‌ها را روی تخته بنویسد و به ترتیب روی آن‌ها شماره بگذارد.

۱۱۵ = قوم حضرت موسی ﷺ به «یهود» معروفند.

۱۱۶ = قوم - حضرت عیسیٰ ﷺ به «نصاراً» معروفند.

۱۱۷ = حضرت یونس ﷺ مدتمی در شکم ماهی بزرگی ماند.

۱۱۸ = قوم حضرت هود ﷺ به عاد معروف بودند.

این آیه را با توجه به دو قاعده‌ای که یادآوری شد با هم بخوانید.^(۱)

.... آلَّا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ آلا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمٌ هُوُدٌ

ای اهل ایمان! آگاه باشید که قوم عاد به خدای خود کافر و از رحمت او دور شدند. بدانید که قوم عاد؛ امت هود از رحمت خدا دورند. بچه‌ها! می‌دانید قوم عاد کجا زندگی می‌کردند، چگونه زندگی می‌کردند و خداوند چه عذابی برای آن‌ها آورد؟... پس بشنوید داستان حضرت هود ﷺ و قومش را.

قوم هود ﷺ در سرزمینی به نام «احقاف» در جنوب شبه جزیره عربستان (بین یمن و عمان) زندگی می‌کردند.

کم و بیش همه تنومند و بلند بالا و قوی هیکل و تندرست و از نعمت‌های بی کران برخوردار بودند و در آسایش و رفاه روزگار می‌گذرانیدند. زراعتی پُر رونق، آبی فراوان، باغ‌هایی سرسبز و خانه‌هایی مجلل داشتند، ولی با وجود این همه نعمت، مردمی ناشکر بودند و به جای خدای یکتاوت‌ها را می‌پرستیدند. برای همین بت‌ها را ارج می‌نهادند. به نیایش آن‌ها می‌پرداختند. در برابر شان به تصریع و کرنش

۱- مریم پس از نوشتن آیه بر روی تخته و خواندن دسته جمعی دانش‌آموزان یکی از آن‌ها را برای پیدا کردن دو قاعده‌ی مذکور پای تخته بیاورد و از او توضیح بخواهد. هود، ۶۰.

می نشستند و به هنگام سختی‌ها، چاره‌ی مشکل را از آن‌ها در خواست می‌کردند. بت پرستی این قوم، سرانجام موجب شد فساد اخلاق و تباہی ارزش‌ها و ظلمت کفر فراگیر شود و دامنه‌ی ظلم و ستم از حد بگذرد. برای همین خداوند اراده کرد پیامبری به سوی آنان بفرستد، چون او راضی نمی‌شود که بندگانش در کفر و فساد زندگی کنند.

خداوند برای این کار، شخصی از همان قوم به نام هود را به پیامبری فرستاد که با زبان آنان سخن می‌گفت و با رفتار و خلق و خوی آنان آشنا بود. او همچنین از خانواده‌ای گرامی بود و به خاطر تربیت و پرورش عالی، از جهت اخلاق نمونه بود و به این ترتیب بود که هود با اراده‌ای آهینی دعوت خود را در بین مردم آغاز کرد. او می‌گفت: «ای مردم! چرا این جمادات بی جان را که ساخته‌ی خودتان است می‌پرستید؟! بدانید خدای یکتایی دارید که آفریدگار جهان و جهانیان است و این همه نعمت و خیر و برکت را او به شما ارزانی داشته است. جان شما در دست اوست پس تنها او را معبد خویش قرار دهید و به او روی آورید.»

اما قوم هود که سالیان متماضی به پرستش بت‌ها عادت کرده بودند و هیچ‌گاه در مورد آن‌ها تفکر نکرده و تردیدی به دل راه نداده بودند با او به مقابله برخاستند و گفتند: «مگر عبادت این خدایان را گمراهی می‌دانی؟! آیا انتظار داری ما از شیوه‌ی پدران خود دست بکشیم و گفته‌های دروغ تو را تصدیق کنیم؟!»

حضرت هود علیه السلام نیز با بردباری جواب می‌داد: «بت‌هانه می‌توانند دفع شر بکنند و نه جلب خیر. نه عقل بر پرستش آن‌ها حکم می‌کند، نه منطق. تنها آن خدای یگانه

که مبدأ آفرینش است سزاوار عبادت است. به خود آید و به یگانگی او اقرار کنید.
و از آنچه پیش از شما بر قوم نوح رفت، عبرت گیرید.»

اما هر چه حضرت هود^{علیه السلام} برای آنان دلیل می‌آورد و از پاداش هدایت سخن
می‌گفت و از عذاب کفر بیمسان می‌داد، در آنان تأثیری نمی‌کرد و از این بالاتر کار را
به جایی رساندند که او را سفیه و بی خرد نیز می‌خواندند.

سرانجام هنگام عذاب موعود فرا رسید و از آن سرزمین که روزگاری سرسیز
و آباد بود و از آن مردم که سالم و بلند بالا و تندرست و ایمن و آسوده بودند، هیچ
اثری نماند. آری! درخت‌ها از ریشه کنده شدند، خانه‌ها ویران شدند و مغروران بت
پرست زیر خروارها شن و خاک ماندند و هود با یاران خود به شهر دیگری هجرت
کرد.^(۱)

بچه‌ها! سخنان خداوند در قرآن کریم فقط مربوط به امت‌های گذشته نیست و ما
نیز باید با تلاوت و فهم آیات آن، از خداوند درخواست کنیم ما را در راه راست قرار
دهد. حالا من این دعا را می‌خوانم، شما هم آمین بگویید.

اللهم اغفر لنا و لآبائنا و الامهاتنا و اخواننا و اخواتنا ولاساتذينا ولملمينا الخير
ولجميع المسلمين برحمتك يا ارحم الراحمين ربنا آتنا في الدنيا حسنة و في الآخرة
حسنة، و قنا برحمتك عذاب القبر و عذاب النار، برحمتك يا ارحم الراحمين و آخر
دعوانا ان الحمد لله رب العالمين.^(۲)

۱- سید علی موسوی گرمارودی: «دانستان پیامبران»، انتشارات قدیانی، ج اول، ج ۱.

۲- علامه مجلسی: «بحار الانوار»، ج ۸۹، باب ۱۲۶ (الدعا عند ختم القرآن) ص ۳۷۲.

نام درس

علی رضا علی محمدی

حضرت موسی و خضر

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با قاعده‌ی «اشباع» و «النقاء ساکنین» و داستان حضرت موسی و خضر آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. دو قاعده‌ی «اشباع» و «النقاء ساکنین».

۲. شرح حال حضرت موسی و مُحَمَّد و چگونگی پرخورد ایشان.

۳. یک آیه‌ی قرآن در مورد ایشان.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان این درس یک آیه‌ی قرآن درباره‌ی حضرت موسی و خضر بخوانند، دو قاعده‌ی «النقاء ساکنین» و «اشباع» را در کلمات قرآنی اجرا کنند. و نیز بتوانند داستان حضرت موسی و خضر را بازگو کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ و...)

رسانه‌های آموزشی

۱. یک استکان چای و شکر

۲. تخته سیاه و گچ

حضرت موسی و حضرت علی‌الله

بسم الله الرحمن الرحيم

می‌گشاییم زبان به نام خدا
که زنامش جهان شده بربا

حمد بی خالق یکتا
 قادرست و علیم و بی همتا

سلام! امروز می‌خواهیم چای شیرین^(۱) درست کنیم من برای این کار مقداری
شکر به چای اضافه می‌کنم وقتی شکر در چای حل و ناپدید شود. دوباره یک مقدار
شکر در چای می‌ریزیم تا کاملاً حل شود.

ببینید این چای چقدر شکمو است، هر چه شکر به او می‌دهیم باز هم گریه
می‌کند و می‌گوید شکر می‌خواهم خیلی خوب، ما هم به این چای آن قدر شکر
اضافه می‌کنیم که اشباع شود. مثل این چای شکموی ما دیگر سیر شده است چون
که ذرات شکر در ته چای ته نشین شده و دیگر حل نمی‌شود به این سیر شدن چه
می‌گویند؟

حالانوبت شمامست که یک نوع دیگر از اشباع را نام ببرید: البته من هم راهنمایی
می‌کنم.

اشباع ها ضمیر پسیمیر چیست؟ من جمله‌ی: (حضرت سلمان^(۲) ایرانی بود. او

۱- از آب نمک هم می‌توان استفاده کرد.

۲- مریبی زیر کلمه‌ی حضرت سلمان و او خط می‌کشد و سخن خود را ادامه می‌دهد.

یکی از یاران پیامبر ﷺ بود) را بر روی تخته سیاه می نویسم و از شما می خواهم آن را بخوانید. در این جمله برای این که کلمه‌ی حضرت سلمان را تکرار نکنیم به جای آن از «او» استفاده می‌کنیم. کلمه‌ی (او) را ضمیر می‌نامیم. زیرا به جای اسم نشسته است و از تکرار اسم جلوگیری می‌کند. ضمیر او در زبان عربی (قرآن) به این شکل (هـ) آمده است. این دو تا مثل چایی خیلی شکمو هستند و می‌خواهند سیر سیر شوند. چه وقت! وقتی که حرف ماقبلشان متحرک باشد.

این گونه می‌نویسنند:

مَعَهُ	مَعَهُ
--------	--------

عِنْدَهُ	عِنْدَهُ
----------	----------

تَأْخِذُهُ	تَأْخِذُهُ
------------	------------

رَسُولُهُ	رَسُولُهُ
-----------	-----------

رَبِّهِ	رَبِّهِ
---------	---------

مِثْلِهِ	مِثْلِهِ
----------	----------

برای این که با یک قاعده‌ی دیگر آشنا شوید، این معما را حل کنید.

کدام تصادف است که به جای این که چیزی کم یا خراب شود یک چیزی هم

اضافه می‌شود؟

وقتی دو حرف ساکن با هم برخورد کنند «التقاء الساكنين» حرف اول حرکت

کسره می‌گیرد.

این کلمه را بخوانید: نُوح (می‌نویسیم) نُوح.

(یَرْ كَلْمَه رَأِيْعُوَانِيْدِه المُرْسَلِيْنِ) (۱) (مِيْ تُوِيْسِيْم) المُرْسَلِيْنِ.

چه کسی می تواند این دو کلمه را پهلواند؟ تُوْجِنْ الْمُرْسَلِيْنِ.

خوانده نمی شود، چرا؟!

چون دو تا حرف ساکن کنار هم آمده است.

برای حل این مشکل از حرکت کسره خواهش می کنیم باید و زیر حرف ساکن

اول قرار بگیرد به این صورت تُوْجِنْ الْمُرْسَلِيْنِ (۲)

حالا به یک مثال دیگر توجه کنید: جَزَاءُ الْحُسْنَى جَزَائِنُ الْحُسْنَى جَزَائِنِ الْحُسْنَى

الْحُسْنَى

خوب با قاعده‌ی «اشباع» و «التقاء الساكنين» آشنا شدید، حالا من یک آیه‌ی قرآن

از سوره‌ی کهف را آرام آرام روی تخته می نویسم شما با هم بخوانید.

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلَّمَ مِمَا غُلِمْتَ رُشْدًا (۳)

معنی آیه چیست؟

موسی به آن شخص دانا (حضر) گفت: آیا اگر من تبعیت و خدمت تو کنم از علم

خود به من می آموزی؟

این آیه به داستانی مربوط می شود که من قسمتی از آن را برایتان می گویم.

۱- همزه‌ی المرسلین جزء حروف والی است و خوانده نمی شود.

۲- احمد رضا محسنی: «تدریس قرآن به روش بازی و قصه و قصه گویی»، موسسه فرهنگی ضریح آفتاب،

ج ۱ (باکمی تلخیص و تغییر).

.۳- کهف / ۶۶

دلستان حضرت موسی و حضرت علی

روزی حضرت موسی علیه السلام در میان بنی اسرائیل ایستاد و شروع به صحبت کرد. او به گونه‌ای از نعمت‌های الهی سخن گفت که اشک‌ها روان شد و دل‌ها سوخت. وقتی صحبت حضرت موسی علیه السلام تمام شد، مردی دامنش را گرفت و گفت: ای پیغمبر خدا! آیا در زمین داناتر از توکسی هست؟

حضرت موسی علیه السلام گفت: نه!

شاید حضرت موسی علیه السلام با خود می‌گفت: مگر من سرآمد و بزرگ پیامبران بنی اسرائیل نیستم، مگر خداوند تورات را بر من نازل نفرموده و بی واسطه با من سخن نگفت، پس از من داناتر در زمین نیست!

اما بچه‌ها! خداوند به او وحی فرستاد که علم اعظم نزد یکی از بندگان من است و او از تو داناتر است.

حضرت موسی علیه السلام گفت: پروردگار! مکان او را به من نشان بده تا شاید از دیدارش بهره‌ای برم و علمی بیاموزم. خداوند به حضرت موسی علیه السلام خبرداد که او را در مجمع البحرين خواهی یافت.

حضرت موسی علیه السلام نشانه‌ای خواست که او را بشناسد. پروردگار فرمود: نشانه آن است که ماهی در زنبیل بگذاری و با خود ببری، هر کجا ماهی را گم کردی آن مرد را خواهی یافت.

حضرت موسی علیه السلام وسایل سفر را فراهم کرد و یوشع بن نون را نیز همراه خود برد و زنبیل را که ماهی در آن بود به او سپرد و سفارش کرد که هر گاه ماهی گم شد

به من خبر بد.^۱

وقتی آن دو به مجمع البحرين رسیدند^(۱)، حضرت موسی علیه السلام خوابید و در همان هنگام که او خواب بود بارانی بارید و ماهی زیر باران جان گرفت و به داخل دریا پرید. وقتی حضرت موسی علیه السلام از خواب بیدار شد. شیطان داستان ماهی را از یاد یوشع برداشت. برای همین آن دو به راه خود ادامه دادند. تا این که خستگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد. حضرت موسی علیه السلام به یوشع گفت: غذایمان را بیاور.

وقتی یوشع دست به زنبیل برد، تازه داستان ماهی یادش آمد و گفت: «آیا آن موقعی که پشت بر تخته سنگ زده بودیم و تو به خواب رفتی به یاد داری، در همان جا ماهی به دریا پرید و من فراموش کردم ماجرا را به تو خبر دهم و علت این فراموشی جز شیطان نیست.»

حضرت موسی علیه السلام از شنیدن این سخن آثار پیروزی و کامیابی را احساس کرد و گفت: «ما در پی همان سرزمن بودیم، حالا عجله کن تا به آن جا برگردیم که در همان جا به مقصد خواهیم رسید!»

وقتی به آن محل رسیدند مردی لاگر اندام را دیدند که لباسش را به خود پیچیده و خوابیده است و آثار نبوت در پیشانی اش آشکار است و سیماش از تقوای الهی حکایت می‌کند. وقتی حضرت موسی به او سلام کرد، چشم‌های خود را باز کرد و گفت: «سلام علیکم» و بعد پرسید: «تو کیستی؟»

حضرت موسی جواب داد: «نام من موسی است.»

^۱- هر بی را کشیدن یک رودخانه و یک ماهی که در حال پریدن در آب است به داستان تنوع بدهد.

گفت: «موسی، پیغمبر بنی اسرائیل؟»

گفت: «بلی، اما چه کسی تو را از حال من باخبر ساخته است؟»

گفت: «همان کسی که تو را نزد من فرستاده است.»

حضرت موسی ﷺ فهمید که به مقصود خود رسیده است، به حضرت خضر

گفت: «آیا اجازه می دهی از سرچشمه‌ی علم تو بهره‌مند شوم، به شرط آن که از تو

پیروی کنم و فرمان را گوش دهم؟»

حضرت خضر ﷺ گفت: «تو هرگز نمی توانی با من سفر کنی و اگر همراه من بیایی

چیزهای عجیبی می بینی که به ظاهر ناپسند، ولی در باطن حق و زیبا است و تو

اعتراض می کنی و تحمل دیدن آن امور را نداری.»

حضرت موسی ﷺ که تشنیع علم و معرفت بود، گفت: «به زودی صبر و فرمان

بداری مرا خواهی دید!»

حضرت خضر ﷺ گفت: «اگر می خواهی با من بیایی، باید شرط کنی که صبر

پیشه سازی و هر چه دیدی، سؤال نکنی و اعتراض ننمایی، چون وقتی سفر تمام

شد من خود اسرار آنها را به تو خواهم گفت.»

حضرت موسی ﷺ شرط او را پذیرفت و همراه حبیش به راه افتاد^(۱) وقتی به

کشتی رسیدند از اهل کشتی تقاضا کردند ایشان را هم با خود ببرند. مردم کشتی که

نور نبوت را در جبین ایشان دیدند، آن دو را بدون اجرت سوار کشتی کردند و از

۱- مربی یک قایق که یکی از تخته‌های آن شکسته باشد بکشد. از یک قایق کاغذی یا مقوایی هم می توان استفاده کرد.

آنها پذیرایی نمودند، اما وقتی مردم مشغول کارهای سفر شدند، حضرت خضراء قسمتی از کشتی آنها را سوراخ کرد. حضرت موسی علیه السلام که خدا او را برای مبارزه با ظلم فرستاده بود، از دیدن این منظره سخت برآشست و گفت: «آیا نسبت به قومی که به ما احترام کردند چنین پاداشی روا می‌داری و کشتی آنها را سوراخ می‌کنی؟» حضرت خضراء علیه السلام رو به سوی موسی علیه السلام کرد و گفت: «آیا به تو نگفتم که در مقابل کارهای من نمی‌توانی صبور باشی!» حضرت موسی علیه السلام به شرطی که با حضرت خضراء علیه السلام کرده بود اندیشید و از تخلف پیمان عذرخواهی کرد و گفت: «مرا به خاطر فراموشی ام مؤاخذه مکن و از شرف همراهی خود محروم نساز قول می‌دهم که بعد از این بر سر پیمان بمانم.»

حضرت موسی علیه السلام کشتی را ترک کردند و به راه خود ادامه دادند که تا به پسری خوش سیما رسیدند که با بچه‌های دیگر بازی می‌کند. حضرت خضراء علیه السلام او را صدای زد و به جایی دور دست برد و کشت. حضرت موسی علیه السلام که از تماشای این منظره بی‌تاب شده بود، پیمان خود را فراموش کرد و پرسید: «این چه گناه بزرگی است که مرتکب می‌شوی، حقاً که کاری ناپسند کردی!»

در این هنگام حضرت خضراء علیه السلام نگاه معناداری به موسی علیه السلام کرد و گفت: «نگفتم تاب و شکیبایی همراهی مرا نداری!»

حضرت موسی علیه السلام از اعتراض خود شرمنده شد و عذرخواهی کرد. و متعهد شد اگر بار دیگر شتاب کند حضرت خضراء علیه السلام حق داشته باشد که رشته‌ی رفاقت را قطع و از او دوری کند. بالاخره حضرت موسی علیه السلام دو باره به راه افتادند و آن قدر راه رفتند که

خسته و تشنه و گرسنه شدند و به امید تهیه‌ی غذایی به دهکده‌ای وارد شدند، ولی مردم دهکده بخل ورزیدند و آن‌ها را با خشونت از خود دور کردند. خضر و موسی طیلله به ناچار با شکمی گرسنه و تنی خسته از دهکده بیرون آمدند و در خارج دروازه دیواری دیدند که نزدیک به ویرانی بود.^(۱)

حضرت خضر طیلله با این که خسته شده بود به بازسازی آن پرداخت و حضرت موسی طیلله که سخت گرسنه و خسته و از بدرفتاری مردم دهکده خشمناک بود، از روی تعجب گفت: «آن همه پستی این قوم را با احسان پاداش می‌دهی و با تن خسته به ساختن دیوارشان مشغول می‌شوی؟»

حضرت خضر طیلله که یقین کرد دیگر موسی تاب صبر و شکیبایی ندارد رو به او کرده و گفت: «هذا فراق بینی و...» اینک موقع جدایی من و تو است و من سر آنچه را که تاب دیدن آن را نداشتی با تو بیان می‌کنم.

آن کشتنی متعلق به عده‌ای مسکین بود که در دریاکار می‌کردند و به وسیله‌ی آن رزق روزانه‌ی خود را فراهم می‌ساختند، ولی پادشاهی ستمکار کشتنی‌ها را تعقیب می‌کرد و به زور از صاحبانش می‌گرفت. من خواستم از راه مهریانی و مساعدت آن را ناقص سازم تا شاه آن را نگیرد.

آن پسر نیک سیما کودکی و قیح و بدرفتار بود و پدر و مادری مؤمن و نیکوکار داشت و چون والدین فرزند خود را دوست دارند، به حق و باطل از آن‌ها دفاع می‌کنند، ترسیدم این علاقه موجب شود پدر و مادر این کودک کارشان به کفر و

۱- مربی یک دیوار که بیشتر آن خراب شده بکشد.

طغیان برسد. پس برای حفظ دین آن پدر و مادر، او را کشتم و امیدوارم خداوند به جای او فرزندی پاکیزه و مهریان به ایشان عنایت فرماید.

واما دیوار دهکده؛ آن دیوار روی گنجی بنا شده بود که آن گنج به دو کودک یتیم تعلق داشت و آن دو کودک از پدری نیکوکار مانده بودند. خواستم این دیوار استوار بماند تا وقتی به سن بلوغ رسیدند آن گنج را در آورند و روزی حلال بخورند.

من این کارها را به علم و اراده‌ی خود نکردم، بلکه وحی الهی و هدایت ریانی راهنمای من بود. این تأویل آن چیزهایی است که در برابر آن‌ها یارای صبر نداشتی.^(۱) چه کسی می‌تواند یک شعر زیبا در مورد قرآن بخواند؟... حالا گوش کنید به این شعری که من می‌خوانم.

روشنگر راه زندگانی است	قرآن که کتاب آسمانی است
برنامه‌ی زندگانی ماست	قرآن که نشان دهد ره راست
حاصل شود از عمل به قرآن	خیر دو جهان برای انسان
هر کس که عمل کند به قرآن	فرموده پیامبر: «ای مسلمان»
کلزار بپشت منزل اوست	قرآن همه جا مقابل اوست
آن کس که نکرد اعتنایش	اما به جهنم است. جایش
برنامه‌ی جاودانی ما	این است کتاب دینی ما
ماییم نگاهدارش از جان ^(۲)	ماییم همه مطیع قرآن

۱- محمد رمضانی: «دانستان‌هایی از قرآن»، چاپخانه علمیه قم، ج ۱، ۱۳۷۳. (با تصرف)

۲- حبیب چایچیان (حسان)

نام درس

علی رضا علی محمدی

حضرت ابراهیم علیه السلام

موضوع

قرآن

هدف کلی

در این درس دانشآموزان با طرز صحیح تلفظ سه حرف «ث، ح، ذ»، قسمتی از داستان حضرت ابراهیم علیه السلام، چگونگی تولد و استدلال‌های ایشان در باره‌ی خداشناسی آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

(۱- طرز صحیح تلفظ کردن سه حرف ث، ح، ذ.

۲- قسمتی از داستان حضرت ابراهیم علیه السلام.

۳- استدلال‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد خداشناسی.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان این درس بتوانند سه حرف فوق را به صورت صحیح تلفظ کنند و همچنین با توجه به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام استدلال‌هایی در باره‌ی خداشناسی بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱. توضیحی ۲. فعال (مسابقه، داستان و...))

رسانه‌های آموزشی

خطه سیاه و گچ - قرآن

حضرت ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند جان و خرد
کزین بروتر اندیشه بر نگذرد

سلام عليکم!.. یک مسابقه‌ی جدید داریم، چه کسانی حاضرند در این مسابقه شرکت کنند؟.. خیلی خوب، شما سه نفر، یک گروه^(۱) و این سه نفر هم، یک گروه باشید. حالا این برگه‌های آیات قرآنی^(۲) را بین دو گروه تقسیم می‌کنم. تا با پرسش از کدام معلوم شود کدام گروه نسبت به آیات قرآن اطلاعات بیشتری دارند.

۱- تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ وَالْعُدُوَانِ
مائده، ۲

الاسم (نام) الائمه (گناه)

۲- ثُمَّ بَعْثَنَاهُمْ لِتَعْلَمَ أَئِ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا.....أَمَدَأَ
كهف، ۱۲

لَبِشُوا (درنگ کردن) لَسِسُوا (پوشیدن)

۳- اللَّهُ الْبَيْعُ وَ حَرَمَ الرِّبَا
بقره، ۲۷۵

آهَلٌ (نام برد) آهَلٌ (حال کرد)

۱- ابتدا مریبی از بین دانش آموزان کلاس، ۲ گروه سه نفری انتخاب کند و آیاتی را که از قبل روی کاغذ نوشته است به آن‌ها بدهد. آن گاه به ترتیب از هر گروه یک سؤال بپرسد که به صورت پرکردن جای خالی آیه‌ها است. مریبی ۲ گزینه را که باید بجهه‌ها انتخاب کنند، روی تخته سیاه بنویسد. اگر گروهی پاسخ صحیح نداد چون پرسش ۲ گزینه‌ای است و پاسخ صحیح معلوم می‌شود، بعد از هر سؤال آیه را با هر دو گزینه ترجمه کند تا اهمیت صحیح تلفظ کردن، معلوم شود.

۲- مریبی از قبل تذکر دهد دانش آموزان در جلسه‌ی قرآن با وضر حاضر شوند.

انعام، ٧٦

٤- قَالَ هذَا رَبِّي فَلَمَا آتَقَلْ قَالَالْأَفْلَيْنَ.

لَأْحِبَ (دوست دار) لَأْهُبُ (می وزم)

آل عمران، ٢٦

٥- وَ تَعِزُّ مِنْ تَشَاءُ وَ... مَنْ تَشَاءُ

تَرْجُلُ (لغش) تُدَلُّ (خوار شدن)

الحاقة، ٣٢

٦- ثُمَّ فِي سَلْسِلَةٍ..... سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

ذَرْعُهَا (اندازهی آن) زَرْعُهَا (کاشتن آن)

ترجمه‌ی آیه‌ی اول:

«یکدیگر را در نیکوکاری و تقوی کمک کنید؛ نه برگناه و ستمکاری.»

ترجمه‌ی اشتباه:

«یکدیگر را در نیکوکاری و تقوی کمک کنید؛ نه برنام و ستمکاری.»

ترجمه‌ی آیه‌ی دوم:

«پس از آن (خواب) آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن

دو گروه مدت درنگ در آن غار را بهتر شمارش خواهند کرد.»

ترجمه‌ی غلط:...

«از آن دو گروه پوشیدن در آن غار را بهتر شمارش خواهند کرد.»

ترجمه‌ی آیه‌ی سوم:

«خداآوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام.»

ترجمه‌ی غلط:

«خداآوند تجارت را نام برد و ربا را حرام.»

تُرجمه‌ی آیه‌ی چهارم:

«...حضرت ابراهیم ﷺ وقتی هوا تاریک شد و ستاره‌ای درخشید گفت:

این پروردگار من است، پس وقتی آن ستاره غروب کرد، گفت من چیزی که

نابود گردد، به خدایی نخواهم گرفت.»

تُرجمه‌ی علّة:

«من نمی‌وزم بر چیزی که نابود گردد....»

تُرجمه‌ی آیه‌ی پنجم:

«به هر که خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی.»

تُرجمه‌ی علّة:

«به هر که خواهی لغش بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی.»

تُرجمه‌ی آیه‌ی ششم:

«سپس به زنجیری که اندازه‌ی آن هفتاد ذرع است بندش کنید و

بکشید.» (۱)

تُرجمه‌ی علّة:

«سپس به زنجیری که اندازه آن هفتاد کاشتن است، بکشید.»

کلمات مورد سؤال این آیات اگر درست تلفظ نشود، معانی متفاوتی پیدا می‌کند

و راه تلفظ صحیح این حروف دانستن طرز تلفظ و تمرین مداوم آن است.

- «ذرع»: مقیاس طول معادل ۱/۰۴ متر که عبارت است از ابتدای ساعد دست (مرفق) تا سر انگشتان -
محمد معین، فرهنگ فارسی به نقل از رساله‌ی مقداریه، فرهنگ ایران زمین، ۱:۱۰، ۴-۱، ص. ۴۳۱.

«**ش**» در فارسی مانند «س» تلفظ می‌شود، اما در عربی به دلیل تماس نوک زبان با دندان‌های جلوی فک بالا، به صورت نازک ادا می‌شود.

«**ح**» در فارسی مانند «ه» تلفظ می‌شود، اما در عربی از حلق و با گرفتگی ادا می‌شود.

«**ذ**» در فارسی مانند «ز» تلفظ می‌شود، اما در عربی به خاطر تماس نوک زبان با دندان‌های جلوی فک بالا، به صورت نازک ادا می‌شود.

حالا چند بار تمرین می‌کنیم.

آماده هستید در این قسمت، داستان یکی از پیامبران را برایتان تعریف کنم. نام این پیامبر را باید از این جدول به دست آورید.^(۱) به داستان خوب توجه کنید. در پایان سؤالاتی از شما پرسیده می‌شود.

			د	و	ا	د
			ب	ق	ع	ی
			ا	ک	ر	ی
			ز	ر	ا	ز
			ق	ا	س	ح
			ا	س	ح	ا
			ن	ا	ر	و
			ل(۲)	ر	و	ه
			(۳)ا	ز	ح	ق
				ی	د	و
				م	ر	ب

۱- مری جدول را بکشد و نام پیامبران را بنویسد، چنانچه دانش آموزان نتوانستند حدس بزنند دور حرف «الف» در ردیف اول و «م» در ردیف آخر دایره‌ای بکشد و در مرحله‌ی بعد هم دور حرف «ب» در ردیف دوم دایره‌ای بکشد تا دانش آموزان جواب را به دست آورند.

۲- «حزقیل» یکی از چهار پیامبر بزرگ عبرانی در زمان بخت النصر (قرن ۶ قبل از میلاد) که در یهودیه متولد شد.

۳- «ارمیا» یکی دیگر از چهار پیامبر بزرگ بنی اسرائیل است.

احسن! با کنار هم قرار دادن حروف (ا - ب - ر - ا - ه - ی - م) نام یکی از پیامبران اولو العزم، حضرت ابراهیم طیلله به دست می آید.

عموی ابراهیم «آذر» از بت پرستان و هواداران نمرود بود. در علم نجوم و ستاره شناسی اطلاعات وسیعی داشت و از مشاوران نزدیک نمرود به شمار می آمد. او با استفاده از علم ستاره شناسی چنین فهمید پسری چشم به جهان می گشاید که سرنگونی رژیم نمرود به دست او است. برای همین بی درنگ خود را به محضر نمرود رساند و این موضوع را گزارش کرد.

عجبیب این که در همان اوضاع و احوال، نمرود نیز در عالم خواب دید که ستاره‌ای در آسمان درخشید و نور آن بر نور خورشید و ماه چیره شد، برای همین دانشمندان و تعبیرکنندگان خواب را به حضور طلبید و خواب خود را برای آنها تعریف کرد. آنها گفتند: «تعبیرش این است که به زودی کودکی به دنیا می آید که سرنگونی تو و حکومت تو به دست او خواهد بود.»

نمرود که بر اثر گزارش ستاره شناسان و تعبیرکنندگان، به وحشت افتاده و بسیار نگران شده بود، دستور داد برای آن که آن کودک متولد نشود زنان را در شهر نگه دارند و مردان را به خارج از شهر بفرستند و هر پسری را که به دنیا آمد بکشند. به این ترتیب کنترل شدید در همه جا اجرا شد، حتی مادر ابراهیم نیز توسط ماماها و قابله‌های حکومتی آزمایش شد که به خواست خدا نشانی از بارداری در وی نیافتند.

در چنین شرایط سختی پدر ابراهیم (تارخ) بیمار شد و از دنیا رفت ولی (بونا) مادر شجاع و شیردل ابراهیم خود را نباخت و همچنان با امداد الهی به زندگی ادامه داد. و تصمیم گرفت با توکل بر خدا کودک خود را از دست نمرودیان حفظ کند. شبها و روزها گذشت تا آن که زمان تولد کودک بونا فرا رسید. بونا به آرامی از شهر خارج شد و در کنار کوهی، غاری پیدا کرد و نوزادش به دور از دید مردم در آن جا متولد شد. آن گاه او را در پارچه‌ای پیچید و در همان غار گذاشت و از آن پس چند وقت یک بار به سراغ او می‌رفت و او را شیر می‌داد، ولی یک بار متوجه شد که ابراهیم انگشت بزرگ دستش را بر دهان نهاده از آن شیر جاری است و... به این ترتیب بود که او توانست سال‌ها به زندگی مخفی خود ادامه دهد.

پس از گذشت ۱۳ سال، یک روز مادر به دیدارش آمد و مدتی در کنار پسر نوجوانش ماند، اما هنگام رفتن، ابراهیم دامن مادر را گرفت و گفت مرا نیز با خود ببر!

مادر گفت: اگر نمرود از وجود تو اطلاع یابد تو را خواهد کشت. ولی اصرار زیاد ابراهیم طیللاً، مادر را برآن داشت که تا شب در غار بماند و آن گاه که تاریکی همه جا را فراگرفت، او را از غار بیرون بیاورد.

ابراهیم مانند پرنده‌ای که تازه از قفس آزاد شده است، به کوه، دشت، صحراء، ستارگان و ماه می‌نگریست و با شور و نشاط قدم می‌زد. تا آن که هیاهوی جمعیتی نظرش را جلب کرد و دید آن‌ها با کمال رعایت ادب در برابر ستاره‌ی زهره که در کنار ماه دیده می‌شود ایستاده‌اند و آن را تعظیم می‌کنند و می‌پرستند.

ابراهیم افسوس خورد که چرا گروهی نادان ستاره‌ای را به جای خدای بی همتا می پرستند. و در این فکر شد که چگونه آنها را از گمراهی نجات دهد. لحظه‌ای بعد چیزی به ذهنش رسید. نزد آن‌ها رفت و در ظاهر با آن‌ها هم عقیده شد و گفت: آری! همین خداست. ستاره پرستان او را به جمع خود پذیرفتند و از این که یک نوجوان آیین آن‌ها را پذیرفته است شادمان شدند، ابراهیم طیللاً که در ظاهر به صفات آن‌ها پیوسته بود، در انتظار فرصتی مناسب بود و این فرصت با ناپدید شدن ستاره‌ی زهره پیش آمد. او در این لحظه گفت: نه! این ستاره «خدا» نیست، زیرا خدا باید پایدار و ثابت باشد نه زودگذر و در حال حرکت، چون هر حرکت و تغییری حرکت دهنده و تغییر دهنده‌ای می‌خواهد. پس من از عقیده‌ی شما روی می‌گردانم.

این بیان شیوا و استوار ابراهیم طیللاً ستاره پرستان را در شک و تردید افکند و او از جمع آنان گذشت و به راه خود در صحرا و بیابان ادامه داد.

این بار چشمش به جمعیتی افتاد که در برابر ماه درخشان ایستاده بودند و آن را پرستش می‌کردند. ابراهیم طیللاً با این گروه نیز مثل ستاره پرست‌ها رفتار کرد یعنی ابتدا نزد آن‌ها رفت و برای این که این گروه او را در جمع خود پذیرند، در ظاهر گفت: «به به، چه ماه درخشند و زیبایی! خدای من همین است.

ماه پرستان نیز از ابراهیم طیللاً استقبال کردند و او را در صفات خود قرار دادند تا آن که ماه نیز غروب کرد ابراهیم طیللاً فرصت را از دست نداد و خطاب به ماه پرستان گفت: این خدا نیست، زیرا ماه در حال حرکت، تغییر و جایه جایی است و خدا باید ثابت و دگرگون ناپذیر باشد. من از این عقیده‌ی شما برمی‌گردم و اگر خدا مرا

هدایت نکند در صف گمراهان جای خواهم گرفت.

به این ترتیب ابراهیم ﷺ با این استدلال نیرومند، بر عقیده‌ی ماه پرستان ضربه زد و بذر اعتقاد به خدای یکتا و بی همتا را بر صفحه‌ی قلب آن‌ها پاشید. ابراهیم ﷺ آن شب را در بیابان گذراند و زمانی که هوا روشن شد و لحظه‌ی طلوع خورشید فرا رسید، جمعیتی را دید که منتظر طلوع خورشید بودند تا به آن (به عنوان خدا) سجده کنند.

ابراهیم ﷺ کنار آن‌ها رفت و در ظاهر وانمود کرد که با آن‌ها هم عقیده است. برای همین هنگامی که خورشید طلوع کرد، ابراهیم ﷺ در ظاهر فریاد زد: خدای من همین است، چون این از همه درخشش‌تر است...

او تا غروب با آن‌ها بود، ولی وقتی خورشید غروب کرد، خطاب به آن‌ها گفت: من از این عقیده برمی‌گردم، زیرا خورشید در حال تغییر و جابه جایی است. و چنین موجودی هرگز «خدا» نخواهد بود. اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند قطعاً از جمعیت گمراهان خواهم بود، من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها... و زمین را آفریده من در ایمان خود خالصیم و از مشرکان نیستم.. به این ترتیب ابراهیم ﷺ با شیوه‌ای ساده و اخلاقی دلپذیر، ستاره پرستان و خورشید پرستان را گمراه خواند و آن‌ها را به سوی خدای یکتا و بی همتا دعوت نمود.^(۱)

۱- محمد محمدی اشتهرادی: «داستان‌های خواندنی از پیامبران اولو العزم». اقتباس از آیات ۷۵ تا ۷۹ سوره انعام، عيون اخبار الرضا، ج ۱، بخارج، ص ۳۰.

سؤالات لزهمن درمن:

- ۱- آذر چه نسبتی با حضرت ابراهیم ﷺ داشت؟
 - ۲- شغل آذر چه بود؟
 - ۳- خواب نمرود چه بود و چگونه تعبیرش کردند؟
 - ۴- فرمان نمرود برای جلوگیری از به دنیا آمدن ابراهیم ﷺ چه بود؟
 - ۵- به دنیا آمدن ابراهیم ﷺ از جهت مخفی بودن شیوه تولد کدام امام بود؟
 - ۶- مادر ابراهیم ﷺ برای حفظ فرزندش چه کرد؟
 - ۷- استدلال حضرت ابراهیم ﷺ در مقابل ستاره پرستان چه بود؟
- در پایان از شما می‌خواهم نتایجی را که از این داستان گرفتید، روی کاغذ بنویسید و تحولیل دهید.

نام درس

حضرت سلیمان علیه السلام

موضوع

قرآن

هدف گلی

علی رضا علی محمدی

دانشآموزان در این درس با قسمتی از زندگی حضرت سلیمان علیه السلام و پدرش (حضرت داود علیه السلام)، یک آیه در مورد حضرت سلیمان علیه السلام، آیاتی که نام ایشان در قرآن آمده است و در پایان با مختصری از زندگی وی از دیدگاه قرآن و همچنین با طرز صحیح ادا کردن حروف «ص» و «ض» آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

(۱) یک آیه در مورد حضرت سلیمان علیه السلام.

(۲) تعداد آیاتی که نام حضرت سلیمان علیه السلام در آن آمده است.

(۳) پرخی از خصوصیات و حالات زندگی ایشان از نگاه قرآن.

(۴) طرز ادا کردن حروف «ص» و «ض» به صورت صحیح.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان این درس بتوانند یک آیه در باره‌ی حضرت سلیمان علیه السلام از حفظ بیان کنند. خلاصه‌ای از داستان حضرت سلیمان علیه السلام را برای دوستان خود شرح دهن. و حروف «ص» و «ض» را به صورت صحیح ادا کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱) توضیعی - ۲- فعال (پرسش و پاسخ، بازی با حروف)

رسانه‌های آموزشی

۱. تخته سیاه و گچ ۲. قرآن

حضرت سلیمان ﷺ

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آنکه در جان و روان است تو نایی ده هر ناتوان است.

سلام!... چه کسی حاضر است بیاید و حمد و سوره اش را بخواند؟^(۱)

پس از خواندن حمد و سوره توسط یکی از بچه ها.

خیلی خوب! حالا من هم یک بار سوره‌ی حمد را قرائت می‌کنم. گوش کنید!

بسم الله الرحمن الرحيم اهدنا الصرا - اهدنا الصرا اهدنا الصراط المستقيم
صراط الذين انعمت عليهم غير المقصو - مغضوب مغضوب عليهم ولا الضلال ولا الضالين.

نقل است که شیخی به مسجد آمد و شروع کرد به خواندن نماز. شخص دیگری هم در مسجد به تماشای نشسته بود. وقتی نمازگزار به ولاضالین رسید، پشت سر هم آن را تکرار می‌کرد و لاالضلال ولاالضلال... آن مرد که حوصله‌اش سر رفت، پشت سروی آمد و با حالتی که او هم تکرار می‌کرد، گفت:
«مرض، مرض، مرض، ...»^(۲)

بعچه‌ها ادا کردن این حروف هیچ کاری ندارد، مثلاً حرف «ص» مانند «س» تلفظ

۱- مربی در موقع تلفظ صراط، مغضوب و ولاضالین با ادای خاص این کلمات را تکرار کند، مثلاً در صراط به صورت صرت زدن تکرار کند.

۲- با ادای مخرج (ض) خیلی برجام و درشت بیان گردد.

می شود. تنها با این تفاوت که حرف ص درشت و پر حجم ادا می شود، مثل: عصی (نافرمانی کرد) عسی (شاید) صعیداً (زمین و خاک) سعیداً (خوشبخت)

حرف «ض» هم در فارسی مانند «ز» تلفظ می شود، اما در عربی به خاطر تماس کناره‌ی زیان با دندان‌های کرسی (آسیا) فک بالا، این حرف درشت و پر حجم ادا می شود.

ضل (گمراه شد) زل (لغزید) ضالین (گمراهان) زالین (لغزندگان)
حالا برای این که اطلاعات قرآنی شما در مورد پیامبران الهی ﷺ هم معلوم شود، به این سوالات جواب دهید. بین نام آن‌ها را در تابلو می‌نویسم.

۱- پیامبری که حیاطی می‌کرد: حضرت ادريس ﷺ

۲- پدر از راهی حضرت ابراهیم ﷺ که برای هدایت مردم شهر «سدهم» مبعوث شد:

حضرت لوط ﷺ

۳- پیامبری که با اجازه‌ی مخدومان را زنده می‌کرد: حضرت عیسیٰ ﷺ

۴- پیامبری که به اذن مخدعاً عصایش تبدیل به مار شد: حضرت موسیٰ ﷺ

۵- پیامبری که سرپرست حضرت مدیم بود: حضرت ذکریاٰ ﷺ

۶- پیامبری که نجاری می‌کرد: حضرت نوح ﷺ

حالا تند و سریع حرف آخر و اول آن نام‌ها را از (بالا به پایین) به هم متصل کنید^(۱) تا نام پیامبری را که درباره‌ی او صحبت می‌کنیم، به دست آورید.

۱- به صورت زیگزاگ حرکت کنید.

اردیس

لوط

حضرت سلیمان

بله! درست است

دوسستان عزیز خوب است بدانید که نام حضرت سلیمان ﷺ هفده بار در قرآن کریم آمده است، من در تابلو یکی از این آیه‌ها را می‌نویسم، شما هم سعی کنید با توجه به حروف به هم ریخته^(۱) که در کنار آیه می‌نویسم و ترجمه‌ی آن، آیه را تکمیل کنید.

وَ وَهَبْنَا لِدَاوُدَ نِعْمَ ال... إِنَّهُ أَوَّلُ^(۲)

ترجمه: «و به داود (فرزنندش) سلیمان را عطا کردیم، او بسیار بندۀ‌ی نیکویی بود. زیرا بسیار به درگاه خدا (با تضرع و زاری) رجوع می‌کرد.»

ل	ی	س	م	ن	ا	د	ب	ع
---	---	---	---	---	---	---	---	---

حضرت داود ﷺ که پادشاه و پیامبر پیر بنی اسرائیل بود، در مجلس قضاوت نشسته بود تا به شکایت یکی از افراد امت خود رسیدگی کند. بزرگان قوم و برخی از فرزندان حضرت داود از جمله کوچک‌ترین فرزندش یعنی سلیمان هم که کودکی ده ساله بود در مجلس حضور داشتند. حضرت داود ﷺ رو کرد به شاکی و فرمود: «به طور خلاصه شکایت خود را بیان کن!»

شاکی گفت: من کشاورزم و درزمن خود گندم می‌کارم. امسال یکی دو روز مانده

ل
ی
س
م
ن
ا
د
ب
ع

عیسی

موسى

زکریا

نوح

۱- مرتب کلمات به هم ریخته لی س م ن او د ب ع را در تابلو کنار آیه می‌نویسد.

۲- ص، ۳۰، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای «وَهَبْنَا لِدَاوُدَ سَلِيمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّلُ»

به فصل درو، این مرد گله دار، همه‌ی محصول مرا از بین برد. او گوسفندان خود را
شبانه در مزرعه‌ی من رها کرد و آن‌ها تا صبح، تمام مزرعه را پایمال کردند.

داود علیه السلام به مردی که بی سر و صدا در کنار شاکی ایستاده بود و از چهره‌اش
معلوم بود ناراحت و خجالت زده است، فرمود: (آیا تو گفته‌های این مرد را تأیید
می‌کنی؟)

گفت: بلی، ای پیامبر خدا!

حضرت داود علیه السلام گفت: «بسیار خوب، اگر گفته‌اش را تأیید می‌کنی باید خسارت‌ش
را هم بپردازی.»

آن گاه حضرت علیه السلام رو کرد به یکی از صاحب نظران در مجلس و گفت: شما که
مزرعه را دیده‌ای و تعداد گوسفندان را می‌دانی، خسارت واردہ به مزرعه را چه
میزان ارزیابی می‌کنی؟

آن شخص گفت: مزرعه‌ی این مرد امسال محصول بسیار خوبی داشت و تمام
آن از بین رفته است. من حساب کردم و متوجه شدم که ضرر او درست برابر با
قیمت تمام گوسفندانی است که این یکی دارد.

حضرت داود علیه السلام گفت: «بنابراین می‌توان حکم کرد که این مرد، همه‌ی
گوسفندانش را به عنوان خسارت به او بدهد.»

مرد کشاورز شادمان شد و مرد گله دار هم قضاوت را پذیرفت چون حضرت
داود علیه السلام در مقام پیامبری الهی چنین حکمی داده بود و یقیناً این حکم نمی‌توانست
نادرست باشد. حاضران هم آماده می‌شدند تا مجلس را ترک کنند که ناگهان فرزند

خرد سال داود^{علیه السلام}، یعنی سلیمان از جای برخاست و خطاب به آنان گفت: حکمی که پدرم فرمود اگر چه درست است و ناروا نیست، اما گمان می‌کنم می‌توان حکم دیگری نیز داد؛ حکمی که هر چند کار را بی درنگ فیصله نمی‌دهد، اما در عوض نتیجه‌ی بهتری در بی دارد.

پدرش حضرت داود^{علیه السلام} که آثار نبوغ و شایستگی را از کودکی در او دیده بود، با خوش رویی گفت: «بگو فرزندم!» و سلیمان گفت: فکر می‌کنم بهتر است مزرعه و زمین از بین رفته را در اختیار صاحب گوسفندان قرار دهیم و گوسفندان را هم در اختیار صاحب مزرعه، تا مردگله دار زمین را با تلاش و سرمایه‌ی خود دویاره آباد کند و در این مدت صاحب مزرعه نیز از شیر و پشم گوسفندان استفاده کند و در پایان سال مزرعه‌ی خود را تحويل بگیرد و گوسفندان را باز پس دهد.

همه از این رأی هوشمندانه در شگفتی ماندند، اما حضرت داود^{علیه السلام} هیچ تعجب نکرد چون او را خوب می‌شناخت و می‌دانست که خدا به او حکمت و هوشمندی بسیار عطا کرده است. بله! و به همین منظور بود که به دستور خداوند او را از میان فرزندان خویش به جانشینی برگزید.

وقتی که حضرت داود^{علیه السلام} مانند تمام انسان‌ها از این جهان به جهان دیگر رفت، حضرت سلیمان^{علیه السلام} به پیامبری رسید و خداوند باد و تمام طبیعت را در اختیار او قرار داد. تا جایی که همه‌ی موجودات از جمله «جن» در اختیار و خدمت او بودند. زبان جانداران و پرنده‌گان را می‌دانست و جانداران هم اورا می‌شناختند و از قدرتش باخبر بودند، حتی مورچه‌ها از عظمت او خبر داشتند. برای همین یک روز که

حضرت سلیمان ﷺ از راهی می‌گذشت شنید که مورچه‌ای به مورچه‌های دیگر می‌گوید: «به لانه‌هایتان بروید تا زیر پای لشکر سلیمان پایمال نشوید.»

حضرت سلیمان ﷺ در دوران فرمانروایی و پیامبری خود به زیارت خانه‌ی کعبه شتافت. موقع برگشت در شام، جایی در نزدیکی یمن، به دلیل تشنگی اسب‌ها، در صدد یافتن آب برآمد، برای همین نگاهی به اطراف انداخت و پرسید: «این هُدْهُد باز کجا رفته است؟»

هُدْهُد گفت: «من در خدمتم، ای پیامبر خدا!»

- برو ببین در اطراف این صحراء کجا آب وجود دارد، دیر نکنی!

در پی این فرمان هُدْهُد به پرواز در آمد و در پی آب رفت.

- پس این هدهد کجا رفت؟

بله! هُدْهُد آن قدر دیر کرده بود که کسی نمی‌دانست چه بگوید، برای همین حضرت سلیمان ﷺ رو به اطرافیان کرد و فرمود: «اگر دوباره به نزد من بیاید و دلیل قابل قبولی برای تأخیرش نداشته باشد، سررا از تن او جدا خواهم کرد.»

سرانجام سروکله‌ی هُدْهُد بعد از غیبتی نه چندان طولانی پیدا شد.^(۱)

- کجا رفته بودی؟

- ای پیامبر خدا! اگر چه دیر کرده‌ام، اما خبری آورده‌ام که با شنیدن آن بی‌گمان از تأخیر من چشم پوشی خواهی کرد.

- بگو، می‌شنوم!

۱- فَمَكَثَ عَيْرَ بَعِيدٍ... (نمک / ۲۲)

- در جست و جوی آب این صحراء پشت سرگذاشتم و چون آبی نیافتم به پرواز ادامه دادم تا به سرزمینی به نام سبا^(۱) رسیدم؛ سرزمینی که در آن زنی به نام بلقیس^(۲) حکومت می‌کند. از روی کنجکاوی در آن جا درنگ کردم و بالاخره متوجه شدم آنان با این که از ثروت و نعمت بسیار زیادی برخوردارند، اما متأسفانه همه آفتاب پرستند!

- راست می‌گویی! این خبر بسیار مهمی است و وظیفه‌ی ما را سنگین می‌کند. ما باید او و قوم او را به «خدای پرستی» دعوت کنیم. اکنون به او نامه‌ای می‌نویسم آن را به نزد ملکه‌ی آن سرزمین ببرو و پاسخش را با خود بیاور، در ضمن ما به سوی وطن خود حرکت می‌کنیم. تو هم زود خودت را با جواب نامه به آن جا برسان.

هُد هُد نامه را یک راست به قصر بلقیس برد و پیش روی او انداخت و خود در گوشه‌ای منتظر ماند.

بلقیس که ملکه‌ای زیبا و با حشمت و متین بود، نامه را گشود و چنین خواند:

«این نامه از سلیمان و به نام خداوند بخشاینده و مهریان است.»

با من از سرستیز برخیزید و با تسليم نزد من بستایید.

بلقیس بی درنگ موضوع را در شورای بزرگان به بحث گذاشت و از آنان پرسید:

«اکنون چه باید کرد؟»

۱- سبا یا سپا: نام قوم و مملکتی در قسمت جنوب غربی جزیره العرب است که گروهی در هزاره‌ی اول قبل از میلاد در آن جا زندگی می‌کردند و یکی از سه قومی بودندکه در تاریخ عربستان جنوبی نقش مهمی داشته‌اند.

۲- بلقیس، نام ملکه‌ی سبا، از بلقیس در قرآن، با عنوان ملکه‌ی سبا، یاد شده است.

آن‌ها گفتند: «ما تو را به رهبری خود برگزیده‌ایم و به درایت و لیاقت تو اعتماد داریم، هر چه خود صلاح می‌دانی، بکن!»

- من معتقدم نامه از جانب فرمانروایی مقتدر است، تاکسی به قدرت خویش ایمان نداشته باشد، به این استواری سخن نمی‌گوید، پس بهتر است هدایایی نزد او بفرستیم تا فرستادگان ما او را ببینند و قدرتش را ارزیابی کنند تا اگر واقعاً قادرمند بود، بیهوده خود را به دردرس نیندازیم.

- هر چه ملکه صلاح بدانند، درست است.

هُدْهُد که از مسائل آگاه شده بود، بی درنگ به حضرت سلیمان ﷺ خبر آورد و همه‌ی ماجرا را با او باز گفت: «حضرت سلیمان ﷺ هم دستور داد تا هنگامی که سفیران بلقیس بیایند، قصری بسیار باشکوه برای او بسازند و آن را با قیمتی ترین و زیباترین تزئینات بیارایند.»

هنگامی که فرستادگان بلقیس به قصر حضرت سلیمان ﷺ رسیدند، از شکوه و زیبایی آن به شگفتی افتادند. حضرت سلیمان ﷺ نیز با مهربانی بسیار آنان را پذیرفت. آنان گفتند: ما فرستادگان بلقیس هستیم و تمبا داریم هدایای ما را پذیرید!

حضرت سلیمان ﷺ هدایای آنان را یک یک دید، آن گاه گفت: «من از دیدار شما شادمان شدم و مقدم شما را گرامی می‌دارم، اما از پذیرفتن هدایایتان معدوم. خداوند به من پادشاهی و نبوت عطا فرموده است و من از نعمت بی کران پروردگارم برخوردارم. خواهشمندم هدایا را برگردانید و بگویید کسی چون من که از

همه گونه نعمت پروردگار خود بخوردار است، نباید با پذیرفتن این هدایا از گفتن حق باز ماند. با احترام می‌گوییم که ملکه‌ی شما، همه‌ی بزرگان و تمام مردم آن سرزمین باید ایمان آورند و خدای یگانه را پرستند و گرنه با لشگری فراوان به سرزمین او خواهم آمد و او را با خواری و ادار به پذیرفتن این آیین خواهم کرد!» بلقیس وقتی از خبر آگاه شد، دوباره با بزرگان به مشورت نشست و به آنان گفت: «فرستادگان ما می‌گویند او به آنچه می‌گوید عمل می‌کند، پس چاره‌ای جز قبول دعوت او نداریم. چه بهتر پیش از آن که او لشگرکشی کند، ما خود به نزدش برویم تا از هر گونه خطری پیشگیری کنیم و با احترام و آبرومندی به سرنوشت خود تن بدھیم.»

حضرت سلیمان ﷺ وقتی شنید که بلقیس قصد دارد نزد او بیاید، به یاران خود گفت: «چه کسی می‌تواند تخت پادشاهی ملکه‌ی سبا را پیش از رسیدن او، نزد من بیاورد، با این کار او خواهد فهمید نیروی ما الهی و فوق بشری است و قلب‌ی ایمان خواهد آورد.»

یکی از جنیان گفت: «من می‌توانم پیش از آن که شما از جای خود برخیزید آن تخت را بیاورم.»

آصف برخیا، وزیر اعظم حضرت سلیمان ﷺ که خداوند دانشی از کتاب خود به او عنایت کرده بود، گفت: «ولی من آن را در یک چشم به هم زدن می‌آورم!» و بی درنگ تخت بلقیس را پیش روی حضرت سلیمان ﷺ حاضر کرد.

حضرت سلیمان ﷺ گفت: آن را به همان گونه که در قصر بلقیس گذاشته بودند،

کنار تخت من جای دهید و در پیش آن چنان آب نماین از بلوربسازید که درست
مانند آب به نظر آید!

سرانجام بلقیس و همراهان، با استقبال حضرت سلیمان ﷺ وارد قصر شدند و
بلقیس به محض ورود تخت خود را با همان تزئینات و ریزه کاری‌ها در کنار تخت
حضرت سلیمان ﷺ دید. خواست به طرف آن برود، اما دریافت که باید از آب
نمایی کوچک بگذرد، تلاؤ نور در بلور، چنان بود که او حرکت ملایم آب را در آب
نما تصور می‌کرد، برای همین دامن خود را بالا زد تا از آب بگذرد، اما پایش ترنشد.
از همین رو بسیار تعجب کرد. به نیروی الهی و نشانه‌های قدرت خداوند پی برد و
سپس از عمق جان به سلیمان ﷺ و خدای او ایمان آورد و گفت: « خداوند! من
تاکنون به نفس خود ستم کرده‌ام و مدت زیادی است که خود را از رحمت و نور تو
محروم ساخته‌ام. اینک به یاری حضرت سلیمان، در برابر تو تسلیم می‌شوم و از
ژرفای دل به اطاعت از تو می‌پردازم که تو مهریان ترین مهریانانی.»

حضرت سلیمان ﷺ در یکی از واپسین روزهای پُر شکوه فرمانروایی و پیامبری
خود، فرمان داد هیچ کس مزاحم او نشود، فرمود: «زمان زیادی است که به رتق و
فتق امور مشغولم و کارها نمی‌گذارد لحظه‌ای استراحت کنم. امروز بالای قصر
می‌روم و از آن جا به تماشای اطراف می‌نشینم، هیچ کس حتی فرزندان و همسرمن
مزاحم نشوند، تا آن که خود پایین بیایم.»

حضرت سلیمان ﷺ عصای خود را برداشت و از پله‌های طولانی قصر به
بلندترین قسمت قصر رفت. در آن جا به عصا تکیه زد و به تماشای مناظر پایین قصر

پرداخت، ناگاه در کنار خود جوان خوشرویی دید که به او لبخند می‌زد!

- با اجازه‌ی چه کسی خود را به این جا رسانده‌ای، چگونه آمدی و کیستی؟

- با اجازه‌ی صاحب اصلی قصر آمده‌ام!

- حضرت سلیمان ﷺ متوجه شد او عزراeil است و از سوی خداوند برای

قبض روح او آمده است، گفت: «ما امروز را به استراحت اختصاص داده بودیم و

اینک خداوند دیدار خود را برای من در نظر گرفته است، چه بهتر!»

برای چند روزی مردم حضرت سلیمان ﷺ را همچنان به صورت فرمانروایی که

بر عصایش تکیه زده است، از پایین قصر می‌دیدند، اما هیچ کس جرأت نمی‌کرد به

ایوان ببرود چون فاصله چندان بود که کس نمی‌توانست متوجه مرگ او بشود، تا این

که به امر خداوند، موریانه‌ها انتهای عصای او را جویدند و فشار جسد، عصا را

لغزاند و حضرت سلیمان ﷺ با آن حشمت بی مثال، با چهره برایوان غلتید و آن

هنگام بود که همگان دریافتند دیری است که حضرت سلیمان ﷺ مرده است. (۱)

۱- آیات مربوط به داستان سلیمان: جهت اطلاع مربی آورده می‌شود: بقره ۱۰۲ - انعام ۸۴ - انبیاء ۷۹ تا

۲- نمل ۱۶ تا ۴۴ - سباء ۱۲ تا ۲۱ - ص ۳۰ تا ۴۰ - نساء ۱۶۳

سیدعلی موسوی گرمازودی: «داستان پیامبران»، قدیانی، چاپخانه شفق، چاپ اول تابستان ۷۳، ج ۱، ص

۱۶۹ تا ۱۷۷

نام درس

علی رضا علی محمدی

حضرت نوح ﷺ

موضوع

قرآن

هدف کلی

دانشآموزان در این درس طرز صحیح تلفظ کردن حروف «ط» و «ظ» را یاد می‌گیرند. همچنین با قسمتی از زندگی حضرت نوح آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱- طرز صحیح تلفظ کردن حروف «ط» و «ظ».

۲- قسمتی از داستان حضرت نوح.

۳- کشتی نجات پومن اهل بیت پیامبر ﷺ.

هدف رفتاری

انتظار می‌رود دانشآموزان بعد از پایان یافتن این درس بتوانند:

۱- داستان حضرت نوح ﷺ را برای دوستان خود بیان کنند.

۲- علت گمراه شدن پسر حضرت نوح ﷺ را بگویند.

۳- یک حدیث را (کشتی نجات پومن اهل بیت ﷺ) حفظ کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (پرسش و پاسخ، چدول و...)

رسانه‌های آموزشی

تخنه سیاه

حضرت نوح ﷺ

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام! حالتان خوب است...

یک مسابقه داریم کسانی که می خواهند در این مسابقه شرکت کنند دستشان را
بالا بگیرند... حالا دو گروه سه نفری انتخاب می کنیم و آیات زیر را که قبلًا تکثیر
کرده ام، در اختیارشان قرار می دهم.^(۱)

۱- وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَنَ مِنْ سُلْطَانٍ مِّنْ

تین (انجیر) طین (گل)

«همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم.»

۲- وَاللَّهُوَالَّذِي يُنْوِي وَ طُورِ سِينِينِ

طین(گل) تین (انجیر)

قسم به انجیر و زیتون و قسم به طور سینا

۳- وَ إِذَا بُشَّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْشَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ

ذَلَّ (خوار شدن) ظَلَّ (گردید) زَلَّ (لغزید) النحل - ۵۸

و چون یکی از آنها را به فرزند دختری مژده آید از شدت غم و حسرت

۱- مریم از میان دانش آموزان دو گروه سه نفری انتخاب کند و از آنها بخواهد تا پایان مسابقه با او
همکاری و در مسابقه شرکت کنند.

رخسارش سیاه می شود.)

محمد / ۲۰

۴- يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ الْمُغْشِيُّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ

نذر (نذر کردن) نظر (اندک) نظر (نگاه کردن)

«...منافقان را بنگری که مانند کسی که از ترس حالت بیهوشی بر او دست می دهد، در تو نگاه می کنند. آری مرگ برای آنان بهتر است.»
توجه کردید که اگر در تلفظ این حروف دقت نشود معنای آیه تغییر می کند. طرز صحیح ادا کردن آنها به این صورت است:

حرف «ط» مانند «ت» تلفظ می شود، با این تفاوت که «ط» درشت و پر حجم ادا می شود.

حرف «ط» در فارسی، مانند «ت» تلفظ می شود، اما در عربی به خاطر تماس زیان با دندان های جلوی فک بالا، درشت و پر حجم ادا می شود.^(۱)
حالا به یکی از آیات قرآنی توجه کنید که در مورد یکی از انبیای الهی (علیهم السلام) است.

در این آیه نام او به صورت حروف به هم ریخته آمده است، آیه را کامل کنید.^(۲)
و با توجه به معنای آن بگویید مدت پیامبری ایشان چند سال بود؟
وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا..... [و ن ح] أَ إِلَى قُومٍ فَلَبَثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا حَمْسِينَ

۱- مسابقه تمام نشده است و جدول و یک سری سؤالات در مورد داستان قرآنی پس از بیان داستان ذکر خواهد شد.

۲- مربی آیه را در تابلو بنویسد و نام حضرت نوح طیللاً را بعد از نوشتن آیه به صورت حروف به هم ریخته در جای خالی بیاورد.

عاماً

عنکبوت، ۱۴

«به تحقیق فرستادیم نوح را به سوی قومش پس ماند در میان آن‌ها هزار سال به جز پنجاه سال.»

نام حضرت نوح ﷺ ۴۳ بار در قرآن آمده و ۱۲۲ آیه در مورد ایشان نازل شده است. این داستان را با دقت گوش کنید چون در پایان داستان سؤالاتی در مورد همین داستان خواهیم پرسید.

حضرت نوح ﷺ در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که مردم آن بت پرست بودند و به هم ظلم می‌کردند. حضرت نوح ﷺ که زبان فصیح و منطقی قوی و بیانی گرم داشت و بسیار بردبار و شکنیا بود، به فرمان خدا شروع کرد به ارشاد مردم. او به آن‌ها می‌گفت:

ای قوم من! تنها الله را بپرستید، چرا غیر او را به پرستش می‌گیرید؟ اگر ایمان نیاورید من بر شما از شکنجه‌ی روزی سخت می‌ترسم.

او همچنان به دعوت خود ادامه داد و در این راه با امیدواری و تحمل بسیاری اسختی‌ها و ناملایمات رویه رو شد. برخی از مسکینان و مستضعفان، رفته رفته به سخنان او متمایل شدند و دعوت او را اجابت کردند، اما ثروتمندان و دنیا پرستان مقاومت ورزیدند و گمراهی را بر هدایت ترجیح دادند و از این بالاتر، نوح و پیروانش را به باد استهزا گرفتند. آن‌ها می‌گفتند: ما تو را جز بشری مانند خود نمی‌بینیم و جز پست‌ترین مردمان، کسی به تو نمی‌گرود. تو و پیروانت هیچ برتری بر ما ندارید و مشتی دروغگو هستید.

در برابر عکس العمل‌های تند این کافران، نوح همچنان ایستادگی می‌کرد و به یاران و پیروان خود امید و بشارت می‌داد. نوح برای گذران زندگی خویش نجاری می‌کرد و در همان حال نیز در ابلاغ رسالت خود از پا نمی‌نشست و هر روز در گذرگاهها و معابر به تبلیغ می‌پرداخت و می‌فرمود:

ای مردم! من که برای ابلاغ رسالت خود از شما مزدی نمی‌خواهم. مزد مرا تنها خداوند می‌دهد. همین طور نمی‌گوییم فرشته‌ام، تا بگویید تو جز بشری مانند ما نیستی. ادعای علم غیب هم نکرده‌ام تا مرا تکذیب کنید! من تنها شما را به خداوند یکتا، به نیکی و پاکی و اخلاق فرا می‌خوانم. پس چرا ایمان نمی‌آورید، چرا برنادانی خود اصرار می‌ورزید؟!

آنان هم گستاخانه و بی پروا پاسخ می‌دادند: اگر چنان که می‌گویی خواهان رستگاری و هدایت مایی، این مردمان پست و پیروان فقیر را از خود دور کن. ما نمی‌توانیم یاران و هم عقیده‌ی آنان باشیم!

اما حضرت نوح ﷺ در برابر درخواست متکبرانه‌ی آنان گفت: چرا از من می‌خواهید یاران مؤمن خود را ترک کنم. من کسی نیستم که این مؤمنان را از خود برانم.

بالاخره حضرت نوح ﷺ سال‌ها و سال‌ها با تحمل همه‌ی مصائب به دعوت و تبلیغ پرداخت. تا این که کافران آن پیامبر خدا را بر سر راهی بدون بازگشت گذاشتند و گفتند: ای نوح! دیگر بس کن و از این بحث و جدال‌های مکرر با ما دست بردار. مگر نمی‌گویی که اگر ما ایمان نیاوریم، دچار عذاب الهی خواهیم شد، اکنون همان

عذاب را برای ما بخواه.

وقتی بی شرمی آنان به این جا رسید و آن پیامبر بربدار را از خود ناامید کردند، نوح ﷺ نیز قوم خویش را این گونه نفرین کرد. پروردگار! از این کافران یک نفر بر زمین باقی مگذار.

خداآوند نیز امر فرمود که حضرت نوح ﷺ به کمک یاران اندک خود یک کشتی بسازد و نوح ﷺ با زحمت بسیار تخته هایی فراهم آورد و با ابزارهای ابتدایی آن روزگار ساختن کشتی را آغاز کرد.

از همان آغاز تمسخرها و ریشخندها شروع شد. هر روز دستهای از کافران می آمدند و او و یارانش را که سخت سرگرم کار بودند، استهزا می کردند. یکی می گفت: ای نوح! بهتر نبود فکر یک دریا هم در همین نزدیکی ها می کردی؟ آخر کدام دیوانه ای در خشکی و دور از دریا یک کشتی به این بزرگی می سازد؟

دیگری اضافه می کرد: لابد گاوها یی کرایه کرده است که این کشتی را به دریا خواهند برد! و سومی می گفت: شاید هم دریا را به این جا خواهد آورد!

اما نوح ﷺ بربدار و استوار بود به این یاوه گویی ها اعتنا نمی کرد و به کار خود ادامه می داد. تا آن کار ساختن کشتی بزرگ در سه طبقه که طول آن حدود ۱۲۰۰ متر و عرض آن ۳۰۰ متر بود به پایان رسید و از جانب خداوند به نوح فرمان رسید که با خانواده خویش و همهی مؤمنان سوار کشتی شوند و از هر حیوانی یک جفت با خود ببرند. زیرا لحظه‌ی عذاب نزدیک است.

وقتی همه سوار شدند ناگهان هوا تیره و تار شد. طوفانی سهمگین برخاست.

بارانی سیل آسا و تند در گرفت. آب بر سطح زمین جریان یافت. وحشت همگان را فرا گرفت و هر کس سراسیمه به سویی می گریخت. ولی هر لحظه موج‌ها انبوه‌تر شدند و سرانجام هنگامه‌ای برخاست.

نوح ﷺ که از کشته‌ی می نگریست و تسیع خدا می گفت، فرزندش را دید که برای نجات از امواج به سوی بلندی‌ها می گریخت، فریاد برآورد: پسرکم! به کشته‌ی بیا. ولی فرزند گمراه پاسخ داد: به کشته تو نیازی ندارم و بالای کوهی می روم تا از غرق شدن در امان بمانم!

در همین لحظه ناگاه موجی بین آن دو جدایی انداخت و پسر غرق شد.

نوح ﷺ که خود شاهد غرق شدن پسر بود، دلتنگ شد و از روی مهر پدری گفت: خداوندا، تو خود وعده داده بودی که مرا و خانواده‌ام را از عذاب در امان داری، اینک این فرزند من است که غرق می شود!

خداوند فرمود: ای نوح! او دیگر از خاندان تو نیست و عملی ناصالح است. او به بدان پیوست و خاندان نبوت‌ش گم شد!

در پی این سخن الهی، نوح ﷺ بی درنگ از خداوند پوزش خواست و به او پناه برد.

فردای آن روز هنگامی که سرنشینان کشته سر از خواب برداشتند و بر عرشه‌ی کشته‌ی آمدند، طوفان فرو نشسته بود و کشته‌ی در زیر پرتوا آفتایی زرین بر امواج آرام و آبی و شفاف غوطه می خورد و آهسته آهسته با نوازش نسیم پیش می رفت.

مدتی بعد آب‌ها نیز بر دل زمین فر رفتند. کشتنی بر فلات کوه جودی^(۱) نشست و نوح و یاران او قدم بر خاک نهادند، حیوانات غیر اهلی را در بیابان رها کردند و هر کسی زندگی تازه‌ای را آغاز کرد.

سؤالات مسابقه^(۲)

۱- چامعه‌ای که حضرت نوح علیه السلام در آن زندگی می‌کرد چه آیینی داشتند و رفتارشان نسبت به هم چگونه بود؟

بست پرست بودند - و ثروتمندان بر فقیران ستم می‌کردند.

۲- مخصوصیات حضرت نوح علیه السلام که در داستان آمده است کدام بود؟

زبان فصیح - منطق قوی - بیان گرم - بردباری و شکیبایی

۳- کسانی که په حضرت نوح علیه السلام آیمان آوردن از چه گروه و طبقه‌ای بودند؟
مسکینان و مستضعفان

۴- ثروتمندان په شرطی را پدای ایمان آوردن خود پیشنهاد دادند؟

پیروان فقیرت را از خود دور کن!

۵- کافران په گفتند که حضرت نوح از هدایت شدن آن‌ها نامید شد؟

کجاست آن عذاب الهی که وعده می‌دادی؟ اگر راست می‌گویی بر ما عذاب
بفرست!

۶- کشتنی حضرت نوح په مخصوصیاتی داشت؟

۱- هود/۴۴

۲- مریبی به ترتیب از هر گروه یکی از سوالات را بپرسد و به آن‌ها امتیاز دهد.

۱۲۰۰ متر طول و ۳۰۰ متر عرض داشت و دارای سه طبقه بود.

۷- حضرت نوح ﷺ چند پسر داشت و نام پسر کافرش چه بود؟

۴ پسر، کنعان

۸- خداوند در جواب حضرت نوح که براي پسر خود تقاضاي نجات كرد چه فرموده؟

ای نوح! او ديگر از خاندان تو نیست و عمل او ناصالح است.

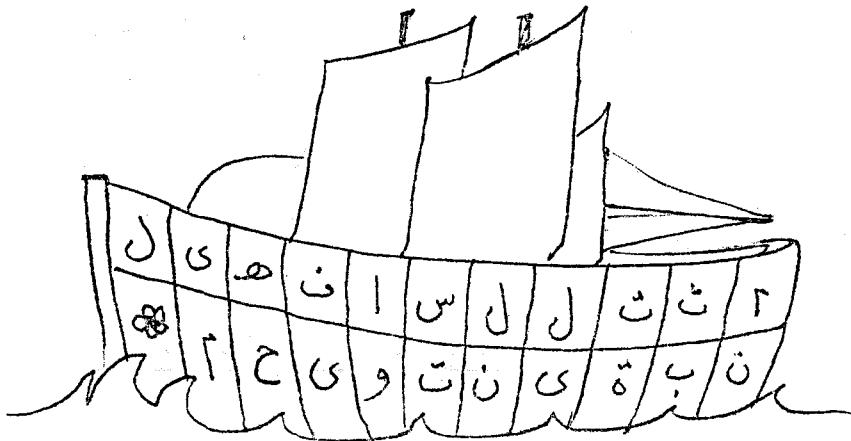
۹- مدت تبلیغ حضرت نوح ﷺ چند سال بود؟

۹۵۰ سال

۱۰- محل تولد و محل رسالت حضرت و مقدم نوح ﷺ کجا بود؟^(۱)

جواب: خاور میانه - فلسطین، شامات، عراق، نجف

تنها وسیله‌ی نجات در آن زمان کشته حضرت نوح ﷺ بود. برای این که بدانید وسیله‌ی نجات در زمان ما چیست، جدول زیر را با رمز عدد ۲ حل کنید.



۱- مربی وقتی که بچه‌ها مشغول جواب دادن به سؤالات هستند شکل یک کشتی می‌کشد و داخل آن را به صورت یک جدول ۲۲ خانه‌ای در می‌آورد.

پیام جدول، مطلبی است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَثْلُ أَهْلِ بَيْتٍ كَمَثْلُ سَفِينَةٍ
نُوحٌ مَنْ زَكَبَهَا نَجَنِي وَمَنْ تَحَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ»

«مَثَلَ أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ، مَثَلَ كَشْتِي حَضْرَتْ نُوحَ اسْتَ. هَرَكَسَ بِهِ آنَّهَا تَمْسِكَ بِيَدِا
كَنْدَ وَمَطْيَعَ فَرْمَانَهَايِ اِيشَانَ باشَدَ، اِزْگَمْرَاهِي نَجَاتَ پِيدَا مِنْ كَنْدَ وَهَرَكَسَ باَ آنَّهَا
مَخَالَفَتَ وَرَزَدَ غَرَقَ درَگَمْرَاهِي مِنْ شَوْدَ».
يَكَ دُعَا مِنْ كَنْمَ هَمَگِي آمِينَ بَگُورِيدَ.

خَداُونَدَا، ما رَا اَهْلَ بَيْتٍ پِيَامَبَرَ ﷺ جَدَا نَفَرَمَا!

والسلام

نام درس

حضرت داود علیه السلام

موضوع

قرآن

هدف کلی

علی رضا علی محمدی

دانشآموزان در این درس با طرز صحیح تلفظ سه حرف «ع»، «غ» و «واو» آشنا می‌شوند و قسمتی از زندگی حضرت داود علیه السلام را می‌آموزند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. طرز تلفظ معروف عین و غین و واو
۲. قسمتی از زندگی حضرت داود (ع)

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود پس از تمام شدن درس بتوانند:

۱. حروف «ع» و «غ» و «واو» را به صورت صحیح ادا کنند.
۲. خلاصه‌ای از داستان حضرت داود علیه السلام را توضیح دهند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی
۲. فعال (سوال و پاسخ)

رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه و گچ

حضرت داود صلی اللہ علیہ وسالہ وآلہ وسالم

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آنکه در جان و روان است توانایی ده هر ناتوان است.
سلام!.. این کارت‌ها را بگیرید و حرفی را که با رنگ قرمز^(۱) نوشته شده است سر جای خود که روی تخته سیاه می‌نویسم، نصب کنید.
روی تخته سیاه می‌نویسم.

ندان‌های آسیا	ندان‌های جلو	طبق
وعد	غفوراً	غريب
عمل	عمين	وزراً
ضل	صراط	ظهر
حفظ	تذہبون	مصر
		یشرب

سه حرفی که تا به حال طرز تلفظ صحیح آن را نگفتم، «ع»، «غ»، «و» است.
حرف «ع» در فارسی مانند همze (ء) تلفظ می‌شود، اما در عربی از حلق و با غلظت ادا می‌شود، مثل تعلمون.

حرف «غ» در فارسی مانند (ق) تلفظ می‌شود، اما در عربی از حلق (محل

۱- حروف قرمز در کارت‌ها عبارتند از: ع، غ، و، ط، ظ، ص، ض، ذ، ث، ح

غرغره) با نرمی و کمی کشش ادامی شود، مثل غَرِبُّ.

حروف «و» در فارسی با تماس دندان‌های بالا و پایین تلفظ می‌شود، اما در عربی بدون دخالت دندان‌ها و تنها از میان دو لب که به حالت غنچه در می‌آید، ادامی شود. مثل: وَعَدَ.

حالا از تکرار حرف آخر کلمه‌ی وعد چه به دست می‌آید؟ ۵۵

«دد» یعنی حیوان درنده، اگر بخواهی تو را «نَذَرَد» و «داد» و فریادت بلند نشود بله! خیلی سریع «دوید» و از آن جا فرار کرد.

حالا شما نام پیامبری را بگویید که حرف اول و آخر آن «د» باشد.

احسنست! نام ایشان حضرت داود ﷺ است.^(۱)

نام حضرت داود ﷺ شانزده بار در قرآن آمده است. من یکی از آیات را به این صورت در تابلو می‌نویسم. شما با کمک ترجمه‌ی آیه و حروف به هم ریخته، آیه را کامل کنید.

وَ قَتَلَ دَاوُدَ وَ أَتَتْهُ اللَّهُ الـ وَ الـ

و داود ﷺ جالوت را کشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت عطا فرمود.^(۲)

(ل - ج - ا - و - ت، ک - م - ل، ک - ح - م - ة)

- ای سموئیل پیامبر! باید فکری برای اداره‌ی حکومت کرد، تو پیامبر ما یی و ما تو را دوست می‌داریم، اما امت ما فرمانروای جنگ جو نیز می‌خواهد؛ فرمانروایی

۱- حضرت داود ﷺ از انبیاء بنی اسرائیل، فرزند یسی، پدر حضرت سلیمان ﷺ است.

۲- بقره / ۲۵۱

که فنون رزم بداند، سپاه آماده کند و بر ما حکم براند!

این خواسته‌ی بنی اسرائیل از سموئیل نبی بود، زیرا آنان از دشمن خود شکست خورده و صندوق مقدس را از دست داده بودند.^(۱)

سموئیل در برابر این درخواست مردم فرمود: شما مردمی بی وفا و سست عنصر هستید و من می‌ترسم روز جنگ فرمانروای خود را تنها بگذارید. آن‌ها پاسخ دادند: دشمن ما را از دیارمان بیرون رانده است، آیا گمان می‌کنی باز هم سستی خواهیم کرد؟

سموئیل فرمود: پس صبر کنید تا در این باره از خداوند دستوری برسد. خداوند نیز به پیامبرش وحی کرد و فرمود: من طالوت را به فرمانروایی آنان برگزیده‌ام، هر چند تو او را نمی‌شناسی، ولی او نزد تو خواهد آمد. طالوت جوانی بود با قامتی بلند، سینه‌ای عضلانی، بازویی ستبر، گردنی کشیده و چشمانی نافذ. او در آن سوی سرزمین سموئیل، همراه پدرش در مزرعه کار می‌کرد و روزگار می‌گذراند. تا آن که یک روز همراه شبانی از مزرعه‌ی پدرش در جست و جوی چارپایی گمشدۀ برآمد و تا کوه پایه‌هایی که نزدیک سرزمین

۱- صندوق مقدس به فرمان حضرت موسی طیلۀ برای حفظ شریعت و به عنوان یادگار خروج بنی اسرائیل از مصر، نجات از دست فرعون و استقلال دولت بنی اسرائیل ساخته شده بود. بر روی این صندوق، صورت دو فرشته حک شده بود و در درون آن الواح تورات، کاسه‌ای از مَنْ (انگبین) و عصای موسی جای داشت. این صندوق نزد همه محترم بود و در هر جنگ پیش‌اپیش لشکر برده می‌شد تا به احترام و دلگرمی آن در نبرد بکوشند.

حواشی شعرانی بر تفسیر ابوالفتوح رازی به نقل از حواشی ص ۱۷۹، تاریخ انبیاء، محمد جاد المولی تتفییج و ترجمه‌ی علی اکبر غفاری - محمد باقر موسوی.

سموئیل بود، رفت و مدت سه روز در آن حوالی همچنان سرگردان و حیران دنبال حیوان گمشده اش گشت.

او که گویا از این همه سرگردانی وجست و جوی بی حاصل خسته شده بود، با خودگفت: حالا که تا اینجا آمدم خوب است نزد سموئیل نبی بروم و برای یافتن حیوان از او راهنمایی بخواهم.

از آن طرف سموئیل نبی در میان امت خود ایستاده بود و پیام خداوند را برای آنان بازگو می‌کرد: «خداوند به من فرمود که...» اما سخن بر لبانش نیمه تمام ماند، زیرا درست از رویه روی او مردی درشت استخوان با قامتی بلند، نگاهی ژرف و بازویی ستر پیش می‌آمد و سموئیل بی درنگ دریافت که باید طالوت باشد. بنابراین جمله‌ی خود را چنین تمام کرد: آری! خداوند به من فرمود این مرد را که طالوت نام دارد به پادشاهی و فمانروایی شما برگزینم!

آری، به همان اندازه که مردم در شکفتی افتادند، طالوت نیز که اینکه به نزد سموئیل رسیده بود، از این سخن پیامبر خدا شکفت زده شد.

برخی از مردم با تحقیر به طالوت نگاه کردند و گفتند: اگر قرار باشد هر کس از راه برسد پادشاه ما شود، ما در بین خود افراد شایسته‌تری داریم.

سموئیل گفت: اما به خاطر داشته باشید که این فرمان خداست.

گفتند: چه نشانه‌ای بر صحت این امر داری؟

سموئیل نبی گفت: نشانه‌ی من این است که صندوق مقدس همین امروز به

برکت آمدن طالوت، به امت ما باز می‌گردد، از آن طرف پشت آن تپه!

همه به آن سمت دویدند و پس از آن که از تپه بالا رفتند، اربابهای را دیدند که چند گاو به آرامی آن را می‌کشند و صندوق مقدس بر روی آن است.

طالوت از همان آغاز فرمانروایی، هوشمندی و لیاقت خود را نشان داد و زمانی که همه آماده‌ی مبارزه با دشمن بودند فرمان داد که تنها کسانی لباس رزم بپوشند که به هیچ چیز دلستگی نداشته باشند.

پس از فراهم آمدن سپاه، طالوت پیروان خود را یک بار دیگر، هنگامی که به سوی لشکر دشمن خود «جالوت» می‌رفتد، آزمود و گفت: تا یک ساعت دیگر به نهری می‌رسیم که آبی زلال و گوارا در آن جاری است هیچ کس اجازه ندارد بیش از یک کف آب از آن بخورد!

از این دستور تنها کسانی که ایمانی استوار داشتند، پیروی کردند و به این ترتیب او کسانی را که به سخشن گوش داده بودند جدا کرد و در یک دسته سازماندهی کرد و لی دسته‌ی دوم را نیز در کنار سپاه خود به جنگ برد.

اینک جالوت، سرکرده‌ی سپاه کفر، با لشکری عظیم و سلاحی سنگین، رو به روی طالوت و سپاه او ایستاده بود. بُزدلان و سست ایمان‌ها، با دیدن سپاه انبوه جالوت، به ویژه قامت غول آسای جالوت بسیار ترسیدند، البته در میان سپاه طالوت مردان با ایمان هم کم نبودند. در این باره حکایت پسر نوجوانی که ایمان مستحکم او سپاه دشمن را از هم پاشید شنیدنی است.

پیرمردی از امت سموئیل که سه فرزند خود را همراه طالوت برای جنگ فرستاده بود، به فرزند کوچک‌ترش که نوجوانی بود، توصیه کرده بود در جنگ

شرکت نکند و تنها خبرهای دو برادر را به او برساند.

روزی که نبرد آغاز شد، به رسم آن زمان، جالوت خود تنها به میدان آمد و مبارز طلبید، ولی هر کسی که برای نبرد با او به میدان رفت، دیگر برنمی‌گشت و در همان لحظات اولیه کشته می‌شد. تا این که همین نوجوان که پدرش برای آوردن اخبار جنگ فرستاده بود. نزد طالوت آمد و گفت: بگذارید من نیز به جنگ او بروم!

- تو با این بی تجربگی و کم سالی بی درنگ شهید می‌شوی.

- من آماده هستم. در چنین جنگی، آدمی به پشتونهای سن و سال خودنمی‌جنگد، با ایمان خودمی‌جنگد.

او چنان با شور و حرارت سخن می‌گفت که طالوت ناگزیر پذیرفت و فرمان داد به او لباس و ابزار جنگی بدھند، اما او نپذیرفت و گفت: من با فلاخن خود می‌جنگم با همین فلاخن، پیش از این که به جنگ بیایم، خرسی را که در کوهستان به گله‌ی پدرم حمله کرده بود، کشته‌ام. مهم این است که بتوانی سنگ فلاخن را بادقت به جای درست بکویی!

بی اختیار احترام طالوت نسبت به شهامت و پاکی و صداقت این جوان برانگیخته شد با لبخندی تشویق‌آمیز او را تحسین کرد و گفت: نوجوان شایسته‌ای هستی، امیدوارم پیروز بشوی!

جالوت که وجودش از باد نخوت پُر بود، به داود گفت: پسر جان! می‌دانی چه می‌کنی و به جنگ که آمده‌ای، آن هم بی هیچ سلاحی؟! برگرد، حیف است در آغاز جوانی به دست من کشته شوی.

داود گفت: من با ایمان خود می‌جنگم و نیازی به سلاح ندارم. اکنون خواهی دید که با کمک پرورده‌گار خود، با همین فلاخن، دمار از روزگار تو در خواهم آورد.

داود بی‌درنگ سنگی درشت درفلاخن گذاشت و گونه‌ی راست جالوت را نشانه گرفت. طناب فلاخن را در دست‌های کوچک خود چرخاند و چرخاند تا آن که سرعت فلاخن زیاد شد و آن‌گاه انگشت را از حلقه‌ی بند فلاخن آزاد کرد و سنگ روزه کشان، چون شهاب، هوا را شکافت و گونه‌ی راست جالوت را خُرد کرد و خون بینی و چشم و دهانش را پوشاند. هنوز جالوت به خود نیامده بود که سنگ دوم با همان شدت و قدرت استخوان‌های گونه‌ی چپ او را خُرد کرد و سنگ سوم او را از اسب به زیر انداخت.

در این لحظه صدای هلهله از سپاه طالوت برخاست و لشکر جالوت پا به فرار گذاشت اما سپاهیان طالوت آن‌ها را تعقیب کردند و به هلاکت رساندند.

داود پس از این دلاوری اعتباری عظیم یافت و طالوت دختر خود را به همسری او درآورد و پس از طالوت جانشین او شد و به پیامبری رسید.

حضرت داود^{علیه السلام} حکومتی الهی بنیاد نهاد. در دوران حکومت او همه از عدالت و امنیت برخوردار بودند، چندان که حیوانات و پرندگان نیز از آزار مردم در امان بودند و او در کمال عدالت پیامبری و فرمانروایی می‌کرد. گفته‌اند که صدایی بسیار خوش داشت و زمانی که در محراب، زبور می‌خواند پرندگان دور او جمع می‌شدند.^(۱)

۱- سید علی موسوی گرمارودی؛ «دانستان پیامبران»، انتشارات قدیانی، ج اول، تابستان ۷۳، ج ۱.

اخلاق

نام درس

محمد رضا عابدی

دوستان و دشمنان خدا

موضوع

اخلاق

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با برخی از دوستان و دشمنان خدا آشنا می شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

(۱- نام سوره هایی از قرآن و شماره‌ی آن.

۲- چیزهای حق و باطل.

۳- نام پرخی از دوستان و دشمنان خدا.

۴- داستانی از پهنه مندی رزمدگان از محبت و دوستی خداوند.

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می رود در پایان درس علاوه بر آشنایی با نام گروهی از دوستان و دشمنان الهی سعی کنند در جبهه‌ی حق شرکت کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱- توضیحی - ۲- فعال (جدول، پاسخ و پرسش)

رسانه‌های آموزشی

تخنه سیاه - قرآن

دوستان و دشمنان خدا

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشنده‌ی مهریان، سلام! حالتان خوب است، دوست دارید
شروع برنامه با یک چیستان باشد؟

آن چیست که اشرف دین است اولش «باء» آخرش «سین» است؟^(۱)

آفرین! دوست شما جواب صحیح را داد، بله! آن کتاب آسمانی ما مسلمانان
«قرآن» است. حالا که صحبت از قرآن شد، من این قرآن^(۲) را به یکی از دوستان شما
(که از قبل وضو گرفته باشد) می‌دهم تا نام این شماره‌هایی را که در تابلو^(۳)

۶۴:

۱۰:

۱۱:

۱۰۴:

۱- مریب از قسمتی از تابلو، دو حرف «باء» و «سین» را بنویسد. آن گاه این گونه توضیح دهد: قرآن با آیدی «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده است و اول آن «باء» و آخرین کلمه‌اش «الناس» است که به «سین» ختم می‌شود.

۲- شایسته است مریب قرآن را به یکی از دانش آموزان بدهد و دانش آموز نیز ضمن توضیح مریب درباره‌ی سوره، نام سوره را جستجو کند. و آن گاه با اجازه‌ی مریب نام سوره را بگوید تا در کنار شماره‌ی آن بنویسد.

۳- مریب از قسمتی مناسب از تابلو شماره‌های سوره را زیر هم بنویسد و در کنار آن نام سوره‌ها را یکی بیاورد.

نوشته‌ام، با نام سوره‌های آن که در قرآن آمده است، تطبیق دهد و نام سوره را بگوید.

تا درکنار شماره‌ی سوره بنویسم.

اولین شماره، شماره‌ی ۶۲ است، چه سوره‌ایی از قرآن، شماره‌ی ۶۲ را دارد؟
این سوره به نام یکی از روزهای هفته است و در آن به شرکت در نمازی دسته جمعی سفارش شده است. شماره‌ی ۶۲، شماره‌ی سوره‌ی ^(۱)... است. من نام سوره را که «جمعه» است درکنار شماره‌ی مربوط به آن می‌نویسم.

حالا نام این سوره را حتماً می‌دانید حتی بدون مراجعه به قرآن هم می‌توانید نامش را بگویید. این سوره، هم بزرگ‌ترین سوره‌ی قرآن است و هم طولانی‌ترین آیه‌ی قرآن ^(۲) در آن قرار دارد.
آفرین! نام این سوره «بقره» است. پس درکنار شماره‌ی آن، یعنی شماره‌ی ^(۳)...

می‌نویسم.

حالا نوبت به سومین شماره در تابلو رسید. تا دوست شما نام یازدهمین سوره را بگوید، من هم عرض می‌کنم که این سوره به نام پیامبر قوم «عاد» است.
بله! نام پیامبر قوم «عاد» حضرت هود علیه السلام است. آن را درکنار شماره‌ی آن، یعنی شماره ^(۴) ... می‌نویسم.

۱- مربی نام سوره‌ی «جمعه» را در کنار شماره «۶۲» بنویسد.

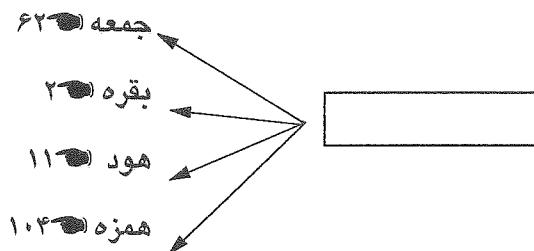
۲- آیه‌ی ۲۸۲

۳- مربی جمله را به حالت سؤالی ادا کند.

۴- شماره‌ی «۱۱».

آخرین شماره، شماره‌ی ۱۰۴ است، این سوره^(۱) به معنای نام کسی است که به مردم طعنه‌ی بسیار می‌زند و از آنان بسیار عیب جویی می‌کند. در این سوره خداوند متعال کار این گروه از مردم را بسیار نکوهش کرده و وعده‌ی عذاب به آنان داده است.

با نام ۴ سوره و شماره‌های ترتیب آن در قرآن آشنا شدید. این سوره‌ها برای ما یک پیام هم دارند، چه کسی می‌تواند آن پیام یک کلمه‌ای را بگوید؟



راهنمایی می‌کنم: شما حرف اول این چهار سوره را طوری در کنار هم قرار دهید که یک کلمه‌ی با «معنا» به دست آورید. آفرین! هر کس کلمه‌ی «جبهه» را گفت جواب صحیح داد.

راستی جبهه در لغت به چه معنایی است؟ بله! برای سربازان مشغول جنگ در مقابل دشمن، خط خارجی که تشکیل می‌شود، جبهه نامیده می‌شود.^(۲)

راستی! جبهه برای شما یادآور چه چیزی است؟
بله! جبهه یادآور جنگ و ستیز، پیکار و نبرد، جهاد و شهادت، ایثار و فداکاری

۱- هُمَّةٌ: کسی که بدون جهت به دیگران طعنه فراوان می‌زند و عیب جویی و خردگیری می‌کند؛ عیب جویی که در واقع عیب نیست و با این کار آنان را رنج می‌دهد. «مجموع البيان»، ج ۱۰ ، ص ۵۳۷ .
۲- محمد معین: «فرهنگ فارسی»، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶ ، ج ۱۱ ، ج ۱ ، ص ۱۲۱۶ .

و... است، اما آیا نام جبهه ایی را می توانید بگویید که نبرد در آن همیشگی است؟ اگر به این طرح^(۱) توجه کنید، به خوبی خواهید توانست نام این جبهه را بگویید. افرادی در این جبهه با گروهی دیگر مشغول جنگ هستند؛ جنگی دائمی. هر گروه مشخصاتی دارند که آنها را از افراد مقابل خود جدا می سازد.

خوب! آیا می توانید نام این گروهها را بگویید؟ گروه حق، گروه باطل
راستی! در جبهه‌ی حق، برای چه می جنگند؟.. زمین، ثروت، قدرت و... بله"
 فقط برای خدا. من نام «الله» را روی سنگر حق طلبان در پرچم آنان می نویسم.^(۲)
 په پیروان او چه می گویند؟ حزب الله^(۳)

اما در چبهه‌ی باطل، گروهی که در آن چا مشغول نیبردند، برای چه کسی
 آفرین! برای شیطان.
 په پیروان او چه می گویند؟ حزب الشیطان.^(۴)

می دانیم که در جبهه‌ی حق دوستان خدا جمع شده‌اند و در جبهه‌ی باطل
 دشمنان خداگرد آمده‌اند. دوست دارید با افراد این دو جبهه آشنا شوید؟ برای آشنا
 شدن با افراد هر گروه باید حروف داخل این طرح را با راهنمایی من در کنار هم قرار
 دهید تا نام آنها را به دست آورید و با برخی از خصوصیات و صفات آنان آشنا

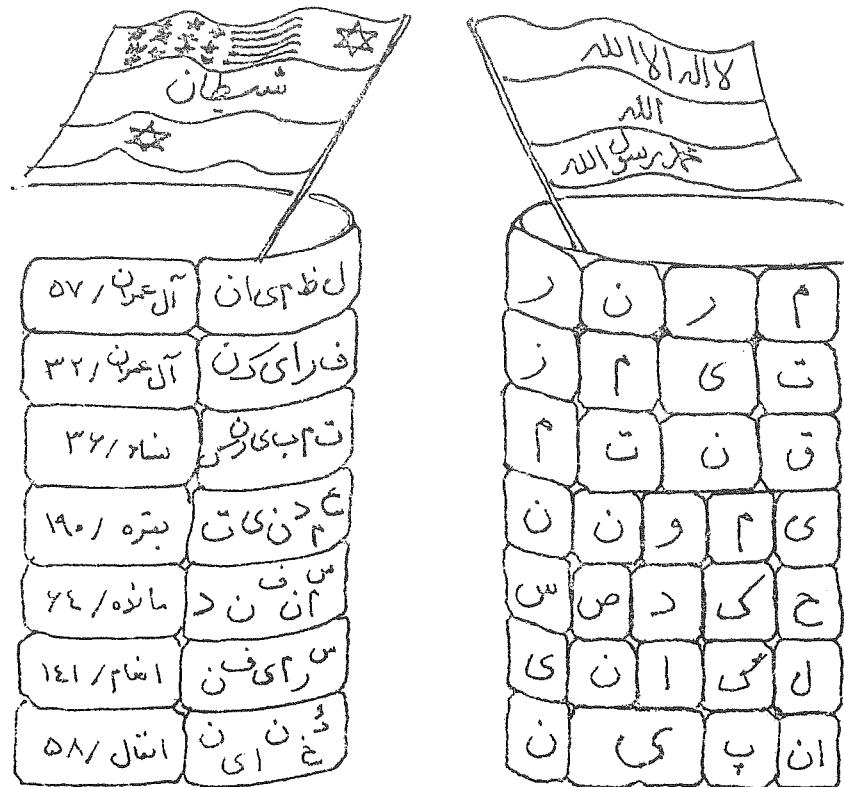
۱- مریم طرح ضمیمه را از قبل آماده و یا در تابلو (مرحله به مرحله) تکمیل کند.

۲- مریم در پرچمی که در طرح کشیده شده است نام «الله» را بنویسد.

۳- مریم در بالای سنگر جبهه‌ی حق کلمه‌ی «حزب الله» را بنویسد. این نام برگرفته از آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی مائدہ است.

۴- مریم کلمه‌ی «حزب الشیطان» را در بالای سنگر جبهه‌ی باطل زیر پرچم بنویسد. این نام برگرفته از آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی مجادله است.

شوید، ما از ججههی حق از اولین خانه‌ی آن که حرف «میم» است شروع می‌کنیم.



و خانه‌ها را چهارتا می‌شماریم تا نام گروه اول را به دست آوریم.. بله!.. م،
ت و... متقین.

دوسستان من این گروه، نمونه واسوهای بزرگ دارند کسی که برای همه‌ی پرهیزکاران و افراد باتقوا الگو است. او کیست؟^(۱)

با دقیقیتی از زندگی سراسر تقوای او گوش کنید و نام او را بگویید.

-۱- مریمی از دانش آموزان بخراهد تا وقتی که اجازه نداده است، نام او را نگویند.

در جنگ احزاب شرکت کرد. یکی از شجاعان معروف عرب مبارز می‌طلبید ولی هیچ یک از مسلمانان جرأت نمی‌کرد پیش رود و با او تن به تن بجنگد. یکی از مسلمانان خدمت رسول خدا^{علیه السلام} آمد و اجازه‌ی رزم خواست. حضرت پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود: «هذا عمرو بن عبدود» این مرد عمروین عبدود است. او هم نام خود راگفت. وقتی به میدان رزم رفت. حضرت محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود: «تمام اسلام با تمام کفر رو به رو شد.» بعدها می‌فرمود: «یک شمشیر زدن او در جنگ خندق با ارزش تر از عبادت جن و انس بود.»

با اجازه‌ی پیامبرگرامی^{صلی الله علیه و آله و سلم} به جنگ عمروین عبدود رفت و او را بزمین زد. بر سینه‌اش نشست خواست سرش را جدا کند. به یک مرتبه از جا برخاست....!! و برای لحظه‌ای از آن جا دور شد و دوباره به طرف او بازگشت. بعدها وقتی علت را از او پرسیدند، گفت: «موقعی که او را بر زمین انداختم به من ناسزا گفت، من هم غضبناک شدم و ترسیدم اگر در حال خشم او را بکشم، این عمل من به واسطه‌ی تسلی نفس باشد، برای همین اندکی تأمل کردم، خشیم فرو بنشیند، آن گاه از برای رضای خدا و در راه فرمانبرداری او سرش را جدا کردم.»^(۱)

شما حتماً بارها این داستان را شنیده‌اید و نام او را هم می‌دانید، او نمونه‌ایی از افراد جبهه‌ی حق است که از محبت الهی و حمایت‌های الهی بهره‌مند است.^(۲) حالا که با گروه اول آشنا و برخی از صفات آنان را دانستید، شمارش را ادامه

۱- محمد محمدی اشتهرادی: «داستان‌ها و پندها»، پیام آزادی، تهران، ۱۳۶۵، ج ۱، ج ۴، ص ۱۴۱.

۲- مریمی می‌تواند به آیه‌ی ۷۶ از سوره‌ی آل عمران: «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» و ترجمه‌ی آن هم اشاره کند.

می‌دهیم تا با گروه بعدی هم آشنا شویم. بله!... ص، ا، و.. صابرین^(۱)، این گروه در برابر مشکلات جنگ صبر می‌کنند و پاداش آن را هم از خدا می‌گیرند. گروه‌های بعدی^(۲) از جبهه‌ی حق صفاتی دارند که فقط به طور خلاصه اشاره می‌شود. باز شمارش را ادامه می‌دهیم. بله!... گروه بعدی محسینین^(۳) و گروه‌های دیگر متولکلین^(۴) و رزم‌مندگان^(۵) هستند.

حالا آیا دوست دارید داستانی هم از آخرین گروهی که نامشان از میان سنگر جبهه‌ی حق به دست آمد، بشنوید، گروهی که از محبت خداوند هم در دنیا و هم در آخرت بهره‌مند هستند و خداوند متعال نیز از آنان حمایت می‌کند؟

او یکی از یاران پیامبر ﷺ بود و در تیراندازی مهارت داشت. در جنگ احمد تا آخرین لحظه ثابت قدم ماند و از حریم اسلام دفاع کرد. در همین جنگ بود که توانست دو نفر از پسران فرماندهی کافران را به هلاکت برساند. مادر این دو پسر که در میدان جنگ حضور داشت پرسید چه کسی فرزندان مرا کشت؟ گفتند: عاصم، او با ناراحتی گفت: اگر بر او دست پیدا کنم انتقامی سخت از او خواهم گرفت، از کاسه‌ی سرا او کاسه‌ای خواهم ساخت و در آن شراب خواهم نوشید. هر کس سرا او

۱- مریبی برای اشتباه نشدن حروف با هم می‌تواند حروفی را که مصرف کرده است، علامت گذاری کند. در مورد صابرین هم می‌تواند به آیه‌ی ۱۴۶ از سوره‌ی آل عمران: «...وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» و ترجمه‌ی آن اشاره کند.

۲- مریبی با استفاده از تابلو و همکاری دانش‌آموزان، نام گروه‌ها را به ترتیب در تابلو بنویسد و با توجه به آدرس آیات در پاورپوینت، توضیحی کرتاًه از ترجمه‌ی آیه بدهد.

^۳- ان الله يحب المحسنين، بقره، ۱۹۵

^۴- «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزِمتْ فَتَوَكِّلْ عَلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَرَكِلِينَ» آل عمران، ۱۵۹

^۵- «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الظَّالِمِينَ يَقْاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ حَسْنَاتِهِمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ»، صف، ۴.

را برای من بیاورد ۱۰۰ شتر به او جایزه خواهم داد.» مدتی گذشت تا این که جنگ دیگری برای مسلمانان پیش آمد. عاصم هم در آن جنگ شرکت کرد کافران که به دنبالش بودند، او را در مکانی محاصره کردند ولی او با تمام قدرت مقاومت کرد و هر چه تیر داشت به سوی آنان پرتاب کرد، بسیاری از یارانش شهید شدند، آن گاه با نیزه به جنگ دشمن رفت و بعد با شمشیر با آنان رو به رو گردید و سرانجام به شهادت رسید. او هنگام شهادت این گونه دعا کرد: «خدایا! من از دین تو تا آخرین لحظه دفاع کردم، تو هم در آخر روز از جسدم حمایت فرما.»

این دعا از آن جهت بود که می‌دانست کافران با او دشمنی سختی دارند و گروهی برای رسیدن به جایزه در صدد فرستی هستند تا سرش را از بدن جدا کنند و صد شتر جایزه بگیرند.

وقتی مشرکان فهمیدند عاصم شهید شد، به طرف او حمله ور شدند ولی وقتی به جسد عاصم رسیدند با انبوهی از زبورهای عسل مواجهه شدند که مانند قطعه ابری از بدنش محافظت می‌کردند. و به هر کسی که جلو می‌رفت حمله می‌کردند و او را از کنار جسد دور می‌کردند. آنان که ناگزیر به عقب نشینی شده بودند با خود می‌گفتند: وقتی شب فرا رسید، زبورها می‌روند آن گاه سر او را از تنش جدا خواهیم ساخت.

شب نیز فرا رسید و این بار ابرهای باران زا سراسر جبهه را پوشاندند و باران سیل از ابرها جاری شد و رعد و برق و طوفان منطقه‌ی عملیاتی را فراگرفت اوضاع چنان شد که هر چه کافران تلاش کردند نتوانستند جسد عاصم شهید را بیابند، برای همین

مایوس شدند و برگشتند. بله! دعای عاصم مستجاب شده بود.^(۱)

با نمونه هایی از افراد جبههی حق آشنا شدید برخی از صفات این گروه را دانستید، اگر دوست دارید با صفات گروه مخالف هم آشنا شوید، نام سوره ها و شمارهی آیاتی را که در کنار حروف به هم ریخته آمده است، یادداشت کنید و از قرآنی با ترجمهی فارسی، مهم ترین ویژگی این گروه ها را بنویسید و برای جلسه ای دیگر آماده کنید و تحويل دهید.

امیدواریم که همه از افراد جبههی حق باشیم. دعای پایانی را می خوانم. شما

فقط بگویید خدایا، خدایا، خدایا

خدایا، خدایا، خدایا

خدایا ریشه کن کُن ظالمین را

خدایا، خدایا، خدایا

بشوی ازلوث ناپاکان زمین را

خدایا، خدایا، خدایا

به حق احمد و آلس برافراز

خدایا، خدایا، خدایا

لوای رحمت للعالمین را

خدایا، خدایا، خدایا

به جز حب علی چیزی نداریم

خدایا، خدایا، خدایا

نگهدار از برای ما همین را

والسلام

۱- محمد محمدی اشتهرادی: «داستان دوستان»، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۱۸.

نام درس

محمد رضا عابدی

خطاپوشی

موضوع

اخلاق

هدف کلی

دانشآموزان در این درس، با یکی از صفات اخلاقی، یعنی خطای خطاپوشی آشنا می‌شوند و می‌فهمند که خداوند متعال، خطای خطاپوش و آمرزند و وظیفه‌ی ما هم گذشت از خطای دیگران است.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس لازم است موارد زیر را درک کنند:

۱. خطای پوش پودن خداوند متعال.
۲. خطای پوشی پیامبر ﷺ.
۳. موارد مختلف خطای پوشی.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود که آیه ۲۲ نور را حفظ کنند و در زندگی از خطای دوستان خود بگذرند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی، ۲. فعال (پرسش و پاسخ، پارچه با کلمات، چدول)

رسانه‌های آموزشی

۱. تخته سیاه و کچ
۲. قرآن

خطا یووش

به نام خداوند.... بخشندۀی..... مهریان

بچه‌ها! سلام. حال شما خوب است؟

لطف کنید و به سوال‌های من پاسخ دهید.^(۱)

ده تا، تعداد فروع دین^(۲) چند تاست؟

نماز اول:

بعد از نماز آن چه که حیلی سفارش شده است و پسیار هم تُواب دارد

تسبيح حضرت زهرا عليها السلام^(۳) چيست؟

تعداد اين تسبيح‌ها چند تاست؟

۱۰۰ صد تا، ۳۴ بار «الله اکبر»، ۳۳ بار «الحمد لله»، ۳۳ بار «سبحان الله».

گاهی نمازهای واجب را به صورت شکسته^(۴) به جا می‌آوریم. یکی از موارد، جایی است که بخواهیم در سفر نماز به جا بیاوریم.

۱- مریبی جواب صحیح را در تابلو به صورت (۱۰ ← ۱۰۰ ← ۱۰۰۸ ← ختا ← خط) می‌نویسد تا بتواند با ترکیب آن‌ها، کلمه‌ی مورد نظر (خطا) را رسم کند.

۲- فروع دین: ۱- نماز ۲- روزه ۳- خمس ۴- زکات ۵- حجع ۶- جهاد ۷- امر به معروف ۸- نهى از منکر ۹- تولی ۱۰- تبری

۳- رساله‌ی توضیح المسائل مرحوم آیت‌الله ارجمند ارجمند احکام نماز، تعقیب نماز، مسئله‌ی ۱۱۱۴

۴- همان، نماز مسافر، مسئله‌ی ۱۲۶۴

آیامی تو ایندیگو بیدرچه مساقی نمایز به صورت سکسته خوانده می شود هشت فرسخ^(۱)

چه کسی می تواند این کلمه^(۲) را بخواند؟ ختنا!

تا کنون چنین کلمه‌ای در بین لغت‌ها دیده‌اید؟ شاید این کلمه اشتباه باشد! بله

این کلمه به معنای «اشتباه» است و صحیح آن، این گونه «خطا» نوشته می‌شود.

حالا، نمونه‌هایی از کارهای اشتباه را نام ببرید.

آفرین! درس نخواندن، دعوا کردن، زورگویی، رعایت نکردن حق دیگران،

دوستی با افراد بد، دست انداختن دوستان برای مسخره کردن و...

البته این کارهای اشتباه، قابل بخشش است، کارهای اشتباهی نیز داریم که خدا

از آن‌ها سؤال خواهد کرد. نمونه‌ای از آن نوع اشتباه در قرآن آمده است، مثلاً:

عرب‌ها، فرزندان دختر خود را زنده به گور می‌کردند^(۳) و یا....

ما همه دوست داریم که دیگران اشتباهات ما را ببخشند و خدا هم از گناهانی که

کرده‌ایم صرف نظر کند.

راستی چه کنیم تا خدا آن‌ها را ببخشد؟

خداآوند متعال در قرآن فرموده است اگر می‌خواهید شما را ببخشم و از کارهای

اشتباه شما صرف نظر کنم، چه کار کنید؟ جدولی^(۴) در تابلو رسم می‌کنم آن را با هم

۱- ۴۵ کیلومتر.

۲- مرتبی عدد «۱۰۰۸» را به صورت کلمه‌ی «ختنا» در می‌آورد.

۳- مرتبی جهت اطلاع پیشتر می‌تواند به آیه‌ی ۳۱ سوره‌ی اسراء و آیات ۸ و ۹ سوره‌ی تکویر مراجعه کند.

۴- رمز جدول «۴» است. حرف «ش» خانه‌ی شماره‌ی «۱» را انتخاب کنید. بعد از آن، چهار خانه شماره کنید. خانه‌ای را که شماره‌ی آن چهار باشد، در کنار حرف «ش» بنویسید و ادامه دهید... پیام جدول: «شما هم دیگران را ببخشید» سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۲، «ولیعفووا....»

حل کنیم تا بدانیم خداوند چه دستوری به ما می‌دهد.

۵	۴	۳	۲	۱
۱۰	۹	۸	۷	۶
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
۲۰*	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶

سؤال‌ها:

مشهد (۱۶-۱۳-۱-۵)

- مرکز استان خراسان:

بدر (۷-۱۶-۱۹)

- محلی پین شهرمه و مدینه کجنه معروف در آن واقع شد:

نخی (۳-۴-۱۲)

- نوعی پارچه که از پنجه تهیه می‌کنند:

شبیه (۱۵-۶-۱۳)

- مثل و مانند:

گام (۱۰-۱۸-۱۷)

- قدم (یک پا):

دارا (۲-۹-۱۴-۱۱)

- ثروتمند:

پیام جدول مضمون ترجمه‌ی آیه‌ای از قرآن است که راه رسیدن به آمرزش الهی را به ما نشان می‌دهد. آن پیام این است: «شما هم دیگران را ببخشید».

گاهی انسان اشتباهاتی می‌کند و در پی آن از خدا می‌خواهد او را بیامرزد.

«وَلْيَغْفُوا وَلْيُصْقَحُوا أَلَا يُجْبِونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ...» (۱)

ترجمه: «و باید از یکدیگر درگذرید و از خطاهاي یکدیگر چشم بپوشيد، آيا دوست نداريد خدا شما را بیامرزد...»

با توجه به پیام جدول که ترجمه‌ی قسمتی از آیه است، باید ما هم در صدد باشیم از خطاهای دوستان خود چشم پوشی کنیم؛ چه کسی می‌تواند مثالی بزند؟ بله! مثل: برداشت قلم و کتاب، ناسزاگویی، پشت پا زدن، البته از روی نادانی و غفلت و... زیرا گذشت و خطاب‌پوشی از طرفی به دستور خداوند و از طرف دیگر پیروی از رفتار رسول خدا^{صلوات‌الله‌علی‌هی} است که از تقصیر دیگران چشم پوشی می‌کرد.

در حضور پیامبر^{صلوات‌الله‌علی‌هی} بین مسلمانان و بت پرستان نبردی^(۱) سخت در دامنه‌ی کوه احمد برقرار شد. در جریان این نبرد، نمونه‌هایی از گذشت پیامبر^{صلوات‌الله‌علی‌هی} نسبت به خطای دیگران به چشم می‌خورد، برای شناخت آن‌ها به این داستان توجه کنید، شاید هم آن را در فیلم محمد رسول الله دیده باشید. بله در این جنگ شخصی مرتکب خطایی بسیار بزرگ شد پیامبر^{صلوات‌الله‌علی‌هی} او را بخشدید. او خود را این‌گونه معرفی می‌کند، آیا می‌توانید او را شناسایی کنید.^(۲)

در میان قبایل بت پرست زندگی می‌کردم و برده‌ای سیاه بودم که بارها در جنگ‌های مختلف شرکت کرده بودم. در جریان جنگ‌های سختی که بین مسلمانان و بت پرستان در می‌گرفت، کفار برای پیروزی خود از من استفاده می‌کردند در این مدت با هدف‌گیری دقیقی که داشتم توانستم فرماندهان مختلفی را از پای درآورم و به این وسیله در بین سربازان سپاه دشمن تزلزل ایجاد کنم. یکی از مهارت‌های خاص من، کار با نیزه بود. چنان در پرتاب نیزه، مهارت داشتم که به راحتی هر چه را

۱- جنگ احمد، از حوادث سال سوم هجرت.

۲- مریمی از دانش آموزان تقاضا می‌کند تا پایان شرح ویژگی‌های این شخصیت، نام او را نگویند و هنگامی که از آن‌ها خواست، همه با هم نام او را بگویند.

می خواستم، شکار می کردم. فقط کافی بود صاحب من، هدف را نشان دهد، کوشش من این بود که صاحب خود را راضی کنم و در این راه همیشه، موفق بودم. روزی، صاحب من پیشنهاد عجیبی کرد. او سه نفر را به من معرفی کرد تا از میان آن‌ها یکی را انتخاب کنم و با نیزه او را به قتل برسانم، صاحب من می خواست با این کار از کشته شدن پدرش در جنگ بدر، که یک سال قبل، اتفاق افتاده بود، انتقام بگیرد.^(۱)

این بار هدف من افسری رشید در میان سپاهیان اسلام بود کسی که به راحتی توانسته بود یکی از شجاعان عرب و قهرمان بزرگ لشگر^(۲) را از پای درآورده اصل همین امر باعث ایجاد کینه میان صاحب من و سپاه اسلام شده بود، لذا او تصمیم داشت به هر قیمتی که شده، از او انتقام بگیرد، حتی از من خواست بعد از کشتن، جگرش را از سینه اش بیرون بکشم. و برایش ببرم. به زودی جنگ سختی میان دو سپاه درگرفت، در میان مسلمانان او را جستجو می کردم. وقتی به چشم خود دیدم چه دلاورانه می جنگد و هیچ کس قدرت رویارویی با او را ندارد، فهمیدم که من هم نمی توانم با او رو به رو شوم، لذاحظه‌ای مناسب، نیزه‌ام را به طرفش پرتاب کردم. وقتی او شهید شد، مسلمانان بسیار ناراحت شدند، تا جایی که پیامبر ﷺ دستور داد برای او عزاداری کنند.^(۳) آری! او نه تنها عمومی حضرت ﷺ بود، برای پیروزی اسلام و حفظ مکتب نیز زحماتی فراوان متحمل شده بود.

۱- جعفر سبحانی: «فروع ابدیت»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۲، ص ۴۷۷ تا ۴۷۹.

۲- نام او «شیبیه» بود، او در جنگ بدر از میان سپاه قریش در سال دوم هجری به هلاکت رسیده بود. همان.

۳- همان، ص ۷۰۴ تا ۷۰۸، فصل ۴۸.

آیا شما نام آن شهید بزرگوار اسلام را می‌دانید؟ حضرت حمزه سید الشهداء علیه السلام بعد از شهادت آن حضرت به انتظار وعده‌ای^(۱) که داده بودند، نشستم، ولی آنان به وعده‌ی خود عمل نکردند تا بعد از فتح مکه و پیروزی مسلمانان، نتوانستم در مکه بمانم، یعنی چاره‌ای جز فرار نداشتیم، بنابراین با همراهی گروهی به طرف شهر «طائف» گریختم و مدت‌ها گذشت تا آن که سخنان عجیبی از گذشت و بخشش پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم شنیدم. بله! من شنیدم که آن حضرت جنایات قریش را نادیده گرفته و عفو عمومی اعلام کرده است و این گونه بود که من هم امیدوار شدم، نامه‌ای به خدمت رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرستادم که در آن ضمن عذر خواهی درخواست کردم مسلمان شوم و از رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم خواستم اگر راهی برای بخشش من وجود دارد، به من نشان دهد تا به آن عمل کنم.

از طرفی دیگر شنیده بودم که به رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم آیه‌ای نازل شده که در آن وعده‌ی بخشش گناهان داده شده است؛^(۲) به این مضمون:

«از رحمت خدا مأیوس نباشد، خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد.»

بعد از مدتی که مطلع شدم پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم مرا بخششیده است، خدمت آن حضرت صلوات الله علیه و آله و سلم مشرف شدم، رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم از من خواست که توضیح دهم که چگونه عمویشان را شهید کردم. من هم واقعه را توضیح دادم چون پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم علاقه‌ی فراوانی به عمومی خویش حضرت حمزه علیه السلام داشت، بسیار منقلب شد از

۱- وعده‌ی «آزادی».

۲- زمر، ۵۳

من خواست دیگر با آن حضرت ﷺ رو به رو نشوم تا چهره‌ی مرا نبیند.
من هم، از آن به بعد، به طرف شام رفتم و همان جا اقامت کردم تا دستور رسول
خدا ﷺ را به جا آورده در مقابل گذشت و بخشش او کاری هر چند کوچک کرده
باشم.

ما وقتی می‌بینیم پیامبر ما حضرت محمد ﷺ چگونه از خطایی به آن بزرگی
گذشت باید از خطاهای کوچک دوستان خود بگذریم.. راستی نام مرا
نگفتید! نام من وحشی بود.

أحكام

نام درس

حسن مینا

کفت و گو با دوست

موضوع

احکام

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با ترجمه‌هی نماز و ضرورت دانستن آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

- (۱) لذوم یاد گرفتن ترجمه‌ی نماز.
- (۲) ترجمه‌ی قسمت‌های مختلف نماز.

هدف رفتاری

از دانش آموزان انتظار می‌رود در پایان درس به یادگیری و ترجمه‌ی نماز اهمیت دهد و بتوانند الفاظ نماز را ترجمه کنند.

روش‌های مناسب تدریس

- (۱) توضیحی ۲. فعال (مسابقه، سؤال و جواب)

رسانه‌های آموزشی

تابلو (وایت برد، تخته سیاه)، کارت مسابقه

کَفْت وَ كَوْبَدْ دُوْسْت

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم! حالتان خوب است بچه‌ها! شما کارهای خوب را دوست دارید یا کارهای بد را؟ معلوم است کارهای خوب را! آیا می‌توانید چند تا کار خوب رامثال بزنید؟.. کمک به پدر و مادر، خوب درس خواندن، قرآن خواندن و... خیلی خوب! حالا یک کار خوب هم است که ما می‌توانیم با انجام دادن آن کلید بهشت را به دست آوریم.^(۱) آیا می‌توانید حدس بزنید این کار خوب چه کاری است؟ نماز آفرین! نماز است که ما به وسیله‌ی آن کلید بهشت را به دست می‌آوریم باخدای خود صحبت می‌کنیم زیرا در نماز ما با خدا ارتباط برقرار کرده و از او طلب رحمت می‌کنیم البته اگر معنای نماز را ندانیم ارتباط با خدا بیشتر خواهد شد.

آیا شما می‌توانید به من بگویید معنی این عبارت چیست؟ «اکین کی دسک»؟ صبر کنید یک خاطره برایتان تعریف کنم.

روزی یکی از رفیق‌های من همراه یک فرد خارجی نزد من آمد و گفت ما آمده‌ایم یک روز در شهر شما بمانیم و آثار باستانی شهرستان را ببینیم. فرد خارجی رو به من کرد و گفت: «اکین کی دسک اکین کی دسک». من به او گفتم چه می‌گویی؟ او گفت: اکین کی دسک. من گفتم: بله؟

۱- الصلة مفتح الجنة.

او عصبانی شد و با صدای بلند گفت: «...کین.. کی دسک.» من هم فریادکشیدم و بلند گفتم: من.. نمی فهمم. دوستم که برای چند لحظه به بیرون رفته بود، به داخل اتاق آمد و گفت: چه شده که این طور فریاد می کنید؟ من گفتم: که او می گوید «اکین کی دسک» و من هر چه می گویم منظور تو چیست؟ نمی فهمد چه می گویم. خنده اش گرفت و گفت او دارد احوال پرسی می کند و می گوید. حالتان چطور است؟

من گفتم: خوب از اول می گفتی؟ بعد هم به آن فرد خارجی گفتم: اکین کی دسک. او نیز چشمانش را تنگ تر کرد و خنده دید و سرش را تکان داد. خوب! حالا شما که می خواهید در نماز با خدا صحبت کنید اگر نتوانید معنی حرف های خود را بفهمید آیا می توانید بگویید با خدا گفت و گو کرده اید، آیا وقتی می گویید «ایاک نعبد و ایاک نستعین»، می توانید بگویید که حقیقتاً منظورتان چیست؟ آیا تنها تکرار کردن طوطی وار یک جمله گفت و گو با خدادست؟ خیر، بلکه باید همه سعی کنیم هر چه می گوییم معنا یش را هم در نظر داشته باشیم، مثلاً وقتی در نماز می گوییم: «اهدنا الصراط المستقیم» ما را به راه راست هدایت فرما، اگر ندانیم چه می گوییم و در فکر دیگری باشیم، اینجا حرفمن با فکرمان مخالف خواهد بود و مثل این است که دروغ گفته ایم، امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی می گویی «الله اکبر» باید همه‌ی هستی در نظر تو کوچک باشد و گرنه اگر به زبان بگویی خدا بزرگ تراز هر چیزی است ولی در فکر چیزهای دیگری، باشی به تو خطاب می شود

که دروغ می‌گویی و خداوند نیز می‌فرماید: «آیا مرا فریب می‌دهی؟»^(۱)

خوب عزیزان من! سعی کنید به خوبی ترجمه‌ی نماز را به خاطر بسپارید تا
بتوانید به بهترین وجه با پروردگار تان صحبت کنید.

حالا برای این که مروری بر معانی و ترجمه‌ی نماز بکنیم و آن را به خوبی یاد
بگیریم یک مسابقه برگزار می‌کنیم. چه کسانی می‌خواهند در این مسابقه شرکت
کنند؟... خوب همه‌ی شما در این مسابقه شرکت کنید و اگر هم دوست داشتید در
جلسات آینده هم این مسابقه را انجام می‌دهیم حاضرید... بله: بلند جواب دهید.

ببینید عزیزان من! من آیات قرآن و ذکرها ی را که در نماز خوانده می‌شود در
تعدادی کارت نوشته‌ام.^(۲)

۱- ملا محسن فیض کاشانی، «مهرجه الیضاء»، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- مربی محترم قسمت‌های مختلف نماز را طبق شکل روی کارت‌هایی به اندازه کارت ویزیت ۲۲ عدد
که حدوداً ۸ سانتیمتر در پنج سانتیمتر است، می‌نویسندو در پشت آن کارت هم آن را ترجمه می‌کنند. سپس
مسابقه را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهد و در نهایت آن را برای یک گروه ۱۲ نفری (عدسته دونفری) اجرا
می‌کند. اگر کلاس جمعیت کم‌تری داشت، مربی محترم قسمتی از کارت‌ها را حذف کند و اگر جمعیت بیشتری
حضور داشتند ۱۲ نفر را در مسابقه شرکت می‌دهند.

پیش‌تکارت روی کارت

به نام خدای بخشندۀ مهریان
ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است.
بخشندۀ و مهریان است
مالک و فرمانروای روز چهارت
فقط تو را می‌پرسیم و فقط از تو کمک می‌جوییم
ما را به راه راست هدایت فرمای
راه کسانی که به آیان نعمت بخشیده‌ای
نه راه کسانی که برآنان خشم گرفته‌ای و نه گمراهان
بگو اوست خدای یگانه
خدای بی نیاز است، فرزندی نزاده و زاده نشده است.
←

- ۱- بسم الله الرحمن الرحيم
- ۲- الحمد لله رب العالمين
- ۳- الرحمن الرحيم
- ۴- مالك يوم الدين
- ۵- اياك نعبد و اياك نستعين
- ۶- اهدنا الصراط المستقيم
- ۷- صراط الذين انعمت عليهم
- ۸- غير المغضوب عليهم ولا الضالين
- ۹- قل هو الله احد
- ۱۰- الله الصمد لم يلد ولم يولد

اکنون من نحوه اجرای مسابقه را برای شما شرح میدهم.

۱- من به هر نفر دو کارت می دهم. به مراحل آن دقت کنید!

۲- سه دقیقه فرصت دارید که متن و ترجمه‌ی کارت را به خوبی به خاطر بسپارید.

۳- دو نفر، دو نفر گروه تشکیل دهید و خود را برای مسابقه آماده کنید.

۴- دو گروه، دو گروه به جایگاه بیایید و پس از این که کارت‌های خود را با گروه مقابل عرض کردید، ترجمه‌ی قسمت‌ها را از هم بپرسید.

در نهایت من داوری می‌کنم و بقیه‌ی دوستان، شما را تشویق می‌کنند. هر کسی به سؤالات پاسخ کامل بدهد برای هر سؤال یک امتیاز می‌گیرد. در ادامه به دوره‌ی

و هیچ کس همانند او نیست.

پروردگار بزرگم را پاک و منزه می‌دانم و او را می‌ستایم

پروردگار والامرتبه منزه را می‌دانم و او را می‌ستایم

به نیرو و خواست خدا بر می خیزیم و می‌نشیشم

پرورگار در دنیا و آخرت به ما نیکی فرمای

و ما را از عذاب آتش دور دار.

۱۱- ولم يكن له كفواً أحد

۱۲- سبحان رب العظيم وبحمده

۱۳- سبحان رب الاعلى وبحمده

۱۴- بحول الله و قوته أقوم و أقدر

۱۵- ربنا انتقامي الدنيا حسنها وفي الآخره حسنه

۱۶- و قتنا عذاب النار

۱۷- اشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و شریکی ندارد

۱۸- اشهد ان محمداً عبده و رسوله گواهی می دهم که محمد بنده ای او و فرستاده ای او است

۱۹- اللهم صل على محمد و آل محمد

۲۰- اللهم صل على محمد وآل محمد

۲۱- سبحان الله و الحمد لله

۲۲- و لا إله إلا الله والله أكبر و جز خدا معبودی نیست و خدا بزرگتر از هر چیزی است که تصور شود

۲۳- السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته سلام بر توای پیامبر اور حمت خدا و برکات ای برتویاد

۲۴- السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين

۲۵- السلام عليكم و رحمة الله و برکاته سلام بر همه‌ی شما و رحمت و برکات پروردگار برشما باد

۲۶- ترجمه‌ی قسمت‌های نماز از کتاب درسی دینی اول راهنمایی نقل کردیم و چون دانش آموزان در دوره‌ی

راهنمایی درس عربی دارند تا حدودی با الفاظ نماز آشنایی دارند، هر چند که این برنامه در پی آموزش اجزای

جملات نیست.

نهایی (فینال) می‌رسیم. در این مرحله هر کسی که پاسخ ناقص دهد، امتیازی نمی‌گیرد و امتیازات را هم روی جدولی در تابلو می‌نویسم.

پس ۶ گروه ۲ نفری (دو گروه دو گروه) به جایگاه می‌آیند.

خوب! حالا با اتمام دوره‌ی اول^(۱) من کارت‌ها را جمع می‌کنم. دور دوم مسابقه را آغاز می‌کنیم و به این صورت که افرادی که امتیاز آورده‌اند در جایگاه می‌ایستند من ترجمه‌ی نماز را از روی کارت به صورت جمله‌ی درهم ریخته بیان می‌کنم. شما باید جمله‌ی صحیح را از حفظ بگویید مثلاً کارت شماره‌ی ۷ = نعمت آنان راه کسانی بخشیده‌ای که^(۲)

البته از هر دانش‌آموز کارت مربوط به خودش را می‌گیرم و سؤال را از همان کارت مطرح می‌کنم. و اگر خود دانش‌آموز نتوانست جواب دهد، افراد دیگر می‌توانند جواب دهند.

سرانجام دور سوم آغاز می‌شود.^(۳) این دوره هم مانند دوره‌ی اول مسابقه است، با این تفاوت که مسابقه بین دانش‌آموزان برنده اجرا می‌شود و سؤالات به این گونه است که ترجمه‌ی هر کارت بیان می‌شود و دانش‌آموز باید متن عربی کارت را بازگو کند. امیدوارم که با مسابقه آشنا شده باشید. جدول امتیازات هم به این شکل است.

۱- معمولاً در مسابقه تعدادی از دور مسابقه خارج می‌شوند.

۲- شماره کارت‌ها، مطابق با پاورپوینت صفحات قبل است. به این نکته توجه شود.

۳- به طور معمول در مسابقه دور دوم هم تعدادی از دور مسابقه خارج می‌شوند.

اسمی دانش آموزان	دورهی اول	دورهی دوم	دورهی سوم(فینال)
.....-۱			
.....-۲			
.....-۳			
.....-۴			

نام درس

حمیدرضا کریمی

آینه‌ی اخلاق

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با اهمیت نماز جماعت و برخی از احکام آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. اهمیت و ثواب نماز چماعت.

۲. آثار نماز چماعت.

۳. پرخی از احکام نماز چماعت.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان این درس علاوه بر درک اهمیت و ثواب نماز چماعت، آثار آن را در زندگی ببینند و به احکام آن عمل کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی، ۲. فعال (معما، داستان، چدول، پازی پا کلمات)

رسانه‌های آموزشی

تخمه سیاه

آیینه‌ای اخلاقی

بسمه تعالیٰ

به نام خداوند گوییم کلام اول گفته هامان سلام سلام سلام
با آرزوی سلامتی برای شما دانش‌آموزان عزیز، برنامه‌ی امروز را پا یک سؤال
ریاضی آغاز می‌کنم.

عزیزان من! حتماً با علامات بزرگ‌تر، کوچک‌تر و مساوی آشنایی دارید، از شما
می‌خواهم علامات مناسب را بین اعدادی که روی تخته می‌نویسم قرار دهید.^(۱)

۲ < ۶۰ ۱ > ۱۵۰

شما بین این اعداد علامت بزرگ‌تر قرار دادید، یعنی

۲ < ۶۰ ۱ > ۱۵۰

اما من علامت مساوی قرار می‌دهم، یعنی:

۱ = ۱۵۰ ۲ = ۶۰

حتماً تعجب کردید، بله! سؤال من هم از شما همین است که چطور امکان دارد
یک مساوی ۱۵۰ و ۲ مساوی ۶۰ باشد!!

آیا کسی می‌تواند جواب این معما را به من بدهد؟

۱- مریم در این قسمت می‌تواند دو نفر از دانش‌آموزان را به پای تخته بیاورد، یا از عموم دانش‌آموزان
دسته جمعی سؤال کند.

مثل این که کسی متوجه نشد. شما را راهنمایی می‌کنم به این سوالات پاسخ

دهید:

ن آغاز سوره قلم بعد از بسم الله:

نم رطوبت کم:

نما ظاهر ساختمان:

نماز ستون دین:

فکر می‌کنم حالا متوجه شدید که آن اعداد در مورد چه چیزی بودند؟ بله! در
بارهی ثواب نماز بودند، یعنی ثواب یک رکعت نماز مساوی ۱۵۰ رکعت است.

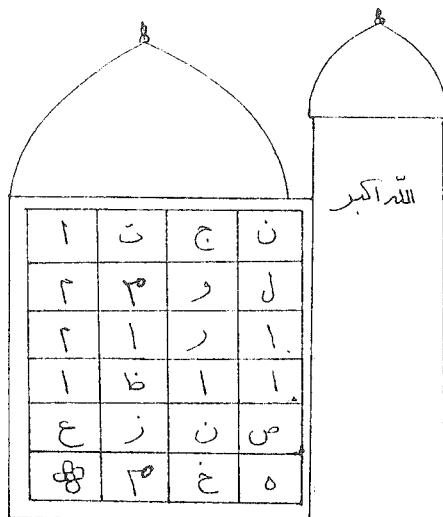
حالا بگویید آن چه نمازی است که این همه ثواب دارد؟ بله! نماز جماعت، یعنی
اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت ثواب ۱۵۰ نماز و اگر دونفر اقتدا
کنند، هر رکعت، ثواب ۳۰۰ نماز را دارد و هر چه تعداد بیشتر شود ثواب هم بیشتر
می‌شود تا آن جا که اگر تعداد شرکت کنندگان از ۱۰ نفر بگذرد، اگر تمام آسمانها
کاغذ و دریاها مرکب و درخت‌ها قلم شوند، حتی نمی‌توان ثواب یک رکعت آن را

هم نوشت.^(۱)

حالا دوستان من! به من بگویید نماز جماعت معمولاً در چه مکانی خوانده
می‌شود؟ بله! در مسجد، اما اگر برای رفتن به مسجد مشکل و عذری داشتید،
می‌توانید در خانه همراه پدر و مادر یا برادران و خواهران خود و در مدرسه همراه

۱- توضیح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸، ج ۳، ج ۱، ص ۷۲۲، م ۱۴۰۰.
مرجی می‌توند همراه گفتن بخش آخر این روایت از نقاشی (شکل زیر) استفاده کند.

دستانتان نماز را به جماعت بخوانید. خیلی خوب! گفتید مسجد. حالا من هم شما را به یک مسجد می‌برم، مسجدی که درون آن یک جدولی داریم و آن جدول هم برای ما یک پیام دارد، با هم به این مسجد می‌رویم.^(۱)



شما برای پیدا کردن این پیام باید حرف خانه‌ی اول را بنویسید، سپس ۶ تا ۶ تا بشمارید و حروف را کنار هم قرار دهید و آنقدر این کار را ادامه دهید تا پیام جدول به دست آید، البته یادتان باشد که خانه‌ی آخر را که نقش گُل دارد، نشمارید. حالا با هم شروع می‌کنیم به شمارش حروف.

پیام جدول: نماز جماعت، اظهار اخلاق مؤمن
دانش آموزان عزیز! کسی که به نماز جماعت می‌رود با این کار اعلام می‌کند که

۱- مریبی در کنار رسم شکل مسجد و جدول و نوشتن حروف داخل خانه‌ها، روش به دست آوردن پیام را برای دانش آموزان توضیح بدهد.

من در عبادت خدا خالص هستم و فقط برای خدا عبادت می‌کنم.^(۱)
حالا از شما یک سؤال دارم، آن چه نمازی است که حمد و سوره ندارد؟

نماز جماعت

در نماز جماعت مأمور یعنی کسی که به امام جماعت اقتدا می‌کند حمد و سوره را نمی‌خواند، ولی بقیه‌ی ذکرها را می‌گوید. این را هم بدانید که باید کارهای نماز را کمی بعد از امام جماعت انجام دهید،^(۲) البته از این حکم می‌توان یک درس هم گرفت و آن درس پیروی از رهبری در زندگی روزمره است همان طور که در نماز جماعت در همه‌ی حرکات از امام جماعت پیروی می‌کنیم.

حالا از شما که این همه با هوش و حاضر جواب هستید می‌خواهم به یک معمای سه بخشی جواب دهید. هر کدام از شما که پاسخ را می‌داند خیلی زود جواب را بگوید.

چه کسی است که نماز خواندنش په چماعت واجب است؟

چه کسی است که نماز خواندنش په چماعت حرام است؟

چه کسی است که نماز خواندنش په چماعت مستحب است؟

بله دوستان! همان طوری که بعضی از شما اشاره کردند خواندن نماز جماعت

۱- اشاره به حدیثی از امام رضا علیه السلام: «إنما جعلت الجماعة لتأليكون الأخلاص و التوحيد والاسلام و العبادة لله الا ظاهراً مكتشوفاً مشهوداً، لأن في اظهاره حجة على أهل الشرق والغرب لله وحده» ميزان الحكم: ص ۱۶۴۸، ح ۱۰۷۲۵.

۲- توضیح المسائل مراجع: پیشین، ص ۱۴۶۱ و ۱۴۷۰ م. ۸۲۴ و ۸۲۲.

برای برخی از مردم واجب است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱- کسی که نمی‌تواند حمد و سوره را بخواند.

۲- کسی که پدرش به او دستور داده است که حتماً نمازهایش را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است.

۳- کسی که در نماز زیاد شک می‌کند. یا اذکار نماز را زیاد تکرار می‌کند و یا در گفتن ذکرها و سواس دارد و نمی‌تواند نمازش را به تنها یی بخواند.

در پاسخ به بخش دوم معما باید بگوییم نمازی که خواندن آن به جماعت حرام است، نماز مستحبی است. آیا می‌توانید یک نماز مستحبی را نام ببرید؟ بله! نماز نشسته‌ای که که بعد از نماز عشا می‌خوانند و یانماز غفیله که بعد از نماز مغرب می‌خوانند.

و پاسخ بخش سوم معما این است که خواندن نمازهای واجب روزانه با جماعت مستحب است.

دوستان من! بزرگان ما به نماز جماعت خیلی اهمیت می‌دادند، یکی از آن‌ها امام خمینی (ره) است که در همه‌ی حالات حتی در بیماری، سعی می‌کرد در نماز جماعت شرکت کند. حالا به حکایتی در این رابطه گوش کنید:

دوستان! مرحوم حاج ملا احمد نراقی یکی از عالمان بزرگ شیعه است. او از قول پدرش نقل می‌کند که:

عید نوروز بود و من که در آن زمان ۱۶ سال داشتم، به اتفاق پدر و جمیع از دوستانم برای دید و بازدید عید به خانه‌ی آشنايان می‌رفتیم. روز سه شنبه بود که ما برای دیدن یکی از دوستان از خانه بیرون آمدیم. خانه‌ی او نزدیک یکی از قبرستان‌های اصفهان بود. برای همین ما کنار یکی از قبرها نشستیم و شخصی را فرستادیم که ببیند دوستان در خانه‌اش حضور دارد یا نه.

وقتی او رفت، یکی از دوستان رو به آن قبر که اطرافش گرد آمده بودیم کرد و به شوخی گفت: ای صاحب قبر! آخر ایام عید است، ما به دیدن هر کس که رفتیم تعارفی کرد و میوه و شیرینی برای ما آورد.

هنوز سخن او تمام نشده بود که ناگاه صدایی از قبر شنیدیم که ببخشید من نمی‌دانستم شما تشریف می‌آورید. هفته دیگر وعده‌ی ما و شما در همینجا، تا از خجالت شما بیرون بیایم و از شما پذیرایی کنم.

از شنیدن این صدا همه ترسیدیم و یقین کردیم که تا هفته‌ی دیگر همه‌ی ما خواهیم مُرد. برای همین مشغول گریه و زاری و توبه و وصیت نوشتن شدیم، تا این که سه شنبه‌ی دیگر شد. همه‌ی ما تا آن لحظه سالم بودیم و اتفاقی برای کسی روی نداده بود، خوب! طبق قرار جمع شدیم.

یکی از همراهان صدا زد: ای صاحب قبر به وعده‌ی خود وفاکن، ما آمدیم. صدایی از قبر بلند شد. بسم...، بفرمایید.

ناگاه زمین شکاف برداشت و چند پله جلوی پای ما پیدا شد. ما که غرق در شگفتی و ترس شده بودیم، با شک و دلهره پایین رفتیم. ابتدا از دهليز و راهرویی سفید کاری شده عبور کردیم و وارد یک باع شدیم، با غی درنهایت صفا و طراوت با نهرهای جاری و درخت‌های سیار که همه میوه داشتند. بعد از عبور از آن جا به ساختمان زیبایی رسیدیم و داخل شدیم در آن جا شخص زیبایی نشسته بود. وقتی ما را دید، به احترام ما از جا برخاست و نسبت به ما احترام فراوانی به جای آورد. طبق دستور او انواع میوه‌ها و شیرینی‌ها که مثل آن‌ها را ندیده بودیم، حاضر کردند. ما هم مقداری از آن چه آورده بودند خوردیم و بعد برخاستیم که برویم. آن شخص ما را تا نزدیک راهرو مشایعت کرد وقتی می‌خواستیم خدا حافظی کنیم من از او پرسیدم: شما کیستید و این جا کجاست؟

گفت: من قصاب بودم و در بازارچه‌ی نزدیک همین قبرستان دکان داشتم. من هرگز کم فروشی نمی‌کردم و اول وقت نماز که صدای مؤذن بلند می‌شد، حتی اگر گوشت در ترازو بود نمی‌کشیدم و برای شرکت در نماز جماعت به مسجد کوچکی که نزدیک دکان بود، می‌رفتم. همین که مُردم مرا به این جا آوردن.
وقتی صحبت او تمام شد، خدا حافظی کردیم و از آن جا خارج شدیم دیگر اثری از آن مکان ندیدیم. (۱)

۱- شهید احمد میر خلف زاده: «قصص الصلاة» با قریه، اصفهان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۵۵.

خوب دوستان من! امیدوارم از برنامه‌ی امروز استفاده بردۀ باشید، حالا دوست
م همگ. یا هم یا یک شعار برنامه‌ی امروز را به بیان بر سانم.^(۱)

يد الله مع الجماعة

۱- مربی دانشآموزان را به دو دسته تقسیم کند، گروه اول «يد الله» گروه دوم «مع الجماعه» را بگویند.

نام درس

حمید رضا کریمی

نماز قضا

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با نماز قضا و برخی از احکام آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. رمان قضا سدن نماز.

۲. فردیت هواندن نماز قضا.

۳. نماز قضا در حال حیات.

۴. نماز قضا پا چماعت.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان درس بدانند چه موقع نماز قضا می‌شود و

احکام نماز قضا را بیان کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیعی، ۲. فعلی (پرسش و پاسخ، تصویر، حکایت، معما، جدول)

رسانه‌های آموزشی

تخه و گچ و تصویر

نماز قضا

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عزت آرد

دوسستان من! سلام. اميدوارم سرحال و شاداب باشيد و برای اجرای برنامه‌ی امروز، آماده باشید. اين برنامه را با يك سؤال آغاز می‌کنم.

اگر يكى از شما دانش‌آموزان عزيزان خدای ناکرده دير به جلسه‌ی امتحان آخر سال بيايد و موفق به شركت در امتحان نشود، چه باید بکند؟ بله! باید برای جبران آن امتحاني که نداده، در امتحانات تجدیدی شرکت کند.

حالا يك سؤال ديگر: اگر کسی نمازش را در وقت نخواند و يا بعد از وقت بفهمد نمازش باطل بوده است، چگونه باید آن نماز را جبران کند؟ درست است، با

خواندن (۱) نماز قضا

بله! عزيزان، اگر نماز را در وقت نخوانيم و يا بعد از وقت متوجه شويم که نماز ما به خاطر نداشتن وضو باطل شده است، باید با خواندن نماز قضا آن را جبران کنیم. (۲)

نماز ادا

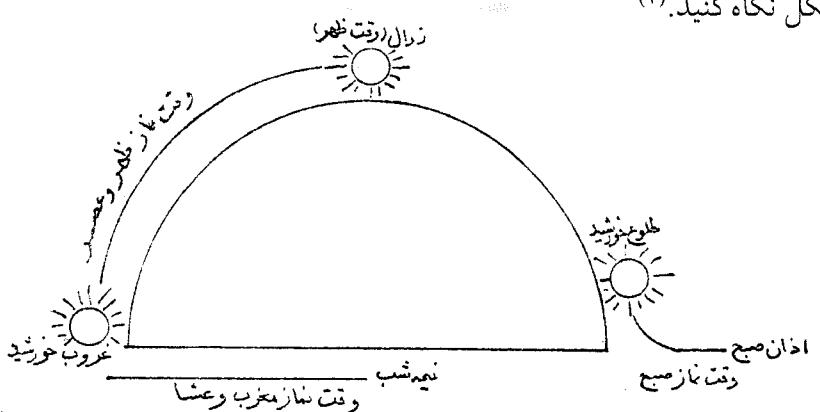
دوسستان! به نمازی که در وقت محدودش موقنده می‌شود چه می‌گویند؟

۱- مربي در اين قسمت با استفاده از کارت‌هایی که در اندازه‌های مناسب و تا حد امکان با رنگ‌های متنوع تهیه کرده و روی آنها با خط زبایا عبارت «نماز قضا» و «نماز ادا» را نوشته است. برنامه را اجرا می‌کند.

۲- توضیح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸، ج ۳، ج ۱، ص ۷۷۶، م ۱۳۷۰

آیا وقت ادای نمازهای ۵ گانه هر روز می‌خواهیم، می‌دانید؟ برای یادآوری

به شکل نگاه کنید. (۱)



همان طور که در شکل می‌بینید وقت خواندن نماز صبح از اذان صبح تا طلوع

خورشید است. پس از طلوع خورشید، نماز صبح قضا می‌شود. (۲)

بعد از این که خورشید طلوع کرد، کم کم از سمت مشرق بالا می‌آید و زمانی می‌رسد که خورشید به سمت مغرب متمايل می‌شود یعنی خورشید وسط آسمان قرار می‌گیرد. آن وقت را وقت زوال می‌گویند. آیا کسی می‌تواند بگوید حالا وقت خواندن چه نمازی است؟ بله! چون در این زمان، وقت ظهر فرا رسیده است، موقع خواندن نماز ظهر و عصر است. (۳) این را هم بدانید که این فرصت تا غروب خورشید ادامه دارد.

۱- مری در این قسمت با استفاده از مقوا که به صورت نیم دایره تهیه کرده و روی آن علاماتی به صورت نمونه رسم کرده است، به داشن آموزان نشان می‌دهد و اوقات نماز را از این طریق به آنها می‌آموزد.

۲- توضیح المسائل مراجع، پیشین، ص ۴۳۲، م ۷۴۱

۳- همان، ص ۴۲۴، م ۷۲۹

اما عزیزان! وقتی هم فرا می‌رسد که خورشید پشت کوه‌ها پنهان می‌شود و آسمان سرخ رنگ می‌شود به این لحظه، وقت غروب گفته می‌شود و زمانی که همین سرخی آسمان از بین برود، وقت خواندن نماز مغرب و عشا فرا می‌رسد.^(۱) و تا نیمه‌ی شب این وقت ادامه می‌یابد.

اگر کسی خدای ناکرده نماز مغرب و عشا را نخواند، بعد از نیمه‌ی شب چه باید بکند؟ نماز قضا، نه؟ بلکه بنا بر احتیاط واجب باید نماز مغرب و عشا را بدون نیت ادا و قضا بخواند، البته تا قبل از اذان صبح، ولی بعد از آن دیگر قضا شده است.^(۲) نماز گزاران نوجوان! کدام یک از شما می‌تواند بگوید چه کارهایی باید انجام دهیم تا نمازمان قضا نشود؟

بله! سعی کنیم نمازها را در اول وقت بخوانیم، شب‌ها زود بخوابیم تا بتوانیم صبح زود برای خواندن نماز صبح، بیدار شویم و....

آفرین به شما که این مطالب را می‌دانید. دوستان من! اکسانی بوده‌اند که حتی در سخت‌ترین لحظات زندگی از نمازشان مواظبت کرده‌اند و ما هم باید این گونه باشیم. حتماً دوست دارید یک نمونه از این افراد را بشناسید. خوب! پس به حکایتی در این مورد توجه کنید.

بعد از ۱۰ ماه جدایی از برادرم که در یکی از اردوگاه‌های موصل بود، در یکی از روزهای سرد دی ماه سال ۶۸، عراقی‌ها اسم مرا خواندند. فکر کردم دوباره

۱- همان، ص ۴۲۸، م ۷۳۵

۲- همان، ص ۴۳۱، م ۷۴۰۲

می خواهند از من باز جویی کنند و باز هم کنک، اما وقتی گفتند، و سایلم را بردارم و آماده‌ی رفتن به موصل شوم، بال در آوردم و خیلی خوشحال شدم. تازه از حمام آب سرد بیرون آمده و هنوز موفق به خواندن نماز نشده بودم. ساعت یک بعد از ظهر بود که نگهبان‌ها دست‌ها و چشم‌هایم را بستند و سوار یک ماشین کردند. ماشین حرکت کرد و من دائم در فکر شهر موصل و برادرم بودم و با خود می‌گفتم اگر برادرم را دیدم، چقدر حرف برای گفتن داریم، خدایا متشرکرم، اما ناگهان با زمزمه‌ی خدایا متشرکرم؛ یادم آمد که نماز نخوانده‌ام، به زیان عربی به عراقی‌ها گفتتم: «من نماز نخوانده‌ام، اگر ممکن است جایی نگه دارید که وضو بگیرم و نماز بخوانم،» اما سرباز عراقی فریاد زد: «صحت نکن!» من چندین بار از آنان خواستم تا فرصتی برای اقامه‌ی نماز بدهنند؛ ولی آن‌ها توجهی به این موضوع نکردند، در آن لحظات که نه وضو داشتم و نه تیمم و از طرفی فشار پارچه‌ای که چند دوری روی سرم بسته شده بود، چشمانم را اذیت می‌کرد و به هیچ وجه نمی‌توانستم تکان بخورم، فقط به فکر این بودم که نکند نماز قضا شود، بالاخره ناچار شدم بدون وضو نماز را بخوانم، وقتی سرباز عراقی متوجه این موضوع شد، با حالت تمسخر به سرباز دیگر گفت: «نگاه کن دارد نماز می‌خواند؟!»

من در همان حالت نماز را به پایان رساندم و در دل از خدا طلب قبولی آن را

کردم.^(۱)

دوستان من! شما شاید کارهای خوب زیادی انجام دهید؛ اما نماز در میان این

۱- رضا رمضانی: «نماز در اسارت»، چاپ شفق، تهران، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۲۶. (با اندک ویرایش).

کارها و عبادات یک چیز دیگر است!؟!

شاید بپرسید، چرا نماز در میان عبادت‌ها از مهم‌ترین‌ها است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال جدول ۲۴ خانه‌ای را که رمز آن ۶ است، با هم حل می‌کنیم تا پیام جدول به دست آید.

شما باید حرف خانه‌ی اول را بنویسید. سپس ۶ تا ۶ تا جدا کنید و حروف را کنار هم بگذارید تا پیام جدول را به دست آورید. ممکن است لازم باشد تا چند دور جدول را بشمارید، البته توجه کنید که خانه‌ی گُل را نشمارید، حالا با هم شروع می‌کنیم.

	ل	ب	ن
ه	م	ا	ز
س	د	د	ن
د	ع	ت	ا
ر	ز	ت	خ
*	د	ن	م

بله! پیام جدول به دست آمد:

نماز بهترین عمل در نزد خداست.^(۱)

بله دوستان من! علی ﷺ می‌فرماید: «نماز بهترین و دوست داشتنی ترین عمل در نزد خداست، خدای ناکرده کارهای دنیا شما را به گونه‌ای مشغول نکند که از نماز غافل شوید.»

امیدوارم همیشه در زندگی به نصایح آن حضرت عمل کنیم و در خواندن نمازهای قضای گذشته کوتاهی نکنیم. ان شاء الله

حالا یک سؤال، اگر کسی مریض شد، تکلیف نمازش چیست؟ عزیزان^(۲) اینجا را ببینید مثل این که این دانش آموز بیمار شده و یک روز است که نماز نخوانده.

این یکی را ببینید مشغول خواندن نماز است. اجازه دهید تا نمازش تمام شود (بعداز چند لحظه) دوست من! به ما بگو چه کار می‌کردی؟

دانش آموز: آقا نماز قضاهای دوستم که مریض است می‌خواندم. مریبی: بچه‌ها! آیا این کار درست است یا غلط؟ بله تعدادی از دوستان درست گفتند، این کار غلط است تا انسان زنده است کسی نمی‌تواند به جای او نماز قضایش را بخواند بچه‌ها دوست مریضمان مثل این که چیزی می‌خواهد بگوید

۱- اشاره به حدیث علی ﷺ: «ليس عمل احب الى الله عزوجل من الصلاة، فلا يشغلنكم عن اوقاتها شيء من امور الدنيا» محمدی ری شهری: « Mizan al-Hikma » دارالحدیث، تهران، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۶۴۲، ح ۱۰۶۷۸.

۲- برای این قسمت لازم است مریبی از قبل با دو تن از دانش آموزان هماهنگی به عمل آورد و در کلاس برنامه را آدامه دهد به این صورت که یکی از دانش آموزان زیر پتو خوابیده و مثلاً مریض است و دیگری در کتاب او مشغول خواندن نمازهای قضایی دوست مریضش است.

اشاره می‌کند، با حرکت سر چه می‌خواهد بگوید؟ نه عزیزان مثل این که چون مریض است خودش دارد نماز قضایایش را با اشاره می‌خواند. بچه‌ها این کار درست است؟ بله! درست است.^(۱)

حالا به یک سؤال توجه کنید:

مسافری در حین مسافرت وارد مسجدی شد که در آن نماز جماعت ظهر و عصر بر پا بود. او نماز ظهر و عصرش را به جماعت خواند و چون نمازش شکسته بود زودتر از دیگران نمازش تمام شد؛ اما بلا فاصله بلند شد و دوباره به امام جماعت اقتدا کرد، او که نماز ظهر و عصرش را خوانده بود، دیگر چه نمازی می‌توانست بخواند؟

بله! او می‌تواند نماز قضا بخواند. پس می‌شود نماز قضا را به جماعت خواند،
چه نماز امام جماعت ادا باشد چه قضا^(۲)

امیدوارم که از برنامه‌ی امروز استفاده‌ی لازم را ببرده باشید.

والسلام

۱- توضیح المسائل مراجع: پیشین، ص ۷۷۶، م ۱۳۷۲.

۲- همان، ص ۷۱۲، م ۱۳۸۸.

نام درس

حمدیرضا کریمی

نماز آیات

موضوع

احکام

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با کیفیت برپایی نماز آیات و احکام آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

(۱) مواردی که پاعت و اچب شدن نماز آیات می‌شود.

(۲) زمان و محدوده مواندن نماز آیات.

(۳) کیفیت اقامه نماز آیات.

هدف رفتاری

از دانشآموزان انتظار می‌رود در پایان این درس برحی از موارد وجوب نماز آیات را بشناسند و در وقت وقوع آن بتوانند نماز آیات را اقامه کنند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱) توضیعی، (۲) فعل (کارت، چدول، پرسش و پاسخ، نمایش و...)

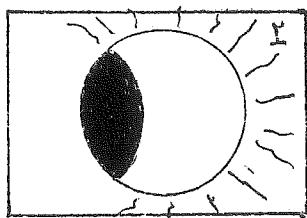
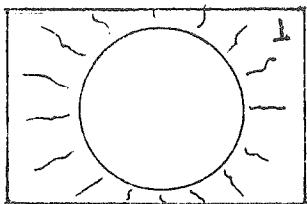
رسانه‌های آموزشی

۱. تخته سیاه و گچ و کارت

نھاڙ آييات

باسمِه تعالیٰ

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز
دستان عزیز، سلام! امیدوارم حالتان خوب باشد آماده باشید تا برنامه را آغاز



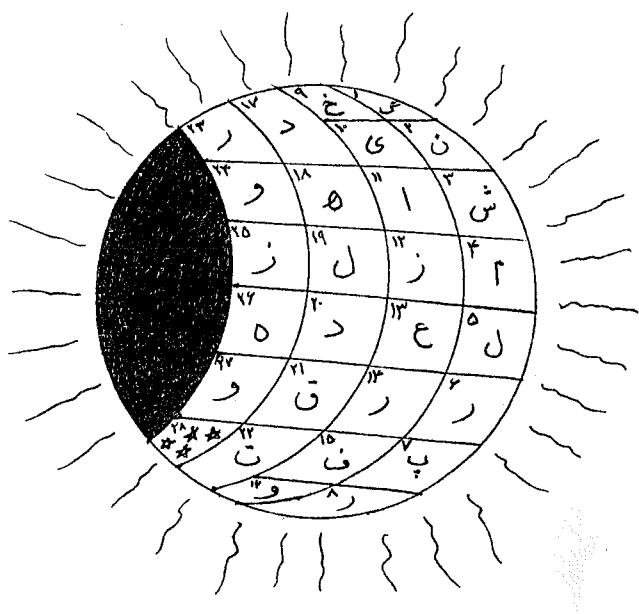
کنیم. (۱)

چه کسی می‌تواند به من
بگوید این تصویر چیست؟
مثل این که متوجه نشدید،
برای راهنمایی شما بگویم
که تصویر یکی از حوادث
طبیعی است.

بله! درست است؛ خورشید گرفتگی. آیا کسی می‌داند این پدیده چگونه به وجود می‌آید؟... بله! وقتی ماه بین زمین و خورشید واقع می‌شود سایه‌ی ماه روی خورشید می‌افتد و مانع از آن می‌شود که نور خورشید را ببینیم، در نتیجه آسمان تاریک می‌شود.

- مریم در این قسمت با استفاده از مقوا پدیده‌ی خورشید گرفتگی را برای دانش‌آموزان نمایش دهد، به این منظور کارتی را که سیاه شده و سایه است در کشوی کارت اول قرار دهد و با ورود کارت تیره نشان دهد که قسمتی از دایره‌ی خورشید تیره می‌شود.

حالا شاید از خودتان بپرسید خورشید گرفتگی چه نقشی در برنامه‌ی ما دارد برای این که به پاسخ این سؤال برسید به برنامه‌ی بعدی ما توجه کنید.



دانش آموزان عزیز! شما در طرح خورشیدی را می‌بینید که تبدیل به یک جدول ۲۸ خانه‌ای شده است و در خانه‌های ۱۴، ۱۶ و ۲۶ آن حروفی قرار داده‌ایم. شما با جواب دادن به سوالات من و قرار دادن حروف پاسخ‌ها در خانه‌های مشخص شده، جدول را کامل کنید. در مرحله‌ی دوم حرف خانه‌ی اول را بنویسید و بعد ۷ تا ۷ تا بشمارید و حروف را کنار هم بنویسید تا کلمات مورد نظر به دست آید، البته توجه داشته باشید که ممکن است برای به دست آوردن کلمات مجبور باشید چند

دور خانه‌های جدول را بشمارید، ضمناً خانه‌ی ستاره دار آخر را نشمارید.

و اما سؤالات:

(۱) تمل (۲ و ۴ و ۱۹) (۲) سوره‌ای که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دارد.

(۳) نعم سوره‌ای در قرآن و شبی در ماه مبارک رمضان: قدر (۲۱ و ۱۷ و ۶)

(۴) کسی که در راه مُحَمَّدًا کشته می‌شود: شهید (۳ و ۱۸ و ۱۰ و ۲۰)

(۵) په معنای پخشش: عفو (۱۳ و ۱۵ و ۲۴)

(۶) په عالم پس از مرگ گفته می‌شود: برزخ (۷ و ۲۳ و ۱۲ و ۹)

(۷) گل (۱ و ۵) (۸) گنچه شکفته شده:

(۹) وسیله‌ی اندازه‌گیری و زن اشیاء: ترازو (۲۲ و ۸ و ۱۱ و ۲۵ و ۲۷)

دانش آموzan عزیزان! کلمات به دست آمده عبارتند از:

گرفتن خورشید و ماه، زلزله، رعد و برق

آیا کسی می‌تواند بگوید وقتی یکی از این چهار پدیده‌ی طبیعی به وجود بیاید،

نماز آیات (۱) چه چیزی بر ما واجب می‌شود؟

اگر خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی، حتی به مقداری ناچیز به وجود آید، نماز

آیات واجب می‌شود. دوستان! اگر زمانی زلزله هم روی داد نماز آیات واجب

می‌شود، اما رعد و برق چه؟ آیا هر وقت رعد و برق به وجود آمد، نماز آیات واجب

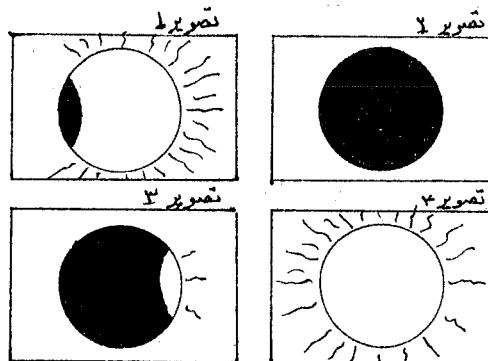
می‌شود؟ خیر! فقط آن رعد و برقی باعث واجب شدن نماز می‌شود که بیشتر مردم

از صدا یا دیدن برق آن بترسند.

۱- «توضیح المسائل مراجع»، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۸۴۱، م ۱۴۹۱.

یک مورد دیگر هم هست که می‌توانید برای به دست آوردن آن به توضیح المسائل مراجعه کنید.

عزیزان من! شما می‌دانید که هر نمازی وقتی مخصوص دارد و در وقت محدودی می‌توان آن را خواند. حالا چه کسی می‌داند وقت خواندن نماز آیات در مورد خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی چه اندازه است؟^(۱) به تصویر نگاه کنید.^(۲) از زمانی که خورشید گرفتگی و یا ماه گرفتگی آغاز می‌شود (تصویر ۱) تا زمانی که خورشید و یا ماه به طور کامل تاریک شود (تصویر ۲) می‌توانید نماز آیات را به نیت ادا بخوانید. اما اگر تا این وقت نخواندید و خورشید یا ماه شروع به باز شدن کرد (تصویر ۳) باید نماز آیات را بدون نیت ادا و قضا بخوانید و اگر خورشید یا ماه کاملاً باز شد (تصویر ۴) باید نماز را به نیت قضا بخوانید.^(۳)



- ۱- مردم در این قسمت با استفاده از طرح خورشید گرفتگی که با مقوا تهیه کرده است. زمان خواندن نماز آیات در خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی را توضیح دهد.
- ۲- مردم ابتدا قسمتی از صفحه‌ی خورشید و به تدریج تمام سطح آن را با کارت سایه بپوشانند. بعد کم کم آن را کنار ببرد تا خورشید به حالت اول برگردد.
- ۳- توضیح المسائل، پیشین، ص ۱۴۹۶ و ۱۴۹۵.

حالا حتماً می‌پرسید اصلاً نماز آیات را چگونه باید به جا آورد؟
 من از یکی از دوستانتان خواهش کردہ‌ام نماز آیات را در حضور ما بخواند.^(۱) تا
 همه بتوانیم یاد بگیریم و در موقع لازم این واجب الهی را انجام دهیم.
 دوستان! آیا می‌دانید چرا به این نماز، نماز آیات گفته می‌شود؟
 آیات جمع کلمه‌ی آیه است!^(۲)

دانش آموزان عزیز! آیه به چه معناست؟

نشانه بله! به معنای است.

فکر کنم حالا دیگر فهمیدید که چرا به این نماز، آیات می‌گویند، بله! چون این
 نماز زمانی واجب می‌شود که پدیده‌هایی مثل زلزله، رعد و برق و... که نشانه‌های

۱- مریب برای این قسمت لازم است از قبل با یکی از دانش آموزان برای اجرای نماز آیات به صورت
 نمایشی هماهنگی کند. شیوه‌ی خواندن نماز آیات این چنین است:
 دانش آموز بعد از نیت و تکبیرة‌الاحرام، سوره‌ی حمد را می‌خواند و سوره‌ی توحید را به ۵ قسمت تقسیم
 می‌کند. و بعد از خواندن هر قسمت به رکوع می‌رود:

بسم الله الرحمن الرحيم - قل هو الله احد - الله الصمد - لم يلد ولم يولد - ولم يكن له كفواحد - بعد از
 رکوع پنجم بر می‌خیزد و به سجده می‌رود. رکعت دوم را هم مانند رکعت اول می‌خواند با این تفاوت که بعد از
 خواندن قسمت پنجم سوره، قنوت می‌خواند. آن گاه رکوع پنجم را نجام می‌دهد سپس بر می‌خیزد و به سجده
 می‌رود و بعد تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد.
 همان، ص ۸۴۸، م ۱۵۰۷

مریب می‌تواند صورت دیگر خواندن نماز آیات (خواندن ۵ حمد و سوره به جای تقسیم سوره به ۵ قسمت را
 که در همین مسأله آمده است آموزش دهد.

۲- مریب یک کارت تهیه کند و یک طرف آن واژه‌ی آیه و در طرف دیگر «نشانه» را بنویسد سپس ضمن
 نشان دادن آیه از دانش آموزان برسد معنی آیه چیست؟ و بعد طرف دیگر را که نشانه است، نشان دهد و بگوید
 معنی آیه نشانه است.

بزرگی و عظمت خداوند می باشند به وقوع بپیوندند.

بله! ما باید به وسیله‌ی عبادت در مقابل عظمت خداوند خصوع کنیم تا ما را از

خطرات این پدیده‌ها حفظ کند. (۱)

مثل این که یکی از دانشآموزان سؤالی دارد؟^(۲) او می پرسد حالا که کسی با
دیدن خورشید گرفتگی و پدیده‌های دیگر نمی ترسد، چرا لازم باشد نماز بخواند؟
خوب! من به این سؤال جواب می دهم. ببینید عزیزان من! درگذشته ملت هایی
زندگی می کردند که به خاطر گناهانی که مرتكب شدند با این پدیده‌ها مانند زلزله و
رعد و برق و.... عذاب شدند، مثل قوم حضرت صالح علیه السلام و قوم لوط و.. پس لازم
است ما هم به خاطر در امان ماندن از شر این حوادث نماز بخوایم.

با تشکر از شما دانشآموزان که به برنامه‌ی امروز توجه کردید. والسلام

۱- اشاره به حدیثی از امام رضا علیه السلام که فرمود: انما جعلت للكسوف صلاة لانه من آيات الله لا يدرى
الرحمه ظهرت ام لعذاب. احباب النبي «ص» أَنْ تُفْرِغَ أَمْتَهُ إِلَى خَالِقَهَا وَرَاحِمَهَا عَنْ ذَلِكَ لِيَصْرُفَ عَنْهُمْ شَرَّهَا...
وسائل الشیعه، ج ۷، کتاب صلاة ص ۴۸۳

۲- در این قسمت مربی با یکی از دانشآموزان از قبل هماهنگ کند تا این سؤال را پرسد.

سیره و رفتار علوي

نام درس

غلامرضا محسنی

اسوه بندگی**موضوع****تاریخ****هدف کالی**

دانشآموزان در این درس با قسمتی از سیره‌ی عبادی علی ظیحه آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

(۱. توجه حضرت علی ظیحه به خدا در عبادت).

(۲. روزه‌داری و دعای آن حضرت).

(۳. قدآن حواندن علی ظیحه در هنگام افطار).

(۴. قرآن آموختن حضرت علی ظیحه به یک چوahn).

هدف رفتاری

امید می‌رود در پایان درس دانشآموزان به روش عبادی حضرت علی ظیحه

درباره‌ی نماز و روزه، دعا و آموزش قرآن توجه کنند و آن‌ها را در زندگی خود به کار ببرند.

روش‌های مناسب تدریس

(۱. توضیحی، ۲. فعال (سؤال و چوahn و مسابقه))

رسانه‌های آموزشی

۱. تخته سیاه و گچ و کارت

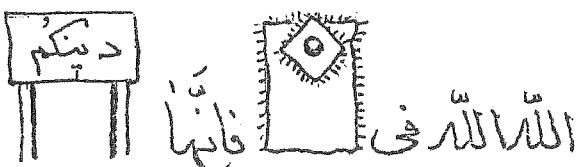
اسود بندگی

آمد روی تخت نشست، ولی ناگهان تخت شکست و سرش زخمی شد!!
حضرت علی علیہ السلام او فرمود: بسم الله الرحمن الرحيم نگفتی. رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم از
جانب خداوند برایم نقل کرد که هر کار با اهمیتی که در آن بسم الله گفته نشود، پایان
خوبی ندارد.^(۱)

دوستان عزیز! من هم به خاطراهمیت یاد خدا روی تخته می نویسیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

و بعد از یاد خدا، خدمت شما سلام عرض می کنم و روی تخته حدیثی را به
صورت نیمه تصویری می نویسیم.



جمله‌ای که روی تخته نوشته‌ام یکی از توصیه‌های حضرت علی علیہ السلام هنگام
شهادت، به فرزندانش است. دو کلمه از این دستور را به صورت شکل کشیده‌ام، آیا
شما می‌توانید با کمک شکل به قسمتی از وصیت علی علیہ السلام پی ببرید؟ احسنت!
بعضی حدس زند آن دو کلمه «نماز» و «ستون» است که به زبان عربی

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، دارایحاء التراث العربي، بيروت، لبنان، ج ۳، ص ۵۷۳.

«الصلوٰة»، «عمود» می شود. حالا من شکل ها را پاک می کنم و کلمات را در جایش قرار می دهم و از شما می خواهم با هم بخوانید:

«اللهُ اللهُ فِي الصَّلوٰةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ»^(۱)

آیا کسی می تواند آن را معنا کند؟ بله! خدا را خدا را درباره‌ی نماز و حق آن را، رعایت کنید، پس به درستی که نماز ستون دین شماست.

از شما می پرسم کار ستون چیست؟... نگه داشتن آنچه بر روی آن قرار داده اند و اگر آن را بردارند آنچه روی آن است فرو می ریزد. شما هم که دستور حضرت علی ظیحه را شنیدید، با برپایی و اقامه نماز و توجه به آن سعی کنید دین خود را حفظ کنید.

شاید تا به حال برای بعضی از شما این اتفاق پیش آمده باشد که دوستان، پدر و مادر یا معلمتان در حین صحبت کردن به شما بگویید: «حواست کجاست، معلوم است چه می گویید؟» اگر همین الان رهبر انقلاب پیش ما بباید و قرار بشود یکی از شما در مقابل ایشان صحبت کند، آیا همین صحبت دست به دماغ یا گوش خود می زند یا سر و تن خود را می خاراند؟^(۲) نه بلکه سعی می کند بسیار با ادب سخن بگوید؟...

نماز هم سخن گفتن با خدادست و من در اینجا حکایتی از حضرت علی ظیحه در این باره برای شما نقل می کنم.

۱- سید رضی: «نهج البلاغه»، فیض الاسلام، ص ۹۷۸، نامه ۴۷.

۲- مریمی اگر می تواند این حالات را انجام بدهد.

برای رسول خدا ﷺ دو شتر بزرگ هدیه آوردند. حضرت ﷺ به یاران خود نگریست و فرمود: «آیا در میان شما کسی هست که دور رکعت نماز به جای آورده و در آن هیچ فکر دنیایی به خود راه ندهد تا یکی از این دو شتر را به او بدهم.» حضرت علی علیه السلام به پا خاست و مشغول نماز شد هنگامی که سلام نماز را داد، جبرئیل نازل شد و به پیامبر ﷺ عرض کرد یکی از این دو شتر را به حضرت علی علیه السلام بدهید. رسول خدا ﷺ پرسید: علی علیه السلام در تشهید که نشسته بود، اندیشید کدام یکی از دو شتر بردارد؟ جبرئیل پاسخ داد: اندیشید که شتر چاق تر را بگیرید و آن را بکشد و در راه خدا به فقرا بدهد، پس اندیشه اش برای خدا بود، نه برای خود و نه برای دنیا. حضرت رسول خدا ﷺ نیز هر دو شتر را به او داد و فرمود: بندهای نیست که دو رکعت نماز گزارد و در آن اندیشه‌ی چیزی از دنیا نکند، مگر آن که خداوند از او خشنود شود و گناهانش را بیامرزد.^(۱)

ان شاء الله خداوند به همه‌ی ما توفيق بدهد که نماز را فقط با توجه بخوانیم.

حالا با یک سؤال برنامه را ادامه می‌دهیم.

قرآن در کدام ماه نازل شده است؟

همان طور که می‌دانید مسلمانان در این ماه روزه می‌گیرند، آیامی توائیدنام دوره‌مانی را که روزه داران در آن عذامی خورند پوییده سحر و افطار حالا به سراغ یک مسابقه می‌رویم. برای این کار چهار نفر از میان شما انتخاب و به دو گروه تقسیم می‌شوند تا برای مسابقه آماده شونند. من ده کارت دارم که روی هر

۱- محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۷.

یک، عددی و جمله‌ای نوشته شده است. (این کارت‌ها باید از قبل آماده شود که مطالب آن چنین است:

- | | |
|----|---|
| ۲۵ | ۱. حضرت علی علیه السلام چند سال خانه نشین بود؟ |
| ۱۹ | ۲. در چه روزی از ماه رمضان ضربت خورد؟ |
| ۶ | ۳. در چند سالگی نزد پیامبر رفت؟ |
| ۵ | ۴. تعداد فرزندان علی علیه السلام از فاطمه علیه السلام چند تاست؟ |

- | | |
|----|---|
| ۱۳ | ۱. حضرت علی علیه السلام در چه روزی از ماه رب مولد شد؟ |
| ۲۱ | ۲. در چه روزی از ماه رمضان شید شد؟ |
| ۳ | ۳. چند جنگ معروف در زمان حکومتش اتفاق افتاد؟ |
| ۱۰ | ۴. در چند سالگی اسلام آورد؟ |

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	فَتَقْبَلْهُ مِنَّا	وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا	اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا
إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	فَتَقْبَلْهُ مِنَّا	وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا	اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا
دو کارت آخر انحرافی می‌باشد. مریم		وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا	اللَّهُمَّ لَكَ صُمْنَا

به این نکته توجه کند). به هرگروه یک کارت می‌دهم و روی هر کارت چهار سؤال نوشته شده است و جواب هر سؤال یک عدد است. هرگروه که جواب سؤال را پیدا کرد باید از میان آن ده کارت، عدد مورد نظر خود را پیدا کند و طبق شماره‌ی سؤال‌ها آن‌ها را کنار هم بچیند، چون سؤال‌ها از عدد ۱ تا ۴ شماره‌گذاری شده است، من و تماشاگران شما را با این شعارها تشویق می‌کنیم:

چهار تا سؤال

چهار تا جواب

چهار تا عدد

می‌شن جواب

اگر می‌خواهی برنده شی

باید که با دقت باشی.»

خوب! من ده کارت را به طور پراکنده روی میز می‌گذارم.

وقتی کارت سوالات هرگروه را دادم با سه شماره مسابقه را آغاز می‌کنیم.

شرکت کنندگان باید توجه داشته باشند که مسابقه در چهار مرحله اجرا می‌شود، به این صورت که از اولین سوال شروع می‌شود. هر دو گروه باید جواب سوال شماره‌ی یک خود را پیدا کنند و از میان ده کارت، عدد سوال مربوط را بیابند و رو به روی خود بچینند، اگر گروهی یا هر دو گروه نتوانستند جواب بدھند ما از تماشاگران می‌پرسیم. هر کس جواب داد جایزه‌ای به او تعلق می‌گیرد. بعد از آن نوبت به سوال دوم می‌رسد. مسابقه به همین شکل تا سوال چهارم ادامه می‌باید و گروهی برنده خواهد بود که جواب بیشتری بدھد و کارت‌ها را طبق شماره (۱۱ تا ۲۴) به طور صحیح کنار هم بچیند. حالا با سه شماره مسابقه را آغاز می‌کنیم. من از گروه برنده می‌خواهم جمله‌ی روی کارت‌ها را بلند برایمان بخوانند. من هم یک بار می‌خوانم. بله! این دعای جضرت علی علیله قبل از افطار است. در همین زمینه حکایتی وجود دارد که من برایتان نقل می‌کنم.

حضرت علی علیله مدتی بود که میل به جگر پخته پیدا کرده بود و دوست داشت مقداری جگر با نان نرم بخورد تا یک سال به این خواسته‌ی خود ترتیب اثر نداد تا آن که یک روز فرزندش امام حسن علیله جگر خواست. او با امام حسن علیله رفت و جگری تهیه کرد و آن را پخت. وقتی هنگام افطار شد و حضرت علیله خواست افطار کند، ابتدا دعای افطار را خواند، همه دست‌ها را بلند کنید تا با هم همراه حضرت

علی ﷺ یک بار دیگر این دعا را بخوانیم... بله! وقتی حضرت علی ﷺ دعا را خواند
ظرف غذا را جلو آورد و خواست افطار کند، اما در همان هنگام درخانه به صدا در
آمد. امام حسن طیلہ برای باز کردن در از اطاق خارج شد و در را باز کرد. مرد فقیر
سلام کرد و گفت: «فقیری هستم که از صبح تا حالا چیزی نخورده‌ام! آیا غذایی در
خانه دارید که به من بدهید؟»

امام حسن طیلہ برای تهیه‌ی غذا و دادن آن به فقیر به اطاق برگشت. حضرت
علی ﷺ پرسید: «پسرم چه کسی در خانه را زد؟»
امام حسن طیلہ فرمود: «مرد فقیری است که به دنبال غذا آمده است.» حضرت
علی ﷺ فرمود: «پسرم بیا این جگر را به آن فقیر بده.»

بله به این ترتیب آن روز هم علی ﷺ نتوانست جگر بخورد!^(۱)
در انتهای برنامه، من روی تخته یک آیه از قرآن را می‌نویسم:
تَلْكُ الدَّارُ الْأَخِرَةُ نَجْعَلُهُ لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^(۲)
«این سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده‌ی برتری جویی و فساد
در زمین را ندارند و عاقبت (نیک) برای پرهیزگاران است.»

من یک بار آیه را می‌خوانم، خوب دقت کنید... حالا به شما ۵ دقیقه فرصت
می‌دهم که این آیه را حفظ کنید. بعد آن را پاک می‌کنم و فقط معنایش باقی می‌ماند.
بعد از آن هم از شما می‌پرسم هر کس بتواند از حفظ بخواند، برنده خواهد بود

۱- سفينة البحار، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲- سوره قصص، آیه ۸۳

و جایزه‌ای هم به او می‌دهم. این آیه‌ای است که علی ظیلهٔ برای کنترل بازاریان و سرمایه‌داران می‌خواند و می‌فرمود: «این آیه مربوط به حاکمان و توانمندان جامعه است!»^(۱)

حضرت علی ظیلهٔ وقتی قرآن را ختم می‌کرد، دعای ختم قرآن را می‌خواند. شبی در دل تاریکی، صدای قرآن به همراه گریه شخصی به نام «حبه عرنی» را از خواب بیدار کرد. او در تاریکی به دنبال صدا گشت. وقتی به صاحب صدای زدیک شد دید، حضرت علی ظیلهٔ است. حضرت علی ظیلهٔ از او پرسید: بیداری؟

او گفت: «بله! یا علی ظیلهٔ وقتی شما از ترس خدا چنین گریه می‌کنی، وای به حال ما.» امام ظیلهٔ بازگشت و فرمود: «ای حبه! همگی روزی در برابر خدا خواهیم ایستاد و هیچ عملی از او پوشیده نخواهد ماند.»^(۲)

حضرت علی ظیلهٔ نه تنها خود قرآن را می‌خواند، بلکه دیگران را هم با قرآن آشنا می‌کرد. در این زمینه به حکایت زیر توجه کنید: روزی جوانی را در حال خیاطی و آواز خوانی دید. به او فرمود: «ای جوان! اگر قرآن بخوانی برای تو بهتر است.» جوان گفت: «خوب نمی‌توانم بخوانم! دوست داشتم بتوانم خوب بخوانم.»

حضرت علی ظیلهٔ به او قرآن آموخت و او حافظ کل قرآن شد.^(۳)
با یک دعا برنامه را پایان می‌دهم.

۱- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۱۶۰.

۲- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، ص ۴۱، ۲۲.

۳- عباس عزیزی: «سیره عبادی امام علی ظیلهٔ»، انتشارات صلاة، قم، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۱، (با اندکی ویرایش)

خدا پا ما را پا قرآن، نماز، دعا و روزه آشنا بفرمای!

آمین.

نام درس

غلامرضا محسنی

جوانمردی**موضوع****تاریخ****هدف کلی**

دانشآموزان در این درس با قسمتی از زندگی حضرت علی ؑ و نمونه‌ای از سیره‌ی عملی آن حضرت ؑ (جوانمردی) آشنا می‌شوند.

اهداف چویزی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. چوانمردی علی ؑ در میدان چنگ.

۲. چوانمردی علی ؑ در نیکی به دیگران.

هدف رفتاری

دو پایان درس امید می‌رود، دانشآموزان درس جوانمردی را از حضرت علی ؑ یاد بگیرند و آن را در زندگی خود به کار بینندند.

روش‌های متناسب‌اندریسی

۱. توضیحی ۲. فعال (سؤال و پاسخ، مسابقه، داستان و...)

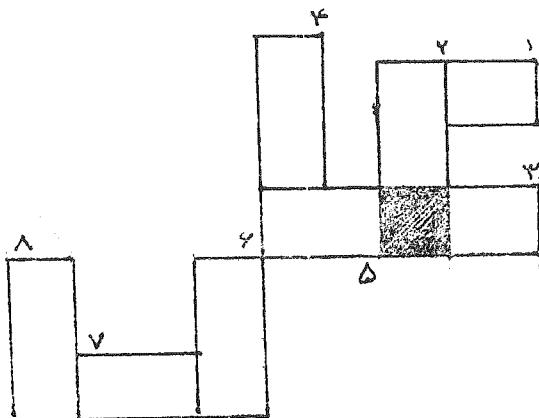
رسانه‌های آموزشی

تخته سیاه و گچ، کاغذ و قلم

جوابنامه درستی

همیشه بر زبانم نام او است سر آغاز کلام میاد او است
بسم الله الرحمن الرحيم.

با یاد و نام خدای بزرگ و سلام خدمت شما برنامه را شروع میکنم.
نام امام اول ما چیست؟ من با هشت مستطیل نام علی ﷺ را روی تخته میکشم.



و از شما هشت سؤال میپرسم و جواب را داخل مستطیل‌ها مینویسم.

۱- نام چندگی در رمان علی ﷺ و نام یک حیوان:

جمل

۲- سرپرست:

ولی

۳- چندگی که به مخاطر سرپریچی از دستور پیامبر اکرم ﷺ به شکست انجامید: احد

۴- قبر علی ﷺ در آن شهر واقع است:

نجف اشرف

- ۵- شهروی کے خانہ می خداد ر آن چاہستہ:
مکہ
- ۶- ماہی کے علی طیلہ در آن بہ شہادت رسید:
رمضان
- ۷- معمولاً مؤمنان در پذخور د با هم آن را التماں می کنند:
دعا
- ۸- دست بے عربی:
يد
- حالا اگر حرف اول جواب ہا را بہ ترتیب بہ هم وصل کنیم، چہ کلمہ ای در رابطہ جوانمردی.
با علی طیلہ بہ دست می آید؟

حالا اگر من آن را در کنار نام علی طیلہ بنویسم، چہ خواندہ می شود؟

جوانمردی علی طیلہ

جوانمردی صفتی است کہ بہ صورت ہای مختلف خود را نشان می دهد. من

فقط دو صورت آن را روی تختہ می نویسم。(۱)

در این جا جملہ ای از پیامبر اکرم ﷺ در بارہی علی طیلہ می نویسم: «بَرَزَ الْأَيْمَانُ كُلُّهُ إِلَى الشَّرْكِ كُلُّهُ» بعد نام سه جنگ را زیر آن می نویسم: احد، خندق، بدرا
شما بگویید پیامبر خدا ﷺ این سخن را در کدام جنگ فرمود؟ آنها که نظرشان احد است، بایستند. آنها که نظرشان خندق است بنشینند و آنها که نظرشان بدرا است نزد من بیايند. احسنت! شما درست نگفتید!! خوب آنها که نشسته اند، نظرشان درست است و بقیه بروند بنشینند تا من گوشہ ای از این جنگ را

شرح دهم.

۱- مرتب کلمہ ای اول:..... دوم:..... روی تختہ بنویسد تا بعداً بہ ترتیب کلمہ های جنگ با دشمن، نیکی بہ دیگران و بخشندگی را بہ صورت فانتزی رو بھ روی آنها بنویسد.

ابوسفیان سرکرده‌ی کفار قریش به همراه یهودیان برای نابودی مسلمانان به سوی مدینه حرکت کرد. مسلمانان هم به پیشنهاد سلمان فارسی جهت مبارزه «خندق»^(۱) حفر کردند، اما در هنگامه‌ی جنگ پنج نفر از دشمنان موفق شدند از خندق عبور کنند که یکی از آن‌ها مرد دلاور و جنگ جویی به نام عمر وین عبود بود. او مبارز طلبید. حضرت علی طیلله بلند شد و به حضرت پیامبر علیه السلام عرض کرد من مبارز او هستم. حضرت پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: یا علی! بنشین. عمر وین عبود برای بار دوم مبارز طلبید. باز هم علی طیلله بلند شد که پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: «یا علی! بنشین». بار سوم وقتی عمر وین عبود مبارز طلبید و حضرت علی طیلله اعلام آمادگی کرد، پیامبر اکرم علیه السلام به او اجازه داد و فرمود: «نزدیک من بیا». آن گاه به دست خود برای امیر مؤمنان عمame بست و در حق آن حضرت دعا فرمود. همین که حضرت علی طیلله در مقابل عمر وین عبود قرار گرفت. رسول خدا علیه السلام فرمود: «برز الایمان کله الى الشرک كله»، «همه‌ی ایمان در مقابل همه‌ی کفر قرار گرفت.»

عمر و! به حضرت علی طیلله گفت: «تو کیستی؟»

- علی بن ابی طالب طیلله

- پدرت با من دوست و رفیق بود. من دوست ندارم تو را بکشم.

- من در کشتن تو هیچ کراحتی ندارم. در ضمن شنیده‌ام که می‌گویی اگر کسی سه

چیز از تو بخواهد یکی از آن‌ها را قبول می‌کنی!

۱- گودال عریض و عمیقی که در قدیم گردآورد هر یا قلعه برای جلوگیری از حمله دشمن با برگرداندن سیل می‌کنندند. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۶۶

- بله!

- من سه مطلب به تو پیشنهاد می‌کنم. اول بگویی: «اشهد ان لا اله الا الله و ان
محمدًا رسول الله.»

- از این حرف درگذرو خواسته‌ی دوم خود را بگو!

- به جای اول خود برگرد.

- اگر چنین کاری کنم، زنان قریش می‌گویند ترسیده‌ام.

- خواسته‌ی سوم را بگو!

- آماده‌ی جنگ باش.

- عمرو گفت: این کاری است که گمان نمی‌کنم احدي از عرب جرأت اين کار را
داشته باشد.

- من چگونه با تو جنگ کنم در صورتی که تو سواره‌ای و من پیاده!

به این ترتیب عمرو از اسب پیاده شد. شمشیر خود را کشید و به حضرت
علی علیله حمله کرد. در همان آغاز ضربه‌ای به امام علیله زد که حضرت علیله آن ضربت
را به وسیله‌ی سپر رد کرد، ولی شمشیر عمرو سپر را شکافت و سر آن بزرگوار را
شکست. حضرت علی علیله هم ضربتی به ساق پاهای عمرو زد که هر دو پای او قطع
شد و عمرو بزمین افتاد. حضرت علی علیله برای کشتن او به پیش آمد ولی عمرو به
او ناسزا گفت. در این لحظه امام علیله از جای برخاست و خشم خود را فرو خورد. آن
گاه عمرو را به درک فرستاد. جنازه‌ی عمرو بر روی زمین افتاد و هنوز گرد و خاک
جنگ کاملاً از بین نرفته بود ولی می‌شد در لابلای آن تصویری مبهم از علی علیله را

دید که شمشیر در کنار جنازه‌ی عمر و ایستاده است. گروه مسلمانان در یک سو و گروه کفار در سوی دیگر در انتظار بودند که ببینند قهرمان پیروز میدان با جنازه و غنایم جنگی دشمن چه می‌کند. همه می‌دانستند که عمر و پهلوان ثروتمندی است. فقط زره جنگی او سه هزار درهم و شمشیرش هزاران دینار ارزش دارد. حضرت علی طیللا لحظه‌ای به دور عمر و چرخید، میدان را ترک کرد، بی آن که کوچک‌ترین غنیمتی همراه ببرد.

لحظاتی بعد وقتی خواهر عمر و خود را بالای سر برادر رساند، دید اسلحه و زره قیمتی او را نبرده‌اند، گفت: «برادر مرا نکشته است، مگر جوانمردی بزرگوار. اگر غیر از علی برادر را کشته بود تا ابد گریه می‌کردم.»^(۱)

در اینجا من صورت اول از جوانمردی حضرت علی طیللا را می‌نویسم^(۲) تا به سراغ نمونه‌ای دیگر از آن برویم و مولايمان را بهتر بشناسیم. برای این کار سراغ یک مسابقه‌ی جوانمردانه می‌رویم. من از میان شما ده نفر را انتخاب می‌کنم و به هر کدام یک قلم و کاغذی می‌دهم آن‌گاه جمله‌ای روی تخته می‌نویسم، جمله کلامی از حضرت علی طیللا است که فرمود:

«بر تو باد به احسان کردن که آن برترین زراعت و سود آورترین سرمایه است.»
خوب! من و تماساگران تا عدد سی^(۳) می‌شماریم. در این فاصله باید این جمله را بدون نقطه بنویسید، هر کس نقطه بگذارد بازنشه است. آماده... شروع!^(۴)

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، چ ۴۱، ص ۷۳ و ۹۰.

۲- مریبی جمله «جنگ با دشمن» را در مقابل به صورت اول می‌نویسد (اول: جنگ با دشمن)

۳- مریبی این مسابقه را چند مرتبه ادامه می‌دهد تا از میان این ده نفر سه نفر باقی بمانند. سپس به آنها

۴-

حضرت علی ؑ نیکی به دیگران را به زراعت و سرمایه‌ی پرسود تشبیه می‌کند. انسان وقتی کشاورزی کرد بعد از مدتی حاصل آن را درو می‌کند. نیکی به دیگران، همانند کشاورزی است که انسان در دنیا انجام می‌دهد و حاصل آن را نه تنها در دنیا بلکه در آخرت هم مشاهده می‌کند. نیکی به دیگران هم نوعی جوانمردی است که من آن را روی تخته می‌نویسم^(۱) تا دو صورت جوانمردی کامل شود. آن گاه برای شما حکایتی در این زمینه نقل کنم. حضرت فاطمه ؑ مریض شده بود و امام علی ؑ کنار بسترش نشسته بود. چند لحظه بعد امام علی ؑ سکوت را شکست و با مهربانی گفت: «آخر از من چیزی بخواه! چندین سال است که همسر من هستی و هرگز چیزی از من نخواسته‌ای!».

سپس دستش را روی پیشانی حضرت فاطمه ؑ گذاشت و ادامه داد: «حال تو خوب نیست، تب داری کاش چیزی می‌خواستی تا برایت فراهم کنم.» حضرت فاطمه ؑ تبسم مهربانانه‌ای کرد و گفت: «تو برایم همه چیز هستی. حالا که اصرار می‌کنی آرزویم را می‌گوییم. کاش الآن یک انار داشتیم و با هم می‌خوردیم، ولی حیف که حالا فصل انار نیست!»

امام علی ؑ برخاست و برای یافتن انار از خانه بیرون رفت. هر چه تلاش کرد اناری پیدا نکرد تا این که شنید کسی انار می‌فروشد. به آن جا رفت و دو دانه انار خرید. کوچه‌های مدینه را پشت سرگذاشت و با خوشحالی به طرف خانه شتافت، از کنار

→ جایزه می‌دهد.

۱- مربی جمله، «نیکی به دیگران» را در مقابل جمله دوم روی تخته می‌نویسد (دوم: نیکی به دیگران)

خرابهای می‌گذشت که صدای ناله‌ای شنید. ایستاد و داخل خرابه رانگاه کرد. پیرمردی لاغر در گوشه‌ی خرابه نشسته بود و می‌نالید. امام به او نزدیک شد پرسید: «ای مرد! چرا می‌نالی؟» پیرمرد که کور بود، قصه‌ی زندگی خود را تعریف کرد و امام علی علیه السلام گفت: «به خانه‌ی من بیا». ولی پیرمرد نپذیرفت. امام علی علیه السلام پرسید: «چه می‌خواهی تا برایت بیاورم؟» پیرمرد گفت: «اگر انار داری به من بده». امام علی علیه السلام بی درنگ یکی از انارها را پاره کرد و دانه‌های سرخ آن را در میان دست‌هایش جمع کرد و در دهان پیرمرد ریخت. او هم با اشتها دانه‌های شیرین انار را خورد و بعد هم آهی کشید و گفت: «چه انار خوشمزه و شیرینی بود، ای کاش باز هم داشتی!» امام علی علیه السلام به انار بعدی نگاه کرد به یاد چهره‌ی رنگ پریده و بیمار حضرت فاطمه علیها السلام ناراحت نمی‌شد. آن گاه انار بعدی را هم پاره کرد و پیرمرد دانه‌های آن را هم خورد و برای او دعا کرد. امام علی علیه السلام از او خدا حافظی کرد و به سوی خانه بازگشت.^(۱)

۱- ناصر نادری: «بوی سیب»، پیام محراب، تهران، ۱۳۷۵، ص ۷۱ (بازیرايش)

نام درس

غلامرضا محسنی

حضرت علی ؑ و فرصت‌ها

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانش آموزان در این درس با سیره‌ی عملی علی ؑ در مفتنم شمردن فرصت‌های عمر آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. رُودگُر پومن عمر انسان و ارزش فرصت‌های چوانی.

۲. دو حدیث درباره‌ی معتقد شمردن فرصت‌ها و عمر.

۳. پیگوئی استفاده‌ی امام از فرصت‌ها در استفاده از علم پیامبر اکرم ﷺ.

۴. نوچوانی، فرصتی برای عبادت خدا.

۵. ورثش در نوچوانی، یعنی استفاده از عمر.

هدف رفتاری

آمید می‌رود در پایان درس دانش آموزان با برخی از سیره‌های عملی علی ؑ در استفاده از عمر آشنا شوند و آن‌ها را در زندگی خود بکار بگیرند.

روش‌های مناسب تدریس

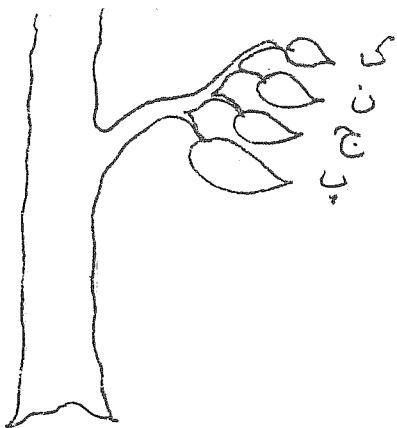
۱. فعال - ۲. توضیحی (سؤال و چواب، مسابقه، داستان و...)

رسانه‌های آموزشی

تحته سیاه و گچ.

حضرت علی (ع) و فرستها

خدایا یاریم کن تو به قدرت
با سلام خدمت شما برنامه را شروع می‌کنم. شکلی روی تخته می‌کشم^(۱) تا
شما بگویید چه شکلی است.



درست گفتید، شکل یک درخت با چند برگ است. شاید در فصل بهار وقتی
درختان لباس سبز می‌پوشند و برگ‌های سبز خودنمایی می‌نمایند، به طراوت و
تازگی برگ‌ها توجه کرده باشید. سبزی برگ، همیشگی نیست در پاییز زرد و از تنه‌ی
درخت جدا می‌شود و بر زمین می‌افتد من از شما می‌پرسم آیا می‌شود این برگ زرد
دوباره با طراوت و سبز شود؟ جواب منفی است.

-۱- مریبی در قسمتی مناسب از تابلو طرح را رسم کند.

من جلوی هر برگ حرفی می‌نویسم.^(۱) این‌ها حرف اول چهار مرحله از عمر انسان است، می‌توانید آن مراحل را بگویید؟

مرحله‌ی اول: کودکی

مرحله‌ی دوم: نوجوانی

مرحله‌ی سوم: چوانی

مرحله‌ی چهارم: پیری.

هر مرحله برای خودش ارزشی دارد و هیچ یک هم قابل برگشت نیست، همانند برگی که از درخت جدا شود باید قدر مرحله‌ی نوجوانی (مرحله‌ی دوم از مراحل عمر است) را بدانیم، چرا؟ به برنامه‌ی ۶ سؤال و یک جمله توجه کنید تا برایتان مشخص شود. من یک جدول نرده‌بانی با بیست و دو خانه روی تخته رسم می‌کنم سپس از شما ۶ سؤال می‌رسم و حروف مربوط به جواب‌های صحیح را در خانه‌های تعیین شده می‌نویسم.

۱- مربی در این قسمت حروف را مقابل برگ‌ها می‌نویسد.

- (۱)- کفتاری که حقیقت نداشته باشد: دروغ (۳-۴-۱۲-۱۳)

(۲)- پنده دهندہ بی ربان: کتاب (۱۰-۱-۲-۱)

(۳)- بی چین و چروک، مسطح: صاف (۷-۱۴-۶)

(۴)- نقل کننده: ناقل (۹-۱۵-۵)

(۵)- صدود همین سوره‌ی قرآن: نصر (۱۶-۱۹-۱۷)

(۶)- کناره‌ی دهان از پلا و پایین که روی دندان‌ها رامی پوشاند: لب (۲۰-۲-۲۱)

88 16 17 18 19 11 1. 9 10 11. 11 1 A 88 V IV 8 D 14 16 2 2 1

در اینجا از شما می‌خواهیم حروف را از سمت راست به هم متصل کنید تا
کلامی از حضرت علی علیه السلام را به دست آوریم.

همان طور که می بینید جمله‌ی: «بِنَادِ الرُّفْرَضَةِ قَبْلَ أَنْ تَكُونُ غُصَّةً»^(۲) به دست آمد که معناش این است: «فرصت را دریاب پیش از آن که سبب غصه شود». بله! نوچوانی هم فرصتی است که باید از آن استفاده کرد.

چگونه؟ یکی از آن‌ها آموختن است که در سن نوجوانی بسیار اهمیت دارد.
حضرت علی علیہ السلام هم از فرصت نوجوانی خود برای آموختن استفاده می‌کرد. او
همشه هم‌اوه سول خدا بود، به حند دلیا. او ته‌انست از محض رسول خدا صلوات الله علیه و‌آله و‌سلم

۱- جهت راهنمایی مری: جواب به ترتیب حروف در خانه‌ها قرارداده می‌شود مثلاً صاف: (ص، ۷)، (الف، ۱۴)، (ف، ۶)

^۲- محمد تميمي آمدي، غرر الحكم و درر الكلم، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۲۴۱.

بیشترین استفاده را ببرد:

- ۱- از آغاز بعثت ایمان قوی به رسول خدا داشت و او را صادق، امین و پیامبر خدا می‌دانست.
- ۲- برای فراگرفتن سخنان آن حضرت آیات قرآنی چنان علاوه‌ی وافر و نبوغی سرشار داشت که هیچ شخص دیگری چنان نبود.
- ۳- پیوسته مراقب بود تا هر چه را که می‌شنود و می‌بیند در صفحه‌ی دل و یا کاغذ ضبط کند.
- ۴- حضرت رسول خدا هم عنایت خاصی داشت تا هر چه را که براونازل می‌شود به حضرت علی یاد دهد. برای همین هرگاه در شب به او وحی می‌شد پیش از آن که صبح شود به حضرت علی خبر می‌داد و اگر در روز برا او وحی می‌شد قبل از این که شب شود آن را به حضرت علی یاد می‌داد.^(۱) حضرت علی خود نیز می‌فرمود: «هرگاه از حضرت پیامبر اکرم سؤال می‌کردم، حضرت از گنجینه‌ی علمش به من می‌آموخت و هر وقت ساكت بود و سؤالی نمی‌کردم خود به من علم می‌آموخت.^(۲)

در اینجا من از شما سؤال می‌کنم آیا تا به حال شده که شما برای پرسش و یادگیری در راه خدا صدقه بدید؟اما مولای شما حضرت علی این کار را می‌کرد، به این حکایت گوش کنید! روزی حضرت رسول خدا به حضرت

۱- ابن شهر آشوب: «مناقب»، ج ۲، ص ۳۵

۲- محمد تمیمی آمدی: «غزال الحکم و دررالکلم»، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۴۵.

علی ظلیله فرمود: «یا علی! به من وحی شده است مردم قبل از هر پرسشی از من اول باید صدقه‌ای به فقیر بدهند و من قصد دارم مقدار صدقه را یک دینار قرار دهم.»
علی ظلیله عرض کرد: «یا رسول الله ظلیله اگر مقدار صدقه یک دینار باشد، مردم سوال نخواهند کرد.»

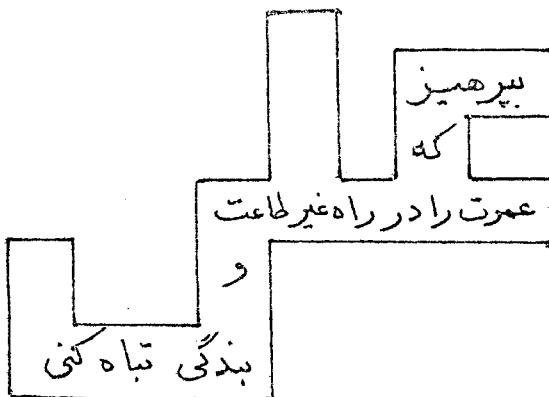
حضرت ظلیله فرمود: «پس چقدر باشد؟»

حضرت علی ظلیله عرض کرد: «یک دانه گندم یا یک دانه جو»
البته مردم حاضر نشدند حتی با چنین هزینه‌ی اندکی از حضرت پیامبر ظلیله سوال کنند، مگر حضرت علی ظلیله که صدقه داد و برای بهره بردن از دانش حضرت پیامبر ظلیله به محض اول ظلیله شرفیاب شد. (۱)

بله! حضرت علی ظلیله که قدر دانش ناب نبوی ظلیله را می‌دانست، هزینه‌ی آن را هم مشتاقانه می‌پرداخت و به خاطراهیتی که به خود می‌داد، از هدر دادن و تباہ ساختن فرصت‌ها پرهیز می‌کرد. حضور در محض حضرت رسول خدا ظلیله را مغتنم می‌شمرد و از او سوال می‌کرد من هم فرصت را مغتنم می‌شمارم و بایک مسابقه برنامه را دنبال می‌کنم. شما و شما لطفاً برای شرکت در مسابقه تشریف بیاورید. من دو سری کارت هفت تایی دارم، به هر شرکت کننده یک دسته از این کارت‌ها را می‌دهم باید هفت تکه را کنار هم بچینند. (۲)

۱- استاد مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ج ۲۳، ص ۴۴۷.

۲- مری از قبل روی دو مقوای شکل بالا را رسم می‌کند آن گاه مانند جورچین (بازل) آن را به هفت تکه می‌برد به هر شرکت کننده یک سری کارت هفت تایی می‌دهد. از دانش‌آموزان خواسته شود با این شعار شرکت کنندگان را تشویق نمایند.



از برنده می‌پرسم نام کدام امام با چیدن تکه‌ها کنار هم به دست آمد؟ علی
حالا از شرکت کننده‌ی دیگر می‌خواهم با صدای بلند جمله داخل طرح را
بخواند. همان طور که شنیدید حضرت علی علیه السلام با این سخن: «پرھیز که عمرت را
در راه غیر طاعت و بندگی تباہ کنی». ^(۱) ما را به طاعت و بندگی دعوت می‌کند، تا
عمر خود را در این راه صرف کنیم همان طور که خود حضرت علی علیه السلام در سالین
نوجوانی چنین بود. اینک جربانی را در این مورد برای شما نقل می‌کنم. هنگامی که
وقت نماز می‌شد، حضرت رسول خدا علیه السلام به سوی دره‌های مکه می‌رفت،
حضرت علی علیه السلام نیز با او راهی می‌شد و این کار پنهان از چشم دیگران انجام
می‌گرفت. آن دو در میان دره‌ها نماز می‌خواندند و چون شب می‌شد به مکه باز
می‌گشتند. مدتی بر این حال گذشت تا آن که روزی ابوطالب حضرت پیامبر علیه السلام و
حضرت علی علیه السلام را دید که مشغول عبادت هستند از آن حضرت علیه السلام پرسید این

بچین بچین کنار هم با دقت و سرعت و فهم

۱- تصنیف غرالحکم / فصل ۶ (درباره‌ی عمر)، ص ۱۶۵-۱۵۸.

چه کاری است؟

حضرت رسول خدا ﷺ فرمود: «این دین خدا، دین فرشتگان، دین رسولان و دین پدر ما حضرت ابراهیم ﷺ است». در این وقت حضرت علی ؑ گفت: «ای پدر! من به خدا و رسول او ایمان آورده‌ام و در آنچه آورده است او را تصدیق کرده‌ام و برای خدا با او نماز گذاردم.»

ابوطالب به حضرت علی ؑ فرمود: پسرم بدان که محمد ﷺ جز برکار خیر دعوت نمی‌کند، پس همراه او باش.»^(۱)

علی ؑ نوجوان همواره همراه پیامبر ﷺ بود. او نه تنها علم می‌آموخت، بلکه خدا را هم عبادت می‌کرد و به فکر جسم خود نیز بود. من در اینجا با یک سؤال به این مطلب اشاره می‌کنم.

نام و رُزشی را بگویید که پا یک حرکت تبدیل به نام یک وسیله می‌شود؟

احسن‌ت! کشتنی

حالا می‌توانید چند فن کشتنی را بگویید؟ بله! زیر یک خم، زیر دو خم، فتیله پیچ، بارانداز و... کشتنی ورزشی بسیار قدیمی است که حتی در زمان حضرت علی ؑ هم نوجوانان و جوانان به آن می‌پرداختند، حضرت علی ؑ کشتنی گیر خوبی بود در تاریخ آمده است که ابوطالب پدر حضرت علی ؑ بسیاری از موقع فرزندان، برادرزاده‌های خود را جمع می‌کرد و به آنان دستور می‌داد با هم کشتنی بگیرند. حضرت علی ؑ نیرومند بود، بازوی قوی داشت آستین‌های خود را بالا

۱- محمد بن علی بن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، دارالاضواء، بیروت، لبنان، ۱۴۱۲ هـ، ج ۲، ص ۲۶.

می زد و با برادران و عموزاده های خویش کشتی می گرفت، همیشه با یک چرخش سریع پشت تک تک آنها را به خاک می مالید. برای همین پدرش نیز او را تشویق می کرد و می فرمود: «حضرت علی طیللاً پیروز شد». به همین سبب او را «ظهیر» نامیده اند.^(۱)

آیا می توانید قسمتی از دعای کمیل را بگویید که درباره ای پرورش جسم می باشد؟

.... قَوْ عَلَى حِدْمَتِكَ جَوَارِحِي

حالا دو گروه شوید:

گروه اول: قَوْ عَلَى.....

گروه دوم: و اشده.....

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، دارالاحیاء تراث الاسلامی، بیروت، لبنان، ج ۳، ج ۴۱، ص ۲۷۵.

غلامرضا محسنی

نام درس

حمایتگر

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با سیره‌ی عملی امام علی علیهم السلام در حمایت از مظلومان و محروم‌مان آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. حدیثی درباره حمایت از مظلوم.
۲. حمایت علی علیهم السلام از مظلومیت اپوذر.
۳. حمایت علی علیهم السلام از پیرمرد از کار افتاده.
۴. حمایت علی علیهم السلام از بچه‌های معروم.

هدف رفتاری

امید می‌رود در پایان درس دانشآموزان سیره‌ی عملی حضرت علی علیهم السلام در حمایت از مظلومان و محروم‌مان را در زندگی و جامعه خود پیاده کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی، ۲. فعال (سؤال و جواب، مسابقه، پارسی با کلمات)

رسانه‌های آموزشی

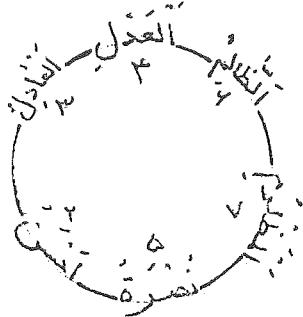
۱. تخته سیاه و کج



بسم الله الرحمن الرحيم

با ياد و نام خدا و سلام خدمت شما برنامه را آغاز می کنم.

روی تخته هفت کلمه‌ی عربی به صورت دایره می‌کشم که هر کدام یک شماره دارند.



حالا این جمله را زیر دایره می‌نویسم «بهترین عدل، یاری دادن به مظلوم است».

شما با کمک این جمله که ترجمه‌ی حدیث است کلمات حدیث را مرتب کنید.

اولین شماره که باید نوشته شود کدام است؟ دست‌ها بالا... شما بگو!

احسنست! عدد ۲ کلمه‌ی آن را روی تخته می‌نویسم.

احسن

می‌رویم سراغ عدد بعدی. آن عدد کدام است؟ فقط دست‌ها را بالا کنید... شما

بگو احسنست! عدد ۴. من کلمه‌ی مربوط به آن را هم روی تخته کنار کلمه‌ی احسن

می نویسم؛ **الْعَدْلِ**.

دو تا کلمه‌ی دیگر باقی مانده دست‌ها را بلند کنید. شما بگو چه عددی را باید بنویسیم؟... احسنت! عدد ۵ کلمه‌ی مربوط به عدد پنج را روی تخته کنار العدل

می نویسیم؛ **نُصْرَةً**

خوب! حتماً دیگر همه فهمیدید که آخرین عدد، چه عددی است؟
همه با هم بگویید... بله! عدد ۷، کلمه‌ی مربوط به آن که «**الْمَظْلُومٌ**» است. در کنار کلمه‌ی نصرة می نویسم و به این صورت حدیث ما کامل می شود: احسن العدل نصرة **المظلوم**^(۱)

از همه‌ی شما می خواهم با صدای بلند حدیث را بخوانید. حالا من نام امامی که این سخن را فرموده است در وسط دایره می نویسم^(۲).

تا من این نام را بنویسم شما حدس بزنید و بگویید... بله! علی **طَّهَرَة** این سخن را فرمود و البته خودش هم انسانی عادل بود و همیشه از مظلومان دفاع می کرد. در این جا از یک نفر می خواهم آیه‌ی سی و پنجم از سوره‌ی توبه را برایمان بخواند...^(۳) این آیه‌ای که خوانده شد، یار پیامبر اکرم **علیه السلام** و علی **طَّهَرَة** ابوذر غفاری نیز آن را روزی خواند. من ترجمه‌اش را می خوانم و بعد جریان را برایتان نقل می کنم آیه درباره‌ی کسانی است که پول دارند ولی در راه خدا اتفاق نمی کنند. خداوند هم می فرماید: در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان کرده و با آن صورت‌ها،

۱- عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی: «غزال الحكم و درر الكلم»، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲- مربی نام علی **طَّهَرَة** را در وسط همان دایره، روی تخته می نویسد.

۳- مربی قرآنی با ترجمه همراه داشته باشد که اگر در محل قرآن نبیرد، دچار مشکل نشود.

پهلوها و پشت هایشان را داغ می‌کنند. (به آنها گفته می‌شود) این همان چیزی است که برای خود اندوختید، پس بچشید چیزی را که برای خود می‌اندوختید! اما چرا ابوذر این آیه را خواند! گوش کنید تا برایتان بگویم.

معاویه که در شام حکومت می‌کرد نامه‌ای به این مضمون به خلیفه‌ی وقت نوشت که ابوذر مردم را به ولایت علی طیلاً تشویق می‌کند و ما را به خاطر مال‌دوستی و ثروت توبیخ می‌کند. اگر وضع به همین صورت پیش برود، مردم دیگر از من و تو اطاعت نخواهند کرد.

نامه توسط یک قاصد با اسبی تندر روبرو به سوی مدینه فرستاده شد و بعد از مدتی قاصد وارد شهر مدینه شد و نامه‌ی معاویه را به خلیفه تسلیم کرد.

خلیفه که بر روی تخت مشغول خواندن نامه بود، ناگهان با ناراحتی از جا بلند شد و به نامه نویس خود دستور داد که به معاویه این چنین بنویسید و قتی این نامه به دست تو رسید ابوذر را بر شتری بدون جهاز سوار کن و با یک نفر بدون توقف به سوی مدینه بفرست.

نامه‌ی خلیفه توسط قاصد معاویه به سوی شام فرستاده شد و زمانی که نامه به دست معاویه رسید و از متن نامه آگاه شد بی‌درنگ دستور خلیفه را اجرا کرد. وقی ابوزر پیر که بر اثر طولانی بودن مسیر و بی‌جهاز بودن شتر، رانهایش به سختی مجروح شده بود وارد مدینه شد و با همان حال خلیفه را ملاقات کرد، از اعمال و رفتار معاویه سخن گفت از ظلم و ثروت اندوزی او به شدت انتقاد کرد و همان آیه را که دوستتان خواند، قرائت کرد.

اما خلیفه هم مثل معاویه از دست امر به معروف‌ها و نهی از منکرهای ابوذر خسته شد و نتوانست او را تحمل کند، به همین خاطر دستور داد او را به همراه خانواده‌اش به بدترین جا یعنی صحرای ریذه بفرستند و نیز فرمان داد که کسی او را بدرقه نکند.

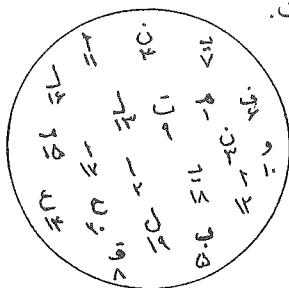
ساعاتی بعد ابوذر همراه خانواده‌اش در غربت و تنها بی کوچه‌های شهر مدینه را طی کرد تا از شهر خارج شود. وقتی به خروجی شهر رسید حضرت علی ؓ حضرت امام حسن ؓ و حضرت امام حسین ؓ، عمار، عقیل و... را دید که برای بدرقه‌ی او آمده‌اند. ابوذر با دیدن حضرت علی ؓ خستگی و ناراحتی اش برطرف شد و گل خنده بر لبانش نشست.

حضرت علی ؓ به فرزندانش دستور داد تا با ابوذر خدا حافظی کنند. و آنگاه به ابوذر فرمود: ابوذر به خاطر خدا خشم گرفتی و غصب کردی پس به همان کس که به خاطرش غصب نمودی امیدوار باش. اگر دنیا شان را می‌پذیرفتی دوست داشتند و اگر سهمی از آن را به خود اختصاص می‌دادی و با آن‌ها کنار می‌آمدی دست از تو بر می‌داشتند.

در این هنگام، مروان ظالم که از آشنایان خلیفه بود علی ؓ را همراه ابوذر دید و گفت: مگر خلیفه دستور نداده بود کسی با ابوذر ملاقات نکند و به بدرقه‌اش نیاید. حضرت علی ؓ جواب او را داد. ابوذر که حالا از مولایش دور می‌شد به طرف صحرای ریذه رفت و سرانجام با مظلومیت در آنجا از دنیا رفت.^(۱)

۱- حاج شیخ عباس قمی: «منتهی الامال»، مطبوعاتی حسینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

در این جا با یک مسابقه برنامه را ادامه می‌دهیم؛ من میان دایره‌ی روی تخته را پاک می‌کنم. آن گاه حروف مقطعی را همراه عددهایی داخل آن می‌نویسم.
سپس از میان شما دو نفر را انتخاب می‌کنم تا در این مسابقه شرکت کند.
دست‌ها را بالا ببرید... شما و شما بفرمایید این جا... همان طور که می‌بینید میان دایره حروف پراکنده‌ای همراه اعدادی نوشته شده است.



عدد فرد مال یک شرکت کننده و عدد زوج مال شرکت کننده‌ی دیگر تماشگران هم دو دسته می‌شوند، دسته‌ی سمت راست بگویند: «با عدد و با همت» و دسته‌ی سمت چپ بگویند: «برنده شو با دقق».

با شمارش من و تشویق بچه‌ها شما رو به تخته برگردید. و مسابقه را شروع کنید.
هر کدام از شما حروف را به ترتیب کنار هم، روی تخته بچینید تا جمله‌ی مورد نظر به دست بیاید. (۱) آماده! یک، دو، سه..... با عدد و با همت..... برنده.....

خوب همان طور که می‌بینید این جمله به دست آمد: «انفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَال» (۲) برای این که بفهمید این کلام از کیست و در کجا این جمله را بیان کرد، به

-
- ۱- شرکت کننده با عدد زوج قسمت اول یعنی «انفقوا علیه» و شرکت کننده، دیگر با عدد فرد ادامه جمله را به دست خواهد آورد.
 - ۲- برای برنده جایزه‌ای در نظر گرفته شود.

یک حکایت گوش کنید!

یک روز او، پیرمرد نابینایی را دید که در گنج دیواری نشسته است. او با موهای سفید و ژولیده به دیوار تکیه داده و مشغول خاراندن صورتش بود.
امام علی علیله با دیدن او چنان ناراحت شد که چین بر پیشانیش افتاد و زانوها یش سست شد. جلو رفت و کنار او نشست و با دردمندی پرسید: «ای مرد! اینجا چه می‌کنی؟»

پیرمرد که دست هایش می‌لرزید سرش را بلند کرد، اما زبانش مثل چشم‌های بی‌فروغش ساکت و بی‌حرکت ماند. امام علیله دوباره پرسید: «ای بنده‌ی خدا تو که هستی، چرا در اینجا تنها نشسته‌ای؟»

پیرمرد چانه‌اش لرزید و با حالت عصبی سرفه‌ای کرد. بعد دست‌های لاغر ش را روی سینه‌ی استخوانی اش گذاشت و با صدای خفه‌ای گفت: «پیرمردی هستم که تا جوان بودم برای مردم کار می‌کردم ولی حالا به این روز افتاده‌ام، کسی به من کمک نمی‌کند آیا این ظلم به من نیست؟»

این را گفت و دانه‌های ریز اشک روی گونه‌هایش سرازیر شد.

امام علی علیله ابروها یش درهم رفت. آه بلندی کشید و با ناراحتی گفت: «تو حالا باید استراحت کنی. این از عدالت به دور است که این طور درمانده باشی.» سپس به طرف یکی از همراهانش برگشت و بالحن جدی گفت: «انفقوا علیه من بیت‌المال»، «از بیت‌المال به او بدهید.»

آن‌گاه دست‌های لاغر و پینه بسته‌ی او را میان دست‌هایش گرفت و با مهریانی

با او خدا حافظی کرد و از آن جا دور شد.^(۱) پیر مرد که هنوز گرمی دست‌های امام علی طیلا را در دست‌هایش حس می‌کرد، با خود می‌گفت: «راستی علی طیلا یاور مظلومان است.»

برای شناخت علی طیلا بهتر است به این قسمت از برنامه نیز توجه کنید. من حرفی را روی تخته می‌نویسم، شما نامش را بگویید... «م»... حالا اگر حرف «را» به اولشن (اصافه کنیم چه می‌شود؟) پایتخت ایتالیا، رُم،

اگر «را» در این کلمه قفعه داشته باشد چه می‌شود؟

حرم اگر به اول «رم» یک «حا» اضافه کنیم چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟

محرم امام حسین طیلا در چه ماهی به شهادت رسید؟

حala با کمک حرف «واو» از محروم کلمه‌ای با معنا پسازید.

سل نام یک پیماری که با سرفی زیاد و تنگی نفس همراه است، چیست؟

عسل پا اضافه کردن یک حرف به اول سل، نام یک حوراکی را به دست آوریده

در اینجا از شما می‌خواهم با کلمه‌ی محروم و عسل یک جمله بسازید.

احسن! جواب‌های خوبی دادید^(۲)

در آخر حکایتی را برایتان نقل می‌کنم که در همین رابطه است.

آن روز، هواگرم و آسمان آفتابی بود. نسیم هم به آرامی شاخه‌ی نخل‌ها را تکان می‌داد و آفتاب در میان شاخ و برگ درخت‌ها می‌درخشید. مردی از راه دور به

۱- وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹.

۲- دانش‌آموzan جواب‌های می‌دهند، مثلاً: محروم از عسل محروم هستند. به محروم از عسل بدھیم. مریبی آنها را تشویق و بعد حکایت رانقل کند.

دیدن امام علی علیه السلام آمد. او با خود چند ظرف عسل و یک سبد انجیر آورده بود. وقتی می خواست آنها را به امام بدهد، گفت: اینها را برای شما آورده ام و امیدوارم از من بپذیرید!»

امام علی علیه السلام تبسم کرد و فرمود: «سپاسگزارم.» بعد رویه یکی از نزدیکان کرد و فرمود: «چند نفر از یارانم را صدا بزن تا به اینجا بیایند.»

لحظه‌ای گذشت و چند نفر از یاران سراسیمه از راه رسیدند، امام علی علیه السلام گفت: «بروید و بچه‌های محروم را به اینجا بیاورید. بعد از مدتی یاران او با چند نفر از بچه‌ها ای محروم مدینه که در سایه‌ی نخل‌ها بازی می‌کردند از راه رسیدند. آنها با پای برهمه و لباس سفید بلند و وصله دار اطراف علی علیه السلام حلقه زدند و غرق تماشی او شدند. امام هم لبخند زنان از آنها استقبال کرد و با مهربانی صورتشان را بوسید. سپس ظرف‌های عسل را جلو آورد و با دست خود در دهان تک تک آنها عسل گذاشت. حضرت در زیر لب می‌گفت: «فرزندانم از این عسل بخورید!»

بچه‌های محروم هم با اشتیاق کنار ظرف‌های عسل نشستند و با تکه‌های نان مشغول خوردن شدند و هنگامی که سیر شدند با نگاه‌های تشکرآمیز از خانه‌ی کوچک امام علی علیه السلام بیرون رفتند.^(۱)

۱- کلینی: «اصول کافی»، سید جواد مصطفوی، انتشارات چهارده معصوم، تهران، ج ۲، ص ۲۶۴ و ۲۶۳.

نام درس

غلامرضا محسنی

جلوه‌های عدالت حضرت علی ظیحه

موضوع

تاریخ

هدف کلی

دانشآموزان در این درس با قسمتی از سیره‌ی عملی حضرت علی ظیحه درباره‌ی
عدالت آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. حدیثی درباره‌ی عدل.

۲. میزان سُبْعَشْ.

۳. عدالت فردی حضورت علی ظیحه.

۴. عدالت اجتماعی حضورت علی ظیحه.

۵. عدالت خانوادگی حضورت علی ظیحه.

هدف رفتاری

امید می‌رود دانشآموزان در پایان درس با قسمتی از سیره‌ی عملی حضرت
علی ظیحه در زمینه فردی و اجتماعی آشنا شوند و آن را در زندگی خود پیاده کنند.

روش‌های مناسب تدریس

۱. توضیحی ۲. فعال (سوال و جواب، مسابقه، داستان و ...).

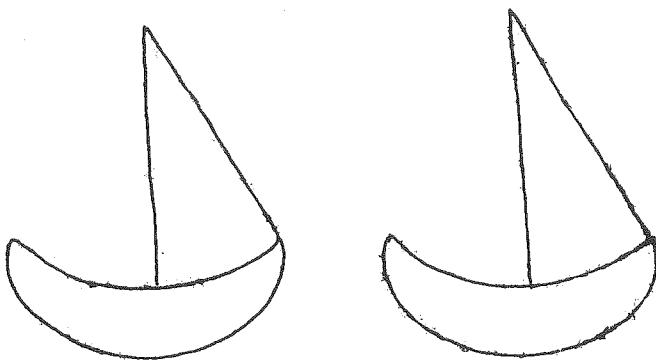
رسانه‌های آموزشی

تخته و چیز، قلم و کاغذ

جلوههای عدالت حضرت علی (ع)

بسم الله الرحمن الرحيم

با ياد و نام خداوند و با سلام خدمت شما برنامه را آغاز می‌کنم. برای شروع دو شکل روی تخته می‌کشم و از شما می‌خواهم نام آنها را به زبان عربی بگویید.



درست گفتید، در زبان عربی به کشتی، «سفینه» می‌گویند. آیا می‌توانید یک حدیث بگویید که در آن کلمه‌ی «سفینه» باشد؟

«إِنَّ الْحُسَيْنَ مِضْبَاطُ الْهُدَىٰ وَ سَفِينَةُ النَّجَاهِ»^(۱)

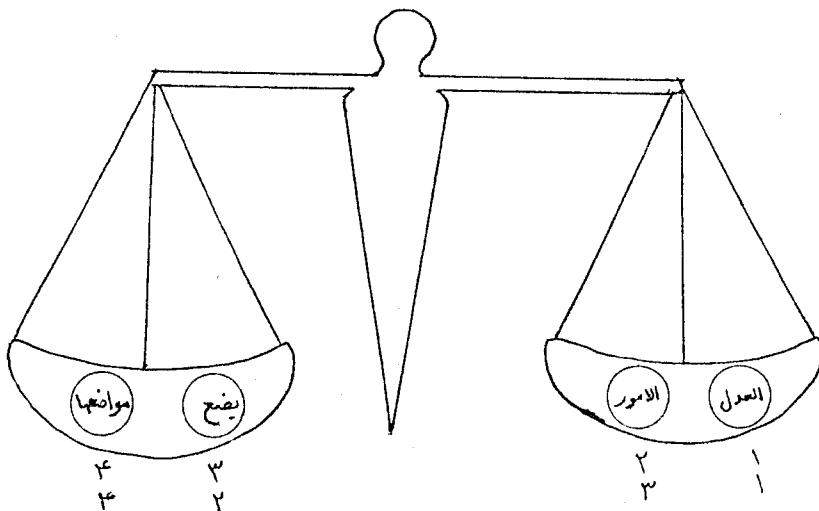
«امام حسین طیلہ چراغ هدایت و کشتی نجات است.»

حالا یک حدیث از حضرت محمد ﷺ می‌گوییم تا آن را هم به خاطر بسپارید.

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، دارالحياء للتراث العربي، بيروت لبنان، ج ۳۶، ص ۲۰۵، س ۴.

إِنَّمَا مَثُلٌ أَهْلَ بَيْتِي فِي كُمْ كَمَثَلٍ سَفِينَةٍ نُوحٍ مَنْ رَكَبَهَا نَجَىٰ وَمَنْ تَحَفَّظَ عَنْهَا غَرِقٌ^(۱)
پیامبر اکرم ﷺ اهل بیت‌شیعیت را به کشتی تشبیه می‌کند، می‌فرماید: «کسانی که همراه آن باشند نجات می‌یابند، مانند [یاران حضرت نوح ﷺ] و کسانی که آن را ترک کنند، غرق خواهند شد.» مانند پسر حضرت نوح ﷺ. پس امامان و معصومان ﷺ نجات دهنده‌ی انسان‌ها‌یند.

یکی از نجات‌ها، نجات از بی‌عدالتی و حرکت به سوی ساحل عدالت و ایجاد عدل در جامعه است.
در اینجا شکل را کامل می‌کنم. تا شما نام آن را به من بگویید.



بله! در این ترازو چهار دایره رسم می‌کنم و در هر دایره یک کلمه‌ی عربی از یک جمله، به صورت نامرتب، می‌نویسم و در زیر هر دایره هم دو گزینه از اعداد قرار می‌دهم. آن وقت از شما می‌خواهم که بگویید گزینه‌ی صحیح برای مرتب کردن جمله، کدام است گزینه‌ی شماره یک یعنی (۱، ۲، ۳، ۴) یا گزینه‌ی دو یعنی (۱ و ۳ و ۲ و ۴) ...

آن‌ها که گفتند گزینه‌ی یک، دست خود را بلند کنند. حالا آن‌ها که گزینه‌ی دو را صحیح می‌دانند دست خود را بالا ببرند.

در اینجا، آن‌ها که گزینه‌ی دو را انتخاب کردند، حدس‌شان صحیح بود.

«العدل يضع الأمور مواضعها»^(۱)

این سخن از کلمات کوتاه حضرت علی علیه السلام درباره‌ی عدل است، یعنی عدل همه چیز را در جایگاه اصلی خود قرار می‌دهد. در سخن دیگر حضرت علیه السلام عدل را وسیله‌ی سنجش (همانند ترازو) برای استواری حق در جامعه معرفی می‌کند.^(۲)

حضرت علی علیه السلام چنان که از عدل به زیبایی سخن می‌گفت، در عمل هم به زیبایی عدل را پیاده می‌کرد، به خاطر همین در این قسمت از برنامه به گوشه‌ای از عدالت اجتماعی و فردی علی علیه السلام اشاره می‌کنم.

من سه کلمه روی تخته می‌نویسم تا ببینم آیا شما می‌توانید موضوع داستانی را که می‌خواهم نقل کنم، حدس بزنید!

۱- سید رضی: «نهج البلاغه»، فرض الاسلام، تهران، ج ۱، ص ۱۲۹۰، حکمت ۴۲۹.

۲- محمد محمدی ری شهری: «میزان الحکمة»، مکتب الاسلامی، ج ۱، ج ۶، ص ۷۸.

حضرت علی ﷺ

یهودی

زره

... خوب آنها که این جریان را نشنیده‌اند، خوب گوش کنند.

روزی امام علی ﷺ زره خود را که در جنگ جمل گم شده بود، در دست یک نفر یهودی دید و به او فرمود که زره مال من است. مرد یهودی پاسخ داد که زره در دست من است و شما برای اثبات ادعای خود باید شاهد بیاوری.

آن دو نزد قاضی رفته‌اند. قاضی هم از حضرت علی ﷺ شاهد خواست. امام علی ﷺ، امام حسن عسکری و خدمتکارش قنبر را معرفی کرد، ولی قاضی گواهی آن دو را قبول نکرد، و گفت: «این دو از نزدیکان شما هستند و شهادتشان قبول نیست برای همین من به نفع مرد یهودی حکم می‌کنم.»

وقتی یهودی قانون‌گرایی امام علی ﷺ را دید، مسلمان شد و گفت: این زره از آن علی ﷺ است که از اسبی خاکستری رنگ، پس از جنگ صفين افتاد و من برداشتمن.

امام علی ﷺ فرمود: «حالا که مسلمان شدی زره را نیز به تو بخشیدم.»^(۱)

در این قسمت به سراغ عدالت اجتماعی علی ﷺ می‌رویم، اما از طریق یک مسابقه، سه نفر از شما می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند. من نوشته‌ای دارم که آن را در سه برگه نوشته‌ام، این متن بدون نقطه است. ما تا عدد «۳۰» می‌شماریم و در این فاصله باید سه شرکت کننده متن را نقطه گذاری کنند. هر کس تا پایان فرصت، بیشتر نقطه گذاری کرد برنده‌ی مسابقه خواهد بود.

«سوگند به خدا اگر تمام شب را روی خارها به سر برم و یا بازنجیر به این سو و

۱- محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار»، دار احیاء التراث العربي، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳، ج ۳، ج ۴۱، ص ۵۶

آن سو کشیده شوم، خوشتر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در وضعیتی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم، چگونه بر کسی ستم کنم برای نفع نفس خویش که به سوی کهنگی پیش می‌رود و برای زمانی طولانی در خاک اقامت می‌کند.»^(۱)

این سخنی است از حضرت علی علیه السلام پیرامون عدالت، اما این که چرا علی علیه السلام این سخن را گفت، حکایتی دارد که گوش کنید تا بدانید.

شخصی هدیه‌ای محض آن حضرت علیه السلام آورد و بعد درخواست بخشش از بیت المال کرد. چون این هدیه جهت دریافت وجهی از بیت المال بود، حضرت آن را نپذیرفت و بعد سخنی را که برای شما خواندم ایراد فرمود.^(۲)

در این جا من از شما علاقه‌مندان علی علیه السلام سؤالی می‌کنم که لازم نیست جوابش را به من بدهید، بلکه به خودتان هم جواب بدهید، کافی است، اما سؤال! اگر شما حاکم شهری باشید و یکی از افراد خانواده یا دوست شما خلافی کند، آنها را محاکمه می‌کنید؟

آیا بر علیه دوستان یا اعضای خانواده خود با این که می‌دانید خلافی کرده‌اند یا حق با آنها نیست، در دادگاه شهادت می‌دهید؟

حالا با کمک طرح روی تخته، برنامه‌ی بعدی را حدس بزنید.

۱۱۱۰

۱- سید رضی: «نهج البلاغه»، فیض الاسلام، ص ۷۱۳، خطبه ۲۱۵

۲- ابن میثم: «شرح نهج البلاغه»، ج ۴ و ۳، ص ۸۴

داستانی لز عدالت علی ﷺ

علی بن ابی رافع می‌گفت: «من کارگزار بیت المال حضرت علی ؑ و نویسنده‌ی او بودم. در بیت المال گردنبندی از مروارید وجود داشت که از بصره آورده بودند. روزی دختر آن حضرت ؑ کسی را نزد من فرستاد و پیغام داد که شنیده‌ام گردنبند مرواریدی نزد تو است. آن را به امانت در اختیارم بگذار تا روز عید قربان از آن استفاده کنم.»

من پیغام دادم که گردنبند را می‌دهم، اما اگر آسیبی به آن برسد باید پولش را بدهی. او هم پذیرفت و من گردنبند را برایش فرستادم.

حضرت علی ؑ در آن روز گردنبند را نزد دخترش دید و از او پرسید: «این را از کجا آورده‌ی؟» دخترش هم جریان را گفت و حضرت ؑ بی درنگ مرا احضار کرد و فرمود: «بدون رضایت مسلمان‌ها در بیت المال آن‌ها خیانت می‌کنی!» عرض کردم: «پناه بر خدا که خیانتکار باشم! حضرت علی ؑ فرمود: «پس چگونه گردنبند را به دخترم داده‌ای؟»

عرض کردم: «به صورت امانت دادم و گفتم که اگر آسیبی به آن برسد باید پولش را بدهد.»

حضرت علی ؑ فرمود: «همین امروز آن را پس بگیر و در جای خود بگذار، و ای بر تو! اگر بعد از این چنین کاری از تو سر بزنند، هرگز تو را نخواهم بخشید. اگر دخترم آن گردنبند را به صورت امانت و با قبول پرداخت خسارت احتمالی نگرفته بود، اولین زن هاشمی بود که دستش بریده می‌شد.»

وقتی این موضوع را دخترش فهمید. نزد حضرت رفت و گفت: «من دختر شما هستم!»

حضرت هم به او فرمود: «دخترم! به جهت هوای نفس خود از دایرهٔ حق بیرون مرو، مگر همهٔ زنان در عید قربان چنین زینتی دارند که تو نیز می‌خواهی داشته باشی؟»

ابی رافع در پایان این ماجرا می‌گوید: «پس از این گفت و شنود، من گردنبند را گرفتم و به جای خود برگرداندم.»^(۱)

۱- شیخ عباس قمی: «فوائد الرضویہ»، ص ۷۰۱.

نام درس

کار و تولید

موضوع

زندگانی علی طیلّا

هدف کلی

غلامرضا محسنی

دانشآموزان در این درس با چند نمونه از سیره‌ی عملی علی طیلّا در مورد کار و تولید آشنا می‌شود.

اهداف جزئی

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. تولید، درمان قدره

۲. حقد پچاه، کشاورزی، کسب درآمد پرای خانواده

هدف رفتاری

امید می‌رود در پایان درس دانشآموزان سیره‌ی عملی علی طیلّا را درباره‌ی کار و تولید در زندگی خود پیاده کنند.

روش‌های مناسب تدریس

توضیحی - فعال (پرسش و پاسخ، داستان، شعر، کارت پازی)

رسانه‌های آموزشی

تخنه سیاه

کار و تولید

بسم الله، بنام خدا ؟ خدایی که رحمان و رحیم است. هم بخشنده است و هم مهربان و به یاد او برنامه را همراه شما آغاز می کنم. ابتدا از شما می خواهم نام چند بیماری را بگویید تا من روی تخته بنویسیم. بله سرماخوردگی، گلودرد، مرض قند، کم خونی و ...

همان طور که می دانید این ها بیماری هایی هستند که در جامعه وجود دارند و مردم با مراجعه به دکتر به درمان آن ها می پردازنند. در اینجا من سه نقطه روی تخته می نویسم. سپس سه حرف از حروف الفبا را به طور پراکنده می نویسم. شما آن ها را مرتب کنید. رُفْقَ حالا از شما می خواهم با سه نقطه و سه حرف نام یک بیماری فردی و اجتماعی را به دست آورید تا من روی تخته بنویسم.

احسن! **فقر** به نظر شما درمان فقر با چه وسیله ای حاصل می شود؟
همان طور که بعضی از دوستانتان گفتند: «کار و تولید» درمان کننده ای فقر است.^(۱)

برخی با روح تن پروری خوکرده اند و به کار و تولید توجهی ندارند، برخی دیگر هم کار و تولید راننگ و عار می دانند، اما علی ^{ملیثاً} برای اداره زندگی خود و مبارزه با فقر به کار و تولید توجه داشت و نه تنها کار را عار نمی دانست بلکه در هر شرایطی

۱- اگر دانش آموزان نتوانستند جواب بدینند، مربی خود پاسخ دهد.

که بود کار می‌کرد.

در این برنامه تا حدودی با کارهای حضرت علی علیه‌الله‌آشنا می‌شویم. در ابتدا از کتاب خداوند متعال قرآن کمک می‌گیریم.

سوره‌ای در قرآن بگویید که پایان جهان به آن ختم می‌شود: **من آیه‌ای از این سوره برایتان می‌خوانم.**

«أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرُكُ سُدْمَىٰ (۳۶) «آیا انسان می‌پندارد او را به حال خود رها می‌کند؟!»

اما چرا از قرآن این آیه را خواندم؟ به این جریان گوش کنید؟ عده‌ای برای حل مشکلی که داشتند خواستند نزد حضرت علی علیه‌الله‌آشنا بروند. هر چه گشتند حضرت علی علیه‌الله‌آشنا را پیدا نکردند. بعد از نامیدی به آنان گفته شد که امیر مؤمنان علی علیه‌الله‌آشنا در مزرعه‌ی خود است. آن‌ها خود را به مزرعه حضرت علی علیه‌الله‌آشنا رساندند، و دیدند امام علی علیه‌الله‌آشنا مشغول کار بود، و این آیه را می‌خواند؛^(۱) همین آیه که برای شما خواندم.

در اینجا من روی تخته سه کلمه می‌نویسم.

زمزم یوسف علی علیه‌الله‌آشنا چاه علی علیه‌الله‌آشنا

حالاً کلمه‌ی چاه را در کنار این سه کلمه می‌نویسم و از شما می‌خواهم ارتباط هر

۱- اگر بجهه‌ها پرسیدند مشکل چه بود، مریبی پاسخ دهد بر سر فرزند پسر دعوا داشتند، حضرت علی علیه‌الله‌آشنا فرمود: «شیر دوزن را در طرف خاصی وزن کنند. آن زن که شیر او سنگین‌تر است، پسر بجهه مال اوست». هیئت علمی، مجموعه الگوهای رفتاری علی علیه‌الله‌آشنا (کار و تولید)، سازمان تحقیقات و مطالعات بسیج، ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۱۹.

یک از اسم‌ها را با چاه بیان کنید.

چاه زهرم، به خاطر تشنگی از زمین جوشید.

حضرت یوسف ﷺ به خاطر حسادت برادرانش در چاه افتاد.

حضرت علی ﷺ به خاطر مظلومیت و تنها بی سر در چاه می‌نمود. این را هم بدانید که امام علی ﷺ به دست خود چاه‌های فراوانی در اطراف مدینه (سرزمین پیش) حفر کرد و اغلب آن‌ها را وقف فقرا یا مسافران خانه‌ی خدا کرد.^(۱) به داستانی در این رابطه گوش کنید:

قطرات عرق از پیشانی حضرت علی ﷺ برگونه‌های مبارکش جاری بود و از لابالی محاسن او روی زمین می‌ریخت، آفتاب‌گرمای خود را همانند شلاق برزمین می‌زد و علی ﷺ سطل‌ها را یکی پس از دیگری پراز خاک کرد و در دل زمین پایین و پایین‌تر می‌رفت. هر بار با تکان خوردن طناب کسی که در بالای چاه بود، سطل خاک را به بالا می‌کشید. هر لحظه که می‌گذشت چاه عمیق‌تر می‌شد تا آن که صدا در عمق چاه پیچید: علی! جان! نزدیک غروب است.

علی ﷺ دست از کار کشید و پا در کناره‌های چاه گزارد و از آن بیرون آمد. دستی به روی خود کشید تا خاک‌های روی لباس و دست هایش را پاک کند. سپس در زیر درخت نخلی نشست کمی استراحت کرد.

چند دقیقه‌ای نگذشته بود که صدای آب در نخلستان پیچید. او خود را به حضرت علی ﷺ رساند و با خوشحالی فراوان از فواره‌ی آب در میان چاه خبر داد.

۱- فروع کافی، ج ۷، ص ۵۴۳ وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۰۳

هر دو سر چاه رفته و دیدند که آب چگونه از دل زمین می‌جوشد. علی عليه السلام فرمود: «این چاه مال زائران خانه‌ی خدا و رهگذرانی است که از این جا می‌گذرند کسی حق فروش آن را ندارد و فرزندان از من ارث نمی‌برند.» (۱)

در این قسمت یک حدیث برایتان می‌نویسم

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَصْرِبُ بِالْمَرْأَةِ وَ يَسْتَحْرُجُ الْأَرْضَيْنَ

معنای حدیث این است: علی عليه السلام همواره زمین را ببل می‌زد و نعمت در زمین‌ها را بیرون می‌آورد.

بله! به خاطر همین در تاریخ کشاورزی علی عليه السلام چنین سخن گفته‌اند. علی عليه السلام هسته‌های خرما را جمع آوری می‌کرد تا در باغ‌های خود بکارد. روزی یکی از یاران خدمت امام رسید و هسته‌های خرما را پیش روی آن حضرت دید. به خاطر همین پرسید: چرا این همه هسته خرما جمع کرده‌اید؟

امام علی عليه السلام فرمود: همه‌ی این‌ها به اذن خدا درخت خرما خواهد شد! بعدها همان شخص دید که امام همه‌ی آن‌ها را در زمین کاشته و نخلستانی از آن‌ها پدید آورده و سپس همه‌اش را وقف کرده است. (۲)

تا این جا با چند مورد از کار و تلاش حضرت علی عليه السلام آشنا شدیم، اما کار و تلاش علی عليه السلام به این چند مورد و موردی که در آخر برنامه برایتان می‌گوییم خلاصه نمی‌شود.

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، ج ۴۱، ص ۳۲.

۲- جعفر سبحانی: «فروع ولایت»، مؤسسه الامام الصادق، قم، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۷.

در آخر برنامه سوالی از شما دارم،

بفرمایید نام محلی که پیامبر اکرم ﷺ در جریان هجرت از مکه به مدینه در آن
جا چند روز منتظر حضرت علی طیلّا شد تا او باید و با هم وارد مدینه شوند؟ چه
بود؟

حالا بشنوید در مورد کار حضرت علی طیلّا در قبا: حضرت علی طیلّا روزی به
خانه آمد و از حضرت فاطمه طیلّا پرسید: «غذایی داریم؟» فاطمه زهرا طیلّا فرمود:
«چند روزی در منزل غذای کافی نداریم.» علی طیلّا سطل آبی گرفت و از منزل بیرون
رفت خود را به روستای قبا رساند و آبیاری یکی از نخلستان‌های اطراف قبا را به
عهده گرفت و قرارداد بست که برای هر سطل آبی که به درختان خرما می‌دهد، یک
دانه خرما بگیرد.^(۱)

۱- جرج جرداق: «علی و حقوق بشر»، ج ۱، ص ۸۴

گلواژه‌های علوی

گلوازدهای طبی

هر بیم هفترم!

چهل حدیث ذکر شده در این بخش که از فرمایشات گهربار مولای متقیان علی
ابن ابیطالب ظیلاً انتخاب شده جهت برگزاری مسابقه حفظ چهل حدیث می‌باشد
این صفحات را تکثیر نموده و در اختیار شرکت کنندگان قرار دهید و ضمن توضیح
این احادیث در زمان‌های مناسب در کلاس از آن‌ها بخواهید تا با یادداشت آن با
خط زیبا در دفتر مخصوص که به همین منظور تهیه کرده‌اند و با حفظ آن در مسابقه
حدیث که در پایان طرح برگزار خواهید نمود شرکت نمایند.

«اهم شناسی» مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَىٰ فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَىٰ مَغْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، مَاتَ شَهِيدًا^۱. هر کس بر بستر خود بمیرد، در حالی که به حق خدا و پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام او آگاه باشد، شهید از دنیا رفته است.

«اهر به معروف» قِوَامُ الشَّرِيعَةِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهَىُ عَنِ الْمُنْكَرِ^۲. بر پا ماندن دین، امر به معروف و نهی از منکر است.

«بیهشت» الْجَنَّةُ جَزَاءُ كُلِّ مُؤْمِنٍ مُّحْسِنٍ^۳. بهشت پاداش هر مؤمن نیکوکار است.
«پاکداهنی» إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ الْمُتَعَفِّفَ الْحَسِنِ^۴. خداوند سبحان، انسان پاکدامن با حیا را دوست دارد.

«پایداری» أَفْضَلُ السَّعَادَةِ إِسْتِقَامَةُ الدِّينِ^۵. برترین سعادت‌ها، پایداری در دین است.
«پدر و هادر» حَقُّ الْوَالِدِ عَلَىٰ الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ^۶. حق پدر بر فرزند این است که در همهی کارها از او اطاعت کند، مگر در کاری که معصیت خدای سبحان است.

«پرهیز کاری» دَلِيلُ دِينِ الْعَبْدِ وَرَعَهُ^۷. نشانه‌ی دین داری انسان، پرهیز کاری اوست.

۱- شرح غرر الحكم آمدي، ج ۴، ص ۵۱۸

۲- همان، ج ۲، ص ۵۰۱

۳- همان، ج ۲، ص ۳۷۵

۴- نهج البلاغه، کلمات فصار ۳۹۹

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸

۶- همان، ج ۱، ص ۳۷۳

۷- شرح غرر الحكم آمدي، ج ۴، ص ۸

﴿پژش خواهی﴾ مَا أَذْنَبَ مَنْ إِعْتَدَر١ کسی که پوزش بخواهد مثل این است که گناه نکرده است.

﴿پیامبر شناسی﴾ بَيَّنَتْ مُحَمَّداً لِلشَّاعِرِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَةَ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِۚ۲ خداوند

پیامبر اکرم ﷺ را به حق مبعوث کرد تا بندگانش را از پرسشش بتهرا برهاند.

﴿پیروی از رهبری﴾ أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِۢ وَ مَعِي عِتْرَتِي عَلَى الْحَوْضِ فَلَيَأْخُذْ أَحَدُكُمْ بِقُوَّلِنَا وَ

لَيَعْمَلْ بِعَلِيلِنَاۣ۳ من و فرزندانم با پیامبر ﷺ بر سر حوض کوثر هستیم، پس هر کدام از شما باید

گفتار و کردار ما را پیش گیرد (تا با ما باشد).

﴿پیوند با خویشان﴾ صِلَةُ الرَّاحِمِ تُوْجِبُ الْمَحَبَّةَ۴ پیوند با خویشان، محبت موجب محبت و

دوستی می‌شود.

﴿تبلی﴾ بِالْعَمَلِ يَخْصُّلُ الْعَوَابُ لَا بِالْكَسِيلِ۵ پاداش و ثواب با عمل به دست می‌آید، نه با

تبلی و سستی.

﴿جهاد﴾ أَللَّهُ أَللَّهُ فِي الْجِهَادِ يَأْمُرُكُمْ وَ أَنْهِسِكُمْ وَ أَلْسِتَكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ۶

خدا راخدا را در نظر داشته باشید، در جهاد با مال و جان و زبان هایتان.

﴿خداشناسی﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّالُّ عَلَىٰ وَجْهِهِ يَحْلِقُهُ۷ سیاست خدای را که با آفرینشش (ما را) به وجود

خودش راهنمایی کرد.

﴿خودشناسی﴾ لَيْسَ لَأَنْفِسِكُمْ ثُمَّ إِلَّا أَلْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا۸ قیمتی برای شما نیست، مگر

بهشت! پس خود را به غیر آن نفوروشید.

﴿خوش رفتاری﴾ حُسْنُ الْخُلُقِ يُورِثُ الْمَحَبَّةَ وَ يُؤَكِّدُ الْمَوَدَّةَ۹ خوش خلقی محبت از پی می‌آورد و

.۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۵

.۵- همان، ج ۶، ص ۵۰

.۲- همان، ج ۴، ص ۲۰۹

.۳- همان، ج ۳، ص ۳۷

.۶- نهج البلاغه، خطبه ۲۸۶

.۴- همان، ج ۳، ص ۲۲۸

.۸- همان، ج ۵، ص ۸۱

.۷- همان، خطبه ۱۵۰

.۹- همان، ج ۳، ص ۴۱۸

دousti را محکم می کند.

﴿دالش﴾ الْعِلْمُ يُنْجِيكَ وَ الْجَهْلُ يُرْدِيكَ.^۱ دانش رستگارت سازد و نادانی تباہت می کند.

﴿دشنام﴾ الْفَحْشَ وَ التَّفْحُشُ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ.^۲ فحش دادن و شنیدن ناسزا از اسلام نیست (یعنی مسلمان چنین نمی باشد).

﴿دعا﴾ مَنْ دَعَا اللَّهَ أَجَابَهُ^۳ هر که خدا را بخواند، خدا جواب او را می گوید.

﴿دوزخ﴾ وَأَغْمَمْ مَا قَرَبَكَ مِنَ اللَّهِ يُنَاعِدُكَ مِنَ النَّارِ^۴ بدان آنچه تو را به خدا نزدیک کند، از آتش

جهنم دور می سازد.

﴿دوست﴾ حَيْثُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَ جَذَبَكَ إِلَيْهِ^۵ بهترین دوست تو کسی است که به خوبی ها شتاب کند و تو را به سوی آن بکشد.

﴿راستگوی﴾ الْصَّدْقَ قَضِيلَةُ وَ الْكَذْبُ رَذِيلَةُ.^۶ راستگویی برتری و دروغ پستی است.

﴿روزه﴾ صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَاحٌ مِنَ الْعِقَابِ.^۷ روزه‌ی ماه مبارک رمضان سیری است در برابر کیفر و مجازات (دوزخ).

﴿سپام گزاری﴾ حُشْنُ الشُّكْرِ يُوجِبُ الزِّيَادَةَ^۸ نیکویی سپاس گزاری، سبب زیادتی نعمت می شود.

﴿عبادت﴾ إِذَا أَحَبَّ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهَمَةُ حُشْنَ الْعِبَادَةِ^۹ وقتی خدا بندۀ ای را دوست بدارد، نیکویی عبادت را در دل او می اندازد.

﴿غیبت﴾ أَبْعَضُ الْخَلَائِقِ إِلَى اللَّهِ الْمُعْتَابُ.^{۱۰} کسی که غیبت می کند دشمن‌ترین افراد در نزد خداوند است.

﴿فرصت﴾ بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً^{۱۱} به سوی فرصت‌ها بشتاب، قبل از آن که (آن را از دست

۱- همان، ج ۱، ص ۳۹۰.

۴۵- همان، ج ۱، ص ۴۵.

۴- نهج البلاغه، نامه ۷۶.

۴۴۵- همان، ج ۵، ص ۴۴۵.

۶- همان، ج ۱، ص ۲۰.

۴۳۳- شرح غرالحكم آمدی، ج ۳، ص ۴۳۳.

۸- شرح غرالحكم آمدی، ج ۳، ص ۳۸۲.

۷- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸.

۱۰- همان، ج ۲، ص ۴۲۴.

۱۳۸- همان، ج ۳، ص ۱۳۸.

۱۱- همان، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲۴۱- همان، ج ۳، ص ۲۴۱.

بدهی) و غصه شود.

﴿فِرَوْتَنِي﴾ تَوَاضَعَ لِلَّهِ بِرَفَعَكَ. ^۱ فروتنی برای خدا کن، تو را برتری می‌دهد.

﴿قُرْآن﴾ أَخْسِثُوا تِلَوَةَ الْقُرْآنِ فَلَأَنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ. ^۲ قرآن را نیکو بخوانید زیرا سودمندترین گفتارهاست.

﴿كَار﴾ الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِيلًا. ^۳ دانش با عمل همراه است، پس هر که یاد گرفت، به آن عمل کند.

﴿گناه﴾ إِنْ تَنَزَّهُوا عَنِ الْمَغَاصِي ۖ يُخْبِئُكُمُ اللَّهُ. ^۴ اگر از گناه دوری جویید، خداوند شما را دوست می‌دارد.

﴿مشورت﴾ شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَغْزِمَ وَ فَكَرْ قَبْلَ أَنْ تُقْدِمَ. ^۵ پیش از انجام کار مشورت کن و قبل از اقدام، فکر کن.

﴿مهریانی﴾ بِالرِّفْقِ تَدُومُ الصُّحَبَةُ. ^۶ رفاقت با مهریانی دوام می‌یابد.

﴿مؤمن﴾ الْمُؤْمِنُ صَدُوقُ الْإِيمَانِ بَذُولُ الْإِحْسَانِ. ^۷ مؤمن راستگو و نیکو کار است.

﴿نهاز﴾ الْصَّلَاةُ حِضْنُ مِنْ سَطُوَاتِ الشَّيْطَانِ. ^۸ نماز دز محکمی در برابر حمله‌های شیطان است.

﴿نیکوکاری﴾ الْمُحْسِنُ حَيٌّ وَ لَنْ تُقْلِ إِلَيْهِ مَنَازِلُ الْأَنْوَاتِ. ^۹ انسان نیکوکار زنده است، هرچند به خانه‌های مردگان برده شده باشد.

﴿هفت﴾ الْسَّرْفُ بِالْهَمْمِ الْعَالِيَةِ. ^{۱۰} بلندی مرتبه به همت‌های بلند است.

﴿همنشین﴾ جَانِبُوا الْأَشْرَارَ وَ جَالِسُوا الْأَحْيَانِ. ^{۱۱} از بدن دوری کنید با نیکان همنشین شوید.

.۲- همان، ج، ۲، ص ۲۵۷

.۱- همان، ج، ۳، ص ۲۷۷

.۴- همان، ج، ۳، ص ۲۵

.۳- همان، ج، ۲، ص ۸۷

.۶- همان، ج، ۳، ص ۲۳۷

.۵- همان، ج، ۴، ص ۱۷۹

.۸- همان، ج، ۲، ص ۱۶۶

.۷- همان، ج، ۲، ص ۹

.۱۰- همان، ج، ۲، ص ۱۰۶

.۹- همان، ج، ۱، ص ۳۹۳

.۱۱- همان، ج، ۳، ص ۳۶۲

﴿يَادِ خَدَّا﴾ ذِكْرُ اللَّهِ سَجِيَّةُ كُلُّ مُحْسِنٍ.^۱ یادِ خدا، خصلت هر نیکوکار است.
﴿يَارَى وَكَمَكَ﴾ أَعِنْ أَخَاكَ عَلَى هِدَايَتِهِ.^۲ برادرت را بر هدایت او یاری کن.

۱- همان، ج ۴، ص ۳۰.
 ۲- همان، ج ۲، ص ۱۷۸.